



شاه و انقلاب



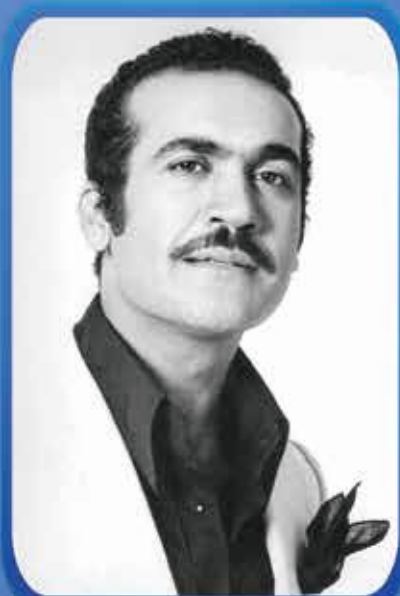
من و تو ، گوگوش



سپیده و کاری تازه



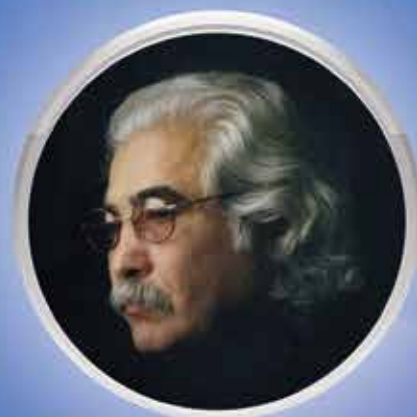
پروین و خانه نشینی



فرخزاد و پادوها



روابط ایرانیان



ایرج جنتی عطایی و تنهایی

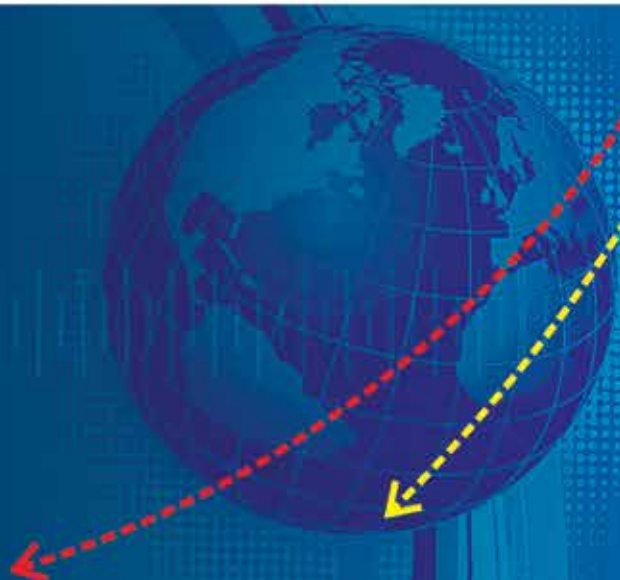


پدر تصویری تاریخ ورزش

AEROPLAN® Cöln

آژانس بزرگ مسافرتی ایرو پلان کلن

سفر به ایران
و سایر نقاط جهان
با معتبر ترین خطوط هوایی
با مناسب ترین قیمتها
و بهترین سرویس



برای آگاهی بیشتر و رزرو جا با همکاران فارسی زبان ماو تلفن مرکزی ما تماس حاصل فرمایید.

0221 - 9247 133

دورتموند :

۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۸

خانم عنصری

۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۹

خانم جنتیان

فرودگاه کلن و بن :

۰۲۲۰۳ - ۴۰ ۵۹ ۴۰

خانم دلشاد

AEROPLAN's Partner:

مسافرت با شرکتهای معتبر زیر با تخفیف ویژه برای هموطنان ایرانی



Studiosus

seetours

Club Med



airtours



Mauritiussteinweg 116 - 50676 Köln

www.aeroplan.de

info@aeroplan.de

QUALITY HOTEL WEMBLEY

Only 15 mins from central London by tube



هتل کوالیتی در مجاورت ویمبلی سرشناس‌ترین استادیوم جهان، پذیرای شما از سراسر اروپا می‌باشد.

هتل کوالیتی با سرویس حرفه‌ای، امکانات برجسته و قیمت مناسب، در خدمت شما خواهد بود

با خیالی آسوده به لندن سفر کنید.

سالن زیبا و مجلل هتل کوالیتی با گنجایش ۳۰۰ نفر و پارکینگ رایگان بهترین مکان جهت برگزاری مراسم مختلف

جشن ازدواج، جشن تولد، میهمانی‌های خصوصی، جشن اعیاد

سالن هتل کوالیتی با سیستم مجهز مناسب برای برگزاری کنفرانس، سخنرانی، مراسم مذهبی

QUALITY HOTEL WEMBLEY

ENQUIRIES & RESERVATIONS

t: 0044 (0) 20 8733 9000 f: 0044 (0) 20 8733 9001

e: enquiries@hotels-wembley.com w: www.hotels-wembley.com

QUALITY HOTEL WEMBLEY, EMPIRE WAY, WEMBLEY,
MIDDLESEX HA9 ONH

دکتر عباس شیرافکن:

پیری و چین و چروک پوست در خانم ها

مشاوره رایگان توسط دکتر عباس شیرافکن

همه روزه از ساعت 2 تا 7 بعد از ظهر

و شنبه ها در کلینیک زیبایی لמוژ



کلینیک دندانپزشکی لموژ

زیر نظر دکتر حکیم و دکتر آتنا

(با بیش از ۱۲ سال تجربه در لندن)

Quality Dental care for all family
at affordable prices

Free Consultation,
Check up & X-Ray free of charge
Filling therapy from £50
Extraction from £50
Crown & Denture from £150
Bridge from £250
Whitening from £99

We look forward to welcoming you
to mak an appointment please contact on:

341 kilburn High Road NW6 7QB

02076256060 - 02076255500

وقتی ردپای پیری، از چین و چروک گرفته تا افتادگی پلک، در صورت خانم ها پیدا می شود؛ خیلی ها به این فکر می افتند که با مراجعه به یک متخصص زیبایی صورت شان را دوباره زیبا کنند. این درمان های زیبایی از کشیدن پوست صورت تا تریق ژل و بوتاکس متغیر است. با پیر شدن، اسکلت صورت است که پیر می شود و تغییر می کند. با تغییر شکل استخوان های صورت زیر ساخت پوست و عضلات صورت دچار اختلال و پوست و بافت های نرم صورت از حالت اصلی خود خارج می شوند.

نتایج مطالعات جدید

مطالعات جدید نشان می دهند که نه تنها چین و چروک آشکار کننده افزایش سن است، بلکه با بالا رفتن سن، ساختار استخوان های صورت نیز تغییر می کند. به گفته دانشمندان، با افزایش سن، همه استخوان ها در بدن انسان تغییر شکل می دهند و در بسیاری از قسمت ها نیز استخوان ها به شدت نازک می شوند. این پژوهشگران با استفاده از توموگرافی کامپیوتری (سی تی اسکن) به تجزیه و تحلیل استخوان های صورت مردان و زنان در گروه های سنی متفاوت پرداختند. این تحقیقات نشان داد که با افزایش سن و تغییر در نفوذپذیری ماهیچه ها و بافت پوستی ساختار استخوان نیز تغییر می کند. هاوارد لانگستین، رییس مرکز جراحی پلاستیک و ترمیمی در دانشگاه روچستر، در این باره گفت: «مدت هاست که پزشکان دریافته اند علت اصلی پیری نزول بافت نرم و از دست رفتن خاصیت ارتجاعی پوست است.» وی افزود: «اما تا امروز تغییر طول و عرض استخوان ها به خصوص در ناحیه صورت ارزیابی نشده بود.»

تغییرات اسکلتی با افزایش سن

به گفته رییس مرکز جراحی پلاستیک و ترمیمی در دانشگاه روچستر این امر با سی تی اسکن ۶۰ مرد و ۶۰ زن در سنین جوانی بین ۲۰ تا ۴۰ ساله، میانسال ۴۱ تا ۶۴ ساله و مسن ۶۵ ساله به بالا به دست آمده است. تحقیقات نشان داد با افزایش سن، کاسه چشم افراد گسترده تر می شود، فاصله بین برجسته ترین بخش از پیشانی تا بالای بینی کاهش می یابد، گردی استخوان های گونه کمتر می شود، استخوان بینی بازتر و فک پایین متقبض می شود. البته تغییر در اندازه چشم ها ممکن است در اثر چین و چروک پیشانی نیز باشد. همچنین این مطالعات نشان داد که این تغییرات در زنان زودتر از مردان بروز می کند.

LEMOGE CLINIC

کلینیک زیبایی دکتر عباس شیرافکن، دکتر ویلیامز و بیوتراپیستهای با سابقه

۱- لیزر برای از بین بردن مو:

صورت از £45 - زیر بغل از £35 - چانه از £20 - بالای لب از £20 -
بیکنی از £45 - پا از £99 - پشت گردن از £30 - گونه ها از £30

۲- تزریق بتاکس در ناحیه پیشانی و اطراف چشم، اطراف دهان و کنار بینی برای از بین بردن چروک از £100 به بالا - بزرگ کردن لب £150

۳- از بین بردن مویرگهای قرمز £35 - لایه برداری پوست صورت، جوان کردن پوست £35

۴- تمیز کردن صورت از £16 الی £50 - کلیه درمانهای زیبایی الکترولیز

۵- لایه برداری پوست صورت £35

۶- Contact Lens، Fresh look رنگی برای ایرانیان £10

۷- جدیدترین مدلهای آرایش و رنگ مو - آرایش عروس پوت آپ

020 73724433 - 020 73720044 (شعبه اصلی)

191 Kilburn High Road London NW6 7HY (near Bingo)

Mon-Fri 9:30 - 7:00

Sat 9:00-6:00

Sun 10:00-5:30



TAK Groß & Einzelhandel mit lebensmittel
Persische Spezialitäten

بازرگانی تک (نماد ایرانیان جاوید)
تهیه و توزیع مواد غذایی ایرانی



آغازی نو در فعالیتهای تک در شهر دوسلدورف آلمان
تک در هر زمینه ای بخصوص مواد غذایی آماده همکاری میباشد

Kölner Str 41-b 40211-Düsseldorf

Tel: 0049-211- 8604225
0049-211- 24856860
0049-211- 24856870

Fax: 0049-211- 24856850 **Email:** info@nij-tan.com
Mobile: 0049- 1797649211 **co_nij@yahoo.com**
Web: www.nij-tak.com

اندک اندک جمع یاران میرسند!

همت عالی سر مقاله شماره گذشته مجله رنگارنگ بود که پس از ۲۵ سال انتشار مجله برای نخستین بار از یاران، دوستان و خوانندگان گرامی مجله تقاضای همیاری کرده بودیم. همه گاه بر این باور بوده و هستیم که بخشی از جامعه ایرانی را کسانی تشکیل میدهند که در سخت‌ترین دوران نیز برایشان معرفت، وجدان و آگاهی و تعهد و مسئولیت ارزش و اعتبار دارد. پس از دو دهه که از عمر مجله رنگارنگ می‌گذرد، خوانندگان شریف و ارجمند باور و اعتقاد دارند که این نشریه از روز اول تا به امروز بر یک خط مشخص و هدفمند حرکت کرده است و هرگز به خاطر کسب درآمد پشت پا به منافع مردم و کشورش نزده است. این در حالی بوده که بخاطر موقعیت و شرایط ممتاز و مورد توجه این نشریه میتوانسته درآمدهای کلان کسب کند و کمتر به منافع ملی و سرنوشت کشورش بیندیشد.

امروز بخود می‌بالیم نام کسانی را منتشر کرده ایم که هر سنت و پنس این رقمهای ارسالی را به عشق و علاقه و احترام به سوی ما روانه کرده اند.

ما چنین درخواستی را برای نخستین بار از همیاران خود کرده ایم. هر چند هنوز همه دوستان و یاران ممکن است فرصت کافی برای ارسال کمک خود را نداشته اند ولی مطمئن هستیم شما که اکنون خواننده این نوشته هستید یاری و کمک خود را دریغ نخواهید کرد و در حد بضاعت و امکانات خود قدمی در راه تداوم این نشریه بر خواهید داشت.

اسامی یاران بر اساس زمان دریافت همیاری:

آقایان:

ریاحی، اسماعیل مقربی، سهراب اشراقی (رستوران یاس)، علی بفروبی، جمشید آزادی، جمشید رضایی، زاهدی، سیاوش اوستا، حسین خونساری اندرو، محمد صفایی، فرزین دوستدار، امیر برادران، مجید شریفی، حسن متقیان، بهروز بهاریان، ایرج ربیعی، همایون هنربخش، نادر شاملو، پرویز صیاد، هادی خرسندی، ایرج جنتی عطایی، کمال خرسندی، ناصر محمدی، محمدرضا خمیدی، بهمن چاردهی، احمد وحدت خواه، فرخ فروزین، منوچهر حسین پور

خانم‌ها:

فریده حکیمی، شادی، گیلدا حسینی
خانواده شریعت، تیم فوتبال پارس، شرکت Claddege Estate، آژانس مسافرتی توبا تراول

اتحاد و همیاری ملی با همت عالی



ولی ما به همت عالی و افکار انسانی و احساسات ملی و میهنی شما ایمان داریم و می‌دانیم مجله‌ای را که متعلق به خودتان می‌باشد را تنها خواهید گذاشت. چنانچه چند دقیقه‌ای از وقتتان را به گذاشتن مبلغی در حد امکاناتتان در پاکتی به آدرس فوق اختصاص دهید، با این حرکت زیبا و ملی و میهنی باعث دلگرمی و امیدواری بیشتر ما در این راه سخت خواهید شد.

کماکان مجله رنگارنگ را در خانه‌هایتان حفظ کنید. شاید در زندگی روزمره هر کدام از شما مبلغ ۵، ۱۰، ۲۰ یا ... پوند و یورو مبلغ زیادی نباشد ولی چنانچه از سوی شما و تعدادی دیگر از دوستان برای ما ارسال شود گره‌گشای مشکلات مالی ما خواهد شد و کمک خواهد کرد همچنان استمرار یابیم. در بازار آلوده و آشفته امروز مطبوعات ایرانی در خارج از کشور که صدها نشریه ریز و درشت با حمایت پنهانی حکومت آخوندی سرازیر بازار شده است و همه چیزشان مجانی است، چون شرافت نداشته‌شان! رقابتی نابرابر و ناعادلانه را به وجود آورده‌اند که ادامه زندگی مطبوعاتی رنگارنگ را سخت و سخت‌تر کرده‌اند

۲۵ سال در جهت منافع ملی و میهنی شما هموطن عزیز قلم زده‌ایم و مجله رنگارنگ را به عنوان شناسنامه هویت ایرانیان خارج از کشور نشین منتشر کرده‌ایم. ۲۵ سال پیش همین گونه نوشته‌ایم که امروز می‌بینید. بر سر منافع ملی کشورمان با هیچکس و هیچ گروهی زد و بند و معامله نکرده‌ایم و طی ۲۵ سال گذشته دیناری کمک مالی دریافت نکرده‌ایم زیرا اعتقاد داریم استقلال و ثبات مجله رنگارنگ در آزادی قلم و بیان آن هفته است امروز برای اولین بار به خاطر تداوم زندگی مجله رنگارنگ سفره دل پیش شما صاحبان اصلی این نشریه گشاده‌ایم و انتظار داریم با حمایت و پشتیبانی شما عزیزان



فروشگاه دجله

بازارچه کاملی با انواع محصولات خاورمیانه

با قیمت‌هایی غیر قابل رقابت

در قلب منطقه فینچلی لندن

**Turkish, Greek, Iranian,
Middle Eastern Food
Fresh Daily Halal Meat
Fruit & Vegetables**

در صورت خرید از این فروشگاه
مجله رنگارنگ را هدیه خواهید گرفت

نمونه قیمت‌های ویژه محصولات

Bevelini روغن زیتون £2.69 each 2 for £4.99

انواع کنسرو انجمن £1.39 each 2 for £2.59

Cypressa روغن زیتون £15.99 each 5Ltr (extra Virgin)

خرمای ایران £2.39 each

برنج تیلدا ۵ کیلویی £9.99

برنج تیلدا ۱۰ کیلویی £18.99

Bineli پاستا £0.39 each 3 for £1.00

Tel: 020 8349 3414

**151-153 Ballards Lane
Finchley Central N3 1LJ**



رستوران خیاّم

**Free
Local Delivery**



**Live Music
in Weekend**

آماده پذیرایی از میهمانی های شما در دو سالن مجزا



**No Music Charge
No Minimum Charge**

**بهمن سلحشور
ارشیا و بابک**

**جمعه ها
شنبه ها**

موزیک زنده

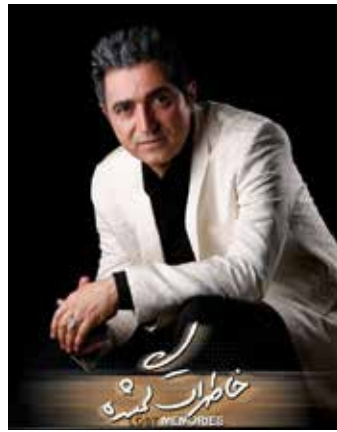


Tel: 020 779 441 79

559 Finchley Road London NW3 7BJ



فریدون و کاری تازه



فریدون که با دو آلبوم قبلی گل هیاو و خداحافظ بسیار گل کرد استقبال چشمگیر و موفقیت آمیز داشت.

با توجه به زیبایی کارهای گذشته فریدون توقعات هواداران فریدون بالا رفته است

او این بار با ترانه‌های رویا و طاقت بیار بازگشتی به خانه‌های علاقمندان خود دارد و باید منتظر ماند دید واکنش مردم به این کارهای تازه چیست؟

سیاوش قمیشی و بازی

سیاوش قمیشی کار تازه خود را به نام بازی به بازار ارائه کرده است این کار دارای ریتم و سبک خاص خود (قمیشی) می‌باشد که مورد علاقه دوستداران او می‌باشد. هدیه و الکی و رفیق هم در کنار بازی مجموعه کارهای اوست.

خبرهای هنری



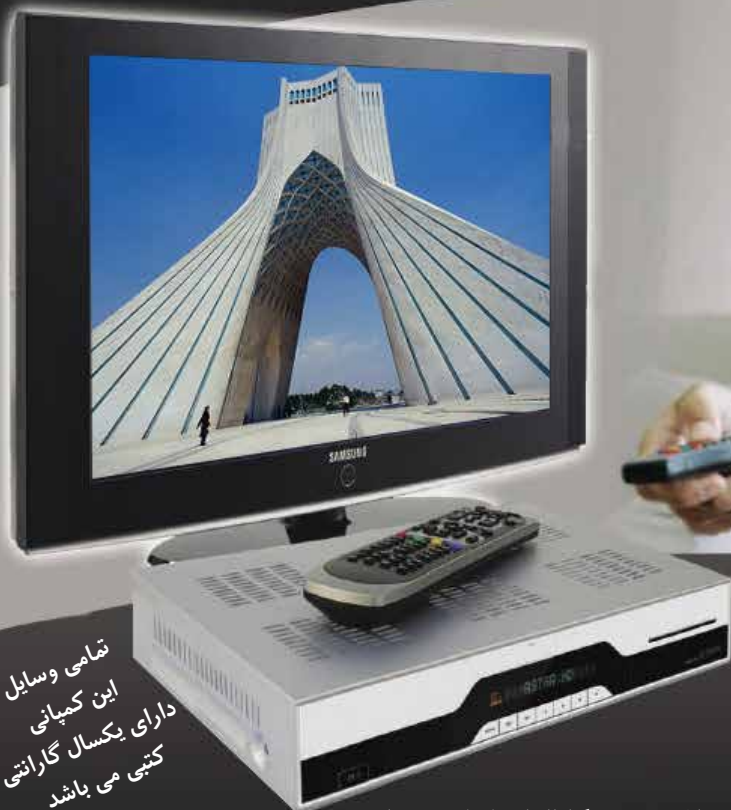
سپیده نازنین

آخرین کار سپیده به نام نازنین به علاقمندانش عرضه شده است شویرت آواکیان با آهنگسازی زیبا او را در این کار همراهی می‌کند. شرکت آونگ مسئولیت تولید و پخش آن را به عهده دارد و روزبه هم ترانه آن سروده است ویدیوی جالبی هم از آهنگ نازنین تهیه شده که از آرمین هاشمی تهیه کننده و راوی کارگردان آن می‌باشد.



Tehran Sat
Professional in Satellite Engineering

تهران ست نام آشنای خانواده های ایرانی

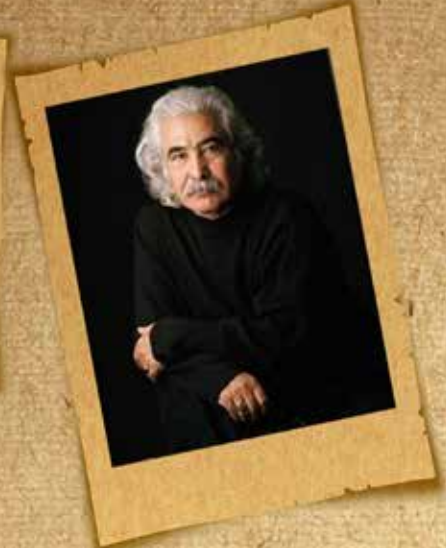
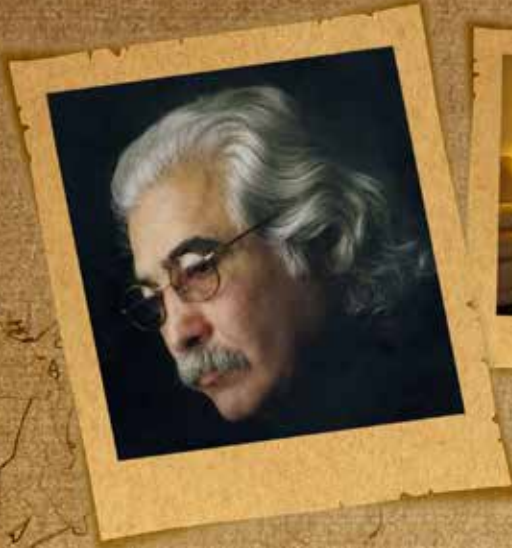


تأمی وسایل
این کمپانی
دارای یکسال گارانتی
کتبی می باشد

Tel: 0208 617 9119
Mobile: 079 8568 4351

قیمت استثنایی ستلایت ، دریافت کانالهای فارسی بدون دیش
فروش و نصب دوربین های مدار بسته

سیستم موتور ایز با دریافت 4000 کانال ایرانی و خارجی ، سیستم فیکس با دریافت 1000 کانالهای ایرانی و خارجی
با سیستمهای ستلایت ما می توانید کانالهای ایرانی ، افغانی ، عربی ، اروپایی و هندی را با دستگاه های دیجیتال دریافت نمایید



ایرج جنتی عطایی، دوست داشتنی و پابرجا

گلواژه‌های پرمعنای ترانه‌های او را اجرا کردند، امروز شاید بلندی قدشان را به رخ او می‌کشند که آنان را بلند ساخت.

ایرج جنتی عطایی ترانه‌هایش را در عطاری کاسبی نمی‌چیند که به مشتریانش بفروشد. او ترانه‌هایش را با منقش ذره ذره از وجودش می‌آفریند، نه برای فروش.

ایرج جنتی عطایی را نمی‌توان از تارک موسیقی نوین ایران تکان داد چون قطعه قطعه این بنای ۵۰-۴۰ ساله او کلنگ افتتاح زده است.

ایرج جنتی عطایی تنهاست.

تنهایی او به معنای حضور فیزیکی دیگران نیست تنهایی او هم‌زمانی با روح و احساس و ترانه‌های اوست و بخاطر همین است که اعتراض گونه می‌سراید که ترانه‌هایم را پس بده. در شماره آینده گفتگوی مفصلی با ایرج خان خواهیم داشت.

تو اگر می‌دانستی، تو اگر می‌دانستی
که چه زخمی دارد خنجر از دست عزیزان خوردن
از من خسته نمی‌پرسیدی
آه ای مرد چرا تنهایی

او هم از قبیله گریخته از جامعه بی‌هویت امروز است.

ایرج جنتی عطایی را می‌گوییم. مردی که ترانه‌هایش هویت و شناسنامه آنان شد. آنانی که شاید امروز، دیروزشان را فراموش کرده‌اند.

اگر ایرج جنتی عطایی نبود، داریوش، ابی، گوگوش و بسیاری دیگر از این چهره‌های مطرح تا به کجا قد می‌کشیدند؟ آنان مجریان خوبی بودند که ساختار آهنگین عاطفی و



رستوران یاس

پر سابقه ترین رستوران ایرانی در قلب کنزینگتون

با موزیک زنده

(Open till 4.00AM)

020 7603 9148

7 Hammersmith Road, London W14 8XJ



خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI
TRADE & FINANCE CO Ltd

نامی مطمئن و آشنا

Under New Licence No. 12113380

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St
London W1K 6WD

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae



لوله کشی آریا

شرکت تاسیساتی و خدمات لوله کشی



با بهترین سرویس و مناسب ترین قیمت در خدمت هموطنان عزیز میباشد

M: 07947 612 404 Mr. N. POUR T: 0208 200 6282

دکتر ایرج ربیعی

نویسنده و روزنامه نگار ، کارشناس امور مهاجرت

با همکاری گروه مشاورین و وکلای متخصص

مترجم رسمی دادگستری آلمان با 30 سال تجربه

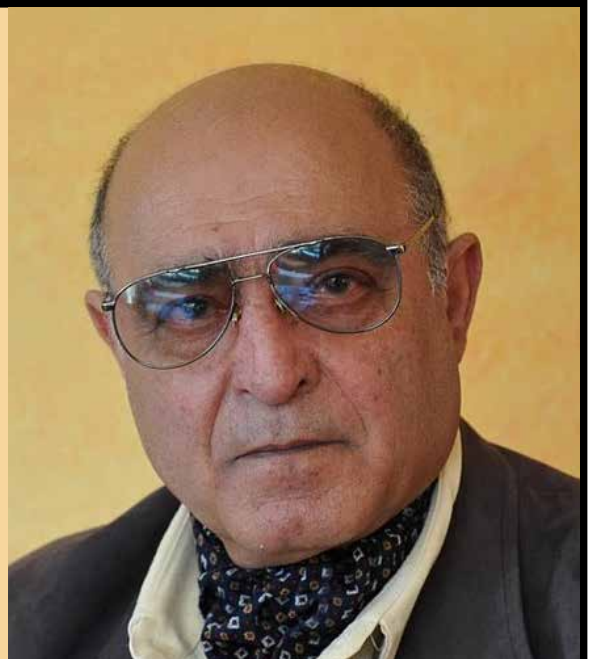
حضور در کلیه دادگاهها، ادارات دولتی و غیر دولتی

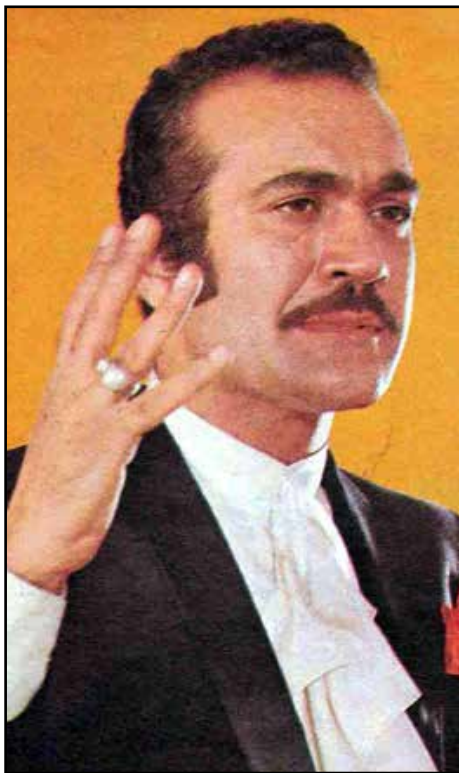
تلفن: 0049 251 6285696

Mobil: 015772404226

lradj.rabii@freenet.de

www.djarnews.com





جنايات آنان حرف زده بود

امروز در خارج از کشور کانالهای تصویری چون BBC و من و تو به فرخزاد می پردازند و شان و اعتبار هنرمندی بزرگ را در حد چند تا جوانک بی نام و نشان و بی کارنامه در حد جوک شوپائین می آورند. اینان با لودگی مانور توجیه مستند آبکیشان را در محور زندگی خصوصی او بنا می نهند و حتی کار را به جایی می رسانند که نام مردی را هم به عمد بیان می کنند که مثلاً با فرخزاد زندگی مشترک جنسی داشته است.

به ظاهر هم موضوع برنامه ها کتابی است که بیش از ده سال از عمر انتشار آن می گذرد حالا چگونه به یکباره موضوع روز شده است؟! از آن کسانی باید پرسید که پشت پرده این تلویزیونها قایم شده اند.

این برنامه ها تلاش دارند چهره ای از فرخزاد نشان دهند که می خواننده و می رقصیده و با مردان دیگر هماغوشی می کرده است!

فعالیت های سیاسی و مبارزاتی و افشاگرانه را گویی از زندگی او حذف کرده اند یا به شکلی سطحی از آن رد می شوند تا به نسل جدید القاء کنند که او هم

مثل همین هنرمند نماهای بی مسئولیت بوده است! اینان باید بدانند تاریخ قضاوتگر بی رحمی است دیر یا زود ورق برخواهد گشت و بازیگران اغفال افکار مردمی باید در برابر همین مردم پاسخگوی بازیهای امروز خود باشند.

شک نکنند آن روز خیلی دیر خواهد بود.

بدون شک در تاریخ هنری آلمان هم نامش ثبت می شد. ولی عاشق ایران بود و دلش می خواست برای وطنش کاری انجام دهد.

ولی آنچه به زندگی خصوصی او ارتباط داشت مانند هر انسانی در جهان مربوط به خودش بود و هرگز هم او مسائل خصوصی و جنسی زندگی خود را در صحنه یا ملاء عام ابراز نکرد و نشان نداد.

تراژدی مرگ فرخزاد مانند قتلهای زنجیره ای در خارج از کشور مانند شاپور بختیار، رحمان قاسملو و... شکل گرفت یعنی قاتلین زمینه های قبلی را طراحی می کردند و با شیوه ها و برنامه ریزی های گوناگون از کانال دوستی و آشنایی خود را به حریم این افراد می رساندند و در فضای زندگی خصوصی شان آنان را به قتل می رساندند.

فریدون فرخزاد که معترض ترین صدا علیه حکومت

ملایان در خارج از کشور بود و توضیح المسائل آخوندی را به تمسخر و ریشخند در صحنه گرفته بود، در لیست سیاه ترور حکومت آخوندی قرار داشت ولی طولانی شدن عمر حکومت آخوندی و بتدریج کم رنگ شدن مبارزه جدی بخشی از جامعه چمدان به دست سودجو باعث سرخوردگی و ناامیدی او هم شده بود که نمونه آن را در آخرین برنامه اش در لندن در صحنه به زبان آورد و به نوعی از تلاشهای سیاسی، مبارزاتی خود با ناامیدی حرف زد

شاید همین احساس و دلتنگی دیدن مادرش دلیلی شد تا رژیم از کانال دلالتش خود را به او نزدیک کند و به او پیشنهاد بازگشت به ایران را بدهند و سفیر وقت ملایان موسوی هم تضمین نماید که با او کاری نخواهند داشت!

البته در پشت این دعوت توطئه کشاندن او به ایران و کشتن او بود

ولی گویا جنایتکاران در محاسبه و بررسی قتل فرخزاد به این نتیجه رسیدند که بردن او به ایران و قتلش با توجه به شهرت او و تابعیت آلمانی او می توان در دسره های فراوانی از نظر بین المللی برای آنان به وجود بیاورد

بدین ترتیب پروژه قتل او را در آلمان اجرا کردند و به عنوان مهمان و کسانی که قصد کمک به او را دارند که زمینه بازگشتش را فراهم کنند، به خانه اش رفتند و به طور فجیعی او را به قتل رساندند.

در واقع فرخزاد قربانی اعتماد بچه گانه خود به کسانی شد که صدها بار در صحنه از بیرحمی و

• فریدون فرخزاد شخصیتی استثنایی و یگانه در کارش بود.

• فرخزاد در صحنه را به جرأت می توان در میان ۱۰ چهره برتر در جهان به عنوان شومن برگزید.

او با نوآوری، ابتکار، خلاقیت، استعداد، هنر ناب ذاتی، مجموعه ای را به مردم ارائه کرد که پس از ۳۵ سال که از غیبت او در تلویزیون ایران می گذرد می توان همین مایکل بری مور برترین شومن انگلیسی را با او مقایسه کرد که صد البته فرخزاد به مراتب قوی تر در صحنه حاضر می شد.

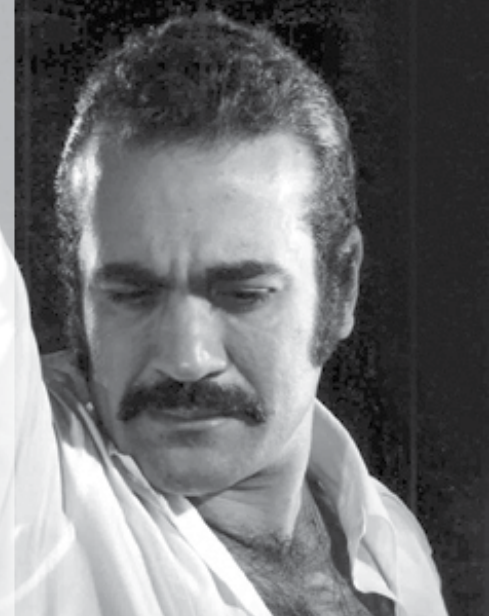
چنانچه فریدون فرخزاد ایرانی نبود و در همان آلمان که تحصیل و زندگی کرده بود به صحنه می رفت

فرخزاد

وبازی کثیف

تلویزیونهای

خارج از کشور



سوالی از آنان که پشت پرده تلویزیون من و تو هستند

چرا نباید جامعه ایرانیان خارج از کشور حداقل از همین صاحبخانه‌هایی که ما مهمانشان هستیم یاد بگیریم و پرونده‌هایمان را در معرض دید عمومی قرار دهیم تا مردم بدانند کی راست می‌گوید، کی دروغ!

من مسئولان تلویزیون من و تو را به چنین مناظره‌ای در هر کجا که بخواهند دعوت می‌کنم. مسلماً آنان نمی‌توانند بگویند مگر تو کی هستی؟!

چون خودشان هم می‌دانند من که هستم، قبل از اینکه بدانند دوربین و استودیو و تلویزیون چیست من همه را به صورت تنها کانال تصویری اروپا در اختیار داشته‌ام بارها و بارها اینان برای ادای احترام و سپاس پیش من می‌آمدند!

سوال من ساده است این هزینه‌های نجومی و سرسام آور از کجاست؟

تعهدات سیاسی و مبارزاتی قبلی شما کجا رفت؟ جمع کردن مشتی آدم بی‌کارنامه برای چه هدفی است؟

آنان را به بازی گرفتن به عنوان عروسک دست ساز که مجری حرفه‌ای بی‌محتوایی باشند؟ و صدها سوال دیگر! و اما سرکار خانم گوگوش!

از اینکه از روز اول حضور گوگوش در خارج از کشور با دلایل و مدارک در مجله و تلویزیون رنگارنگ اعلام کردیم ایشان با طرح و برنامه ریزی وزارت اطلاعات به خارج آمده‌اند و هدف حکومت هم کنترل تنش ۱۸ تیر

ولی این چند «من» باقیمانده تا نفسی در سینه و زوری در بازو داریم خواهیم بود و خواهیم ماند.

به کارنامه خود می‌بالیم و افتخار می‌کنیم کارنامه‌مان را با هزاران ساعت برنامه تلویزیونی و هزاران صفحه نوشتاری مجله رنگارنگ در آرشیو حافظه تاریخی جامعه خارج از کشور داریم.

دلسوخته وطنم هستم.

داغ ایران دارم.

بغضی ۳۰ ساله در گلو دارم

در خلوت وجدانم هزاران جوان رشید و پر امید را می‌بینم که سینه‌های مملو از آرزوهایشان آماج تیرهای جنایتکاران آخوندی قرار گرفته است.

یاد دهها هزار گور بی‌نام و نشان می‌افتم که سالهاست پدر و مادرانشان هنوز در حسرت یافتن قطعه زمینی خشک و بی آب و علف‌اند که دلخوش باشند جوانشان در آنجا در خون خود آرمیده است!

آره میشود همه اینها را ندید، میشود بزن و برقص راه انداخت، میشود اولویت را غذا پختن و آکادمی و لودگی اختصاص داد. ولی نمیشود فردا را انکار کرد. نمیشود وجدان، تعهد و مسئولیت را در کوزه گذاشت و آبش را خورد.

شهرت مطرح شدن، چهره خود را نمایندن به چه قیمتی مهم است؟

• هزینه‌های سرسام آور چنین تلویزیونی از کجا تأمین می‌شود؟ مسلماً از اسکناسهای تقلبی نیست

• من مسئولان این تلویزیون را به مناظره‌ای عمومی در هر کجا که بخواهند دعوت می‌کنم

• من همان محمود سربانی هستم که همین گردانندگان تلویزیون من و تو و دور و بریهاشان برای عقاید و موضع‌های سیاسی من کف می‌زدند من که عوض نشده‌ام، باید دید چه کسانی عوض شدند

• گوگوش قبل از غایشهای آکادمی بیاید و بگوید چگونه به من و تویی‌ها وصل شد؟ چگونه به اکبر گنجی قاتل و پاسدار وصل شد؟

هر روز که می‌گذرد فضای زندگی امثال من تنگ‌تر و دور و برمان خلوت‌تر می‌شود، بوی کباب پاسپورتی و حضور در کانالهای تلویزیونی قارچی و ایجاد روابط بزن و برقص و بیخیال بقیه، هدیه شومی است که حکومتگران ملایان چون واکسنی مسموم به بدنه بی‌هویت ایرانیان خارج از کشور نشین تزریق کرده‌اند و پول در پشت پرده این بازیها حرف اول را می‌زند.



جلسه اول مشاوره رایگان خواهد بود

خدمات ما شامل

- ◀ مشاور تحصیلی در انتخاب رشته و اخذ پذیرش تحصیلی از دانشگاه ها و کالج های معتبر UK
- ◀ مشاوره جهت مدارک مورد نیاز برای تکمیل پرونده UCAS
- ◀ خدمات اخذ و تمدید ویزای تحصیلی
- ◀ خدمات حساب بانکی جهت دانشجویان در انگلستان
- ◀ خدمات اجاره مسکن در سراسر UK
- ◀ اخذ انواع ویزای تحصیلی، دیداری، گردشگری و کاری
- ◀ خدمات مشاوره و اخذ انواع ویزای تحصیلی، دیداری و گردشگری به ایالات متحده آمریکا

خدمات اخذ اقامت دائم به همراه درخواست پاسپورت انگلیسی




77 Oxford St, London W1D 2ES
 (+44207) 6592237 - 6592193
www.global-connection.co.uk
info@global-connection.co.uk

- ◀ آیا برای تمدید ویزای تحصیلی خود به مشکل برخورد کرده اید؟
- ◀ آیا برای پیوستن دوستان و خانواده خود به شما در انگلستان به مشکلی برخورد کرده اید؟

مشاورین مجرب و با تجربه ما آماده کمک و پاسخگویی به تمام سوالات شما عزیزان می باشند.

دیگر. من هیچ کدام را نمی شناختم. فقط شایسته در فرودگاه به من گفت شما خیالتان راحت باشد. من خودم را به شما می رسانم.

گفتید دو خانم و...

بله یک دختری بود که می گفتند عکاس است و قرار است دستیار شخصی من باشد. من گفتم چطور کسی که من اصلاً او را نمی شناسم، می تواند دستیار شخصی من باشد؟ ولی به هر حال او بود و هر جا هم می رفتم با من بود.

قرارداد شما در تهران با شایسته چگونه بود؟ قرار بود من این تعداد کنسرت بگذارم و او رقم مشخصی را به عنوان دستمزد به من بدهد.

و بقیه اش هم به آقای شایسته برسد، ظاهراً. من این طور فکر می کردم، بعد ها فهمیدم او با من قرار داد بسته، ولی قرارداد را یا به خوش زبان فروخته یا به او واگذار کرده و یک درصدی گرفته است.

خوش زبان حالا کجاست؟

به اسم دیگری در تورنتو فعالیت می کند. برای خوانندگان مقیم لس آنجلس و کانادا، کنسرت می گذارد، و یا سی دی می زند.

در تهران می گویند او آدم وزارت اطلاعات است، و بر اساس همان برنامه های فرهنگی سعید امامی، با این پول ها در جمع هنرمندان ایرانی خارج حضور یافته است *

هرچه هست، عجیب و غریب است. اول در اینجا می گفتند گوگوش را جمهوری اسلامی فرستاده. من هم می گفتم این طور نیست، یا اگر هست من خبر ندارم!! برای همین اگر روی این حرف صحنه بگذارم، آن وقت پای خیلی ها به میان کشیده می شود.

اوضاع ایران را دنبال می کنید و نظراتان در مورد اکبر گنجی؟

(با بغض) شدیداً. مدام برایش دعا می کنم. دلم می خواهد آن چیزی که در ارتباط با گنجی همه ما را می ترساند و همه هم سعی می کنیم به آن فکر نکنیم، اتفاق نیفتد. من به این پایمردی درود می فرستم.

و او دارد پرپر می زند

(گریه می کند) یعنی از دست کسی کاری بر نمی آید؟

حالا من خانم گوگوش را به عنوان صاحب یکی قدیمی ترین و پرخواننده ترین نشریه در خارج از کشور دعوت به مناظره در هر کجا که بخواهد می کنم مطمئن هستم که هنوز هم حقایق را نمی گوید و هنوز هم از امدادهای غیبی خط می گیرد.



فعالیت های سینمایی و هنری ایران هستند)

یعنی شایسته قرار داد را بست و گفت اجازه بازیگری شما را هم می گیرد؟

بله، ولی بعد گفت باید بیرون از ایران کار کنیم تا جلوی مزاحمت ها و اشکالاتی که می تواند پیش بیاید، گرفته شود. گفت بهتر است اینجا نباشیم، کار را تمام می کنیم و اینها را در برابر عمل انجام شده قرار می دهیم. همان کاری که برای دیگر هنرمندان قدیمی کرده بودند. به هر حال چند روز بعد از بستن قرار داد، مسعود از قول شایسته گفت دلت می خواهد در حین بازی در فیلم، چند کنسرت هم بدهی؟ من خیلی سرسری و عادی گفتم: آره، چرا که نه. اگر بشود که خوب است. بد نیست! بد نیست؟ فکرش را بکنید، من یک عمر، شب ها چه خواب هایی که ندیده بودم و حالا می گفتم: بد نیست! خلاصه به همین دلیل اصلاً نمی دانستم در قرار داد ما درباره کنسرت قرار است چه چیزی گذاشته شود. ظرف یک هفته این قرار داد هم بسته شد و ظرف دو سه روز، پاسپورت من آماده شد. آن هم در حالی که من طی بیست سال، حداقل پانزده سال دنبال گرفتن پاسپورت بودم و نشده بود. پول را که دادیم، پاسپورت را دادند.

خوش چهره در ایران چکاره بود؟

(با خنده) خوش چهره، نه، خوش زبان. خوش چهره یک آقایی است که قرار بوده در کابینه جدید وزیر اقتصاد باشد.

بله، ببخشید

خوش زبان در ایران بود، و از اول به اسم دیگری به من معرفی شد. البته نمی خواهم بنش قبر بکنم، ولی یک جوری در دفتر شایسته بود که به نظر عادی نمی رسید.

(منوچهر خوش زبان در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه به عنوان مسئول وزارت اطلاعات همراه تیم ایران بود)

با هم از تهران بیرون آمدید؟

بله، این آقا همراه ما بود به اضافه یک آقا و دو خانم

آن سالها بود و ایشان هم در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود آفتاب آب تویه را برداشت و حسایی پیکر نجس و آلوده حکومت ملایان را آبکشی کرد که این نمونه حرفهای اوست.

مردم قصد براندازی رژیم را ندارند بلکه بر سر دموکراسی در جامعه با هم کلنجار میروند

حضور من در خارج از کشور ثمره دوم خرداد است

بیست سال انتظار کشیدم که این مجوز را به دست آورم که به خارج بیایم کنسرت اجرا کنم و به ایران برگردم

اولین کنسرت گوگوش در لندن را هم وقتی منوچهر وثوق در ظاهر برگذار کرد، ولی خوش زبان مامور وزارت اطلاعات به اتفاق منوچهر قره گوزلو در لندن حضور داشتند

در ملاقاتی حضوری منوچهر وثوق به اتفاق قره گوزلو به دفتر من آمدند که آگهی کنسرت گوگوش را به مبلغ چشمگیر به مجله و تلویزیون رنگارنگ بدهند، که علناً به هر دوی آنان گفتم چون گوگوش از طرف وزارت اطلاعات به خارج آمده است من آگهی او را قبول نمی کنم و در برابر اصرار منوچهر وثوق هم گفتم نه.

گوگوش با مصاحبه های زیرکانه به شکلی تلاش کرده تا افکار ساده لوح جامعه را بفریبد و به نوعی هم اعتراف کند که بخشهایی از آن را میخوانید:

برادران شایسته در هدایت فیلم از طریق مسعود کیمیایی به شما چه پیشنهاد کردند؟

با هم قرار داد بازی در چهار فیلم را بستیم. شایسته اول اصرار داشت که اسمش برده نشود، بعد وقتی قرار داد را بستیم، در میانه کار دیدم دیگر خودش را کنار کشیده و مرا سپرده به آقایی به نام خوش زبان.

(برادران شایسته ماموران سرشناس وزارت اطلاعات در

موسسه خدماتی لیلی و مجنون

(با مدیریت لیلی)



موسسه جشنهای لیلی و مجنون با هر بودجه‌ای که شما داشته باشید بهترین‌ها را برایتان فراهم می‌کند از سفره عقد و گل آرایی گرفته تا موزیک و سالن و غذا، فیلم برداری، عکاسی، ماشین مخصوص عروسی، آرایش و لباس عروس و داماد را با بهترین خدمات و سرویس به شما ارائه مینماید



کارهای خود را به دست افراد کاردان و حرفه‌ای موسسه جشنهای لیلی و مجنون بسپارید

Tel: 020 80 90 22 66

079 66 19 57 16

garshacebi@yahoo.co.uk





بازرگانی مهیار کُن

آخرین کلام در انتخاب بهترینها



پلوپز شهرزاد



سماور مگا فورس

دفتر مرکزی کلن آلمان :

Tel. (+49) 0221-546 546 1

Fax. (+49) 0221-546 546 3

Stolberger Str. 1
50933 - Köln Germany

www.mahyar-koeln.com



غذاهای اصیل ایرانی و غیر ایرانی چیکا

ریحانا و مرد در زندگی

او گفت: "وقتی یک روز بیکار هستم و کاری برای انجام دادن ندارم، معمولاً تا آنجایی که ممکن است در خانه استراحت می‌کنم. اغلب تلویزیون تماشا می‌کنم و یا با صدای خیلی بلند به موسیقی مورد علاقه ام گوش می‌کنم. گاهی اوقات هم برای خرید بیرون می‌روم اما اخیراً وقتی بیکار هستم اصلاً دوست ندارم به خرید بروم بلکه ترجیح می‌دهم در خانه بمانم و تلویزیون تماشا کنم."

من واقعا دلم برای خانه تنگ می‌شود. اما بیشتر از همه دلم برای خانواده، غذاها و حتی آب و هوای آفتابی سرزمینم تنگ می‌شود. نور آفتاب واقعا باعث می‌شود که من احساس شادابی و نشاط داشته باشم.

"باربادوس فرهنگ بسیار متفاوتی دارد و من واقعا دلم برای این فرهنگ و زندگی کردن با این فرهنگ تنگ شده‌ام. خواننده شدن آرزو و رویای همیشگی من بود و به همین دلیل هیچ وقت از اینکه به اینجا آمدم و این حرفه را انتخاب کردم پشیمان نیستم اما دلم برای سرزمینم خیلی تنگ شده است"

ریحانا برای خوشحال بودن به ازدواج کردن و وجود یک مرد در زندگیش نیاز ندارد.

وقتی خبرنگار مجله اینتچ ویکلی از ریحانا سؤال کرد که آیا او از زندگی مجردی لذت می‌برد یا نه؟ این خواننده پاسخ داد: "چه کسی از مجرد بودن لذت نمی‌برد".

ریحانا در ادامه این مصاحبه گفت که چه کسانی او را خوشحال و آرام می‌کنند و باعث می‌شوند که او در دنیای پر هرج و مرج و شلوغ خودش بتواند آرامش داشته باشد و روی کارش تمرکز کند.

او گفت: "دوستان و مردم خوبی که در اطرافم هستند باعث می‌شوند خوشحال باشم و آرامش داشته باشم. آنها مهمترین افراد زندگی من هستند".

ریحانا اخیراً گفته است که هیچ کاری را بیشتر از استراحت در منزل و تماشای برنامه مورد علاقه اش در تلویزیون دوست ندارند.



ساتراپی و "خورشت آلو با مرغ"

رمان گرافیکی "خورشت آلو با مرغ"، سال پیش در فرانسه به بازار آمد. این فیلم داستان زندگی دایی بزرگ ساتراپی به نام "ناصر علی خان" است که موسیقیدان و عاشق دستپخت مادر خود، به ویژه خوراک "جوجه با آلو"ی او بوده است. "ناصر علی خان" سرانجام به بیماری افسردگی دچار می‌شود و دست به خودکشی می‌زند.

در این فیلم بازیگرانی چون گلشیفته فراهانی، متیو آمالریک، ایزابل روسلینی و ماریا دی‌متریوس ایفای نقش می‌کنند. "خورشت آلو با مرغ" در استودیوی بابلزبرگ در شهر برلین آلمان ساخته شده است.



"خورشت آلو با مرغ"، دومین فیلم مشترک مرجان ساتراپی و "ونسان پاروتو"، کارگردان فرانسوی در این دوره‌ی جشنواره نیز به نمایش در آمد. این فیلم در واقع ادامه‌ی فیلم انیمیشنی و رمان گرافیکی "پرسپولیس" است که در سال ۲۰۰۷ جایزه‌ی هیات داوران جشنواره‌ی کن را از آن این دو هنرمند ساخت.

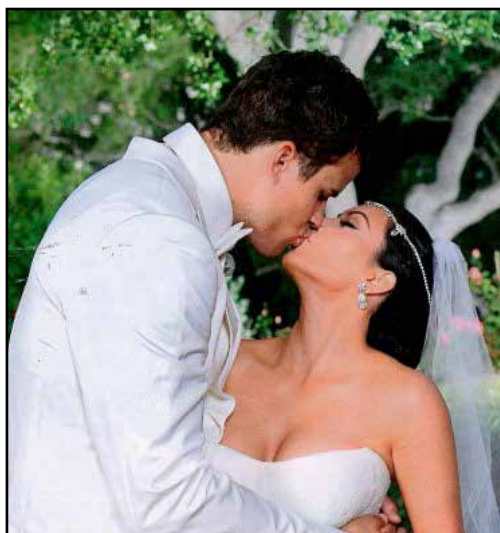


ازدواج مجلل کیم کارداشین

کیمبرلی نوئل که با نام «کیم کارداشین» یا «کارداشین» شناخته می‌شود به عنوان یک بازیگر، مانکن و تهیه کننده فعالیت می‌کند.

کیم کارداشین (۳۰ ساله) سرانجام پس از مدتی رابطه با کریس هامفریز (۲۵ ساله)، بایکدیگر ازدواج کردند. تفاوت سن و تفاوت قد در این زوج کاملاً مشهود است!!

کارداشیان اظهار داشت: "از اینکه می‌بایست به تنهایی راهروی کلیسا را طی می‌کردم بسیار عصبی و ناراحت بودم. به دلایلی نمی‌خواستم پدرخوانده ام در کنارم باشد ولی استرس زیاد از اینکه مبادا در حین راه رفتن بیفتم یا ناگهان غش کنم باعث شد از پدرخوانده ام درخواست کردم در این لحظه مهم از زندگی ام در کنارم باشد."



سوپرمارکت آری با مجموعه کاملی از بهترین مایحتاج

خانواده های ایرانی در شمال لندن در منطقه

فینچلی در خدمت شماست



Iranian Food

Turkish Food Greek Food

Continental Food Eastern European Food

قیمت ها در سوپر آری استثنایی و غیر قابل رقابت است

انواع و اقسام مواد غذایی ایرانی و ترک، گوشت و مرغ تازه، میوه و سبزیجات تازه، خشکبار و آجیل، شیرینی های خشک و تر، انواع قلیان



Ari Food Centre بازارچه کاملی که فقط باید از نزدیک دید و قضاوت کرد



16-19 Grand Arcade, Tally Ho Corner, North Finchley N12 0EH

Tel: 020 844 52168

جنیفر لویز پس از جدایی از همسرش!

میخواهیم رقم نمی خورد ولی با تمام این اتفاقات من هنوز اعتقاد را به عشق از دست نداده ام و تا آخر عمر نسبت به آن خوشبین هستم.

جنیفر ۴۲ ساله همچنین اذعان داشت کار حرفه ای او ضربه جبران ناپذیری را به زندگی خصوصی او وارد کرده است! او می گوید: "در سال های اول ازدوجمان اکثر اوقات با هم به مسافرت می رفتیم.

من زیاد کار نمی کردم و در اکثر تورهای مارک او را همراهی می کردم

این خواننده و بازیگر آمریکایی که اخیرا به پایان رسیدن سومین ازدواجش را اعلام کرد اصرار دارد که او دوباره خوشبختی و سعادت را پیدا خواهد کرد.

او اعلام داشت: "تصمیم به جدایی از مارک سخت ترین تصمیمی بود که تا کنون گرفته ام. از ته دل می خواستم که این خانواده پا بر جا بماند ، نه فقط من بلکه هر دوی ما تمام تلاش خود را کردیم اما متأسفانه گاهی اوقات سرنوشت آنجوری که ما



متیو فاکس بازیگر سریال «لاست» دستگیر شد

سوار شود با او روبرو می شود. بورمن، فاکس ۴۵ ساله را به جا نمی آورد و چون متوجه بوده او جز سرنشینان اتوبوس نیست سه بار به او هشدار می دهد که سوار نشود.

اما فاکس با مشت به شکم و بدن او زده و بورمن هم از خودش دفاع کرده و مشتی به صورت فاکس زده که گفته می شود موجب شده لب بازیگر کمی پاره شود. او مدعی شد سه نفر به کمکش آمدند و فاکس را نگه داشته اند تا پلیس به صحنه برسد

متیو فاکس بازیگر نقش جک شپرد در سریال «لاست» روز دوشنبه صبح به اتهام ضرب و شتم یک راننده زن اتوبوس بازداشت شد.

فاکس برای فیلمبرداری «من، الکس کراس» براساس رمانی از جیمز پترسن در کلیولند به سر می برد صبح دوشنبه قصد داشت سوار اتوبوسی شود که با مخالفت راننده مواجه می شود.

هیتر بورمن ۲۹ ساله راننده اتوبوس بود و اظهار کرد زمانی که فاکس می خواست به همراه دیگران



بیست و سومین قسمت از سری فیلم های «جیمز باند» که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده، از اواخر سال قبل کلید خورد و «جودی دنچ» - بازیگر سرشناس هالیوود - برای هفتمین بار نقش رییس یک مأمور مخفی را در آن ایفا می کند.

در قسمت جدید این فیلم، «دانیل کراگ» - بازیگر سرشناس انگلیسی - برای سومین بار نقش مأمور ۰۰۷ را بازی خواهد کرد.

جیمز باند ۰۰۷ به آفریقا می رود

فیلمبرداری بخش هایی از پروژه سینمایی «جیمز باند ۲۳» چندی پیش در هندوستان به پایان رسید و عوامل این اکشن جاسوسی برای ادامه فیلمبرداری به آفریقای جنوبی می روند.

کمپانی سونی اعلام کرد: بیست و سومین قسمت از سری فیلم های پلیسی «جیمز باند» روز ۲۶ اکتبر سال آینده میلادی در لندن اکران خواهد شد.



سوپر دنا SUPER DENA

کلیه مایحتاج یک خانواده ایرانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است



Tel: 020 85 66 93 60

6 Ashbourne Parade (On Hanger Lane Roundabout) London NW10

قنادی و خشکبار بهار و سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون

آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

گوشت و مرغ حلال

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ، سی دی و ویدیوهای ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.



020 7603 8909 347Kensington High St. W8

آگهی از شما ، آگاهی رساندن به مردم از ما

جلسه اول مشاوره رایگان خواهد بود



خدمات اخذ اقامت دائم به همراه درخواست پاسپورت انگلیسی

خدمات ما شامل

- ◀ مشاور تحصیلی در انتخاب رشته و اخذ پذیرش تحصیلی از دانشگاه ها و کالج های معتبر UK
- ◀ مشاوره جهت مدارک مورد نیاز برای تکمیل پرونده UCAS
- ◀ خدمات اخذ و تمدید ویزای تحصیلی
- ◀ خدمات حساب بانکی جهت دانشجویان در انگلستان
- ◀ خدمات اجاره مسکن در سراسر UK
- ◀ اخذ انواع ویزای تحصیلی، دیداری، گردشگری و کاری
- ◀ خدمات مشاوره و اخذ انواع ویزای تحصیلی، دیداری و گردشگری به ایالات متحده آمریکا

BRITISH COUNCIL UCAS

77 Oxford St, London W1D 2ES
(+44207) 6592237 - 6592193
www.global-connection.co.uk
info@global-connection.co.uk

◀ آیا برای تمدید ویزای تحصیلی خود به مشکل برخورد کرده اید؟

◀ آیا برای پیوستن دوستان و خانواده خود به شما در انگلستان به مشکلی برخورد کرده اید؟

مشاورین مجرب و با تجربه ما آماده کمک و پاسخگویی به تمام سوالات شما عزیزان می باشند.

براد پیت و آنجلینا سالیانه ۶ میلیون یورو خرج فرزندانشان می کنند!

علاوه بر این هزینه ها ، آنجی ۳۵ ساله و براد ۴۷ ساله برای اقامت در هتلهای گرانقیمت نیز هزینه های هنگفتی می پردازند. آنها یکبار برای اقامت خانوادگی در هتل والدورف آستوریا در نیویورک ، ۳۰۰/۰۰۰ یورو پرداختند.

یک منبع خبری گفت: " آنها سالانه میلیونها دلار به سازمانها و بنیادهای خیریه اعطا می کنند و سعی می کنند از این طریق مخارج و هزینه های بالای زندگی خود را توجیه کنند."

برای پوشاک فرزندانشان ۵۸/۰۰۰ یورو و برای فعالیتهای و سرگرمیهای روزمره آنها حدود ۹۲/۰۰۰ یورو خرج می کنند.

این زوج مشهور که مرتباً " برای شرکت در فیلمها و پروژه های مختلف به کشورها و شهرهای دیگر سفر می کنند ، به آموزگاران و مربیانی که آنها را در این سفرها همراهی می کنند ، ۶۰۰/۰۰۰ یورو می پردازند و برای اینکه بتوانند با جت شخصی خودشان سفر کنند ، سالانه ۳.۱ میلیون یورو هزینه می کنند.



یورو دلار به این پرستارها می پردازند. اما این فقط یکی از هزینه های آنهاست.

آنجلینا و براد برای تغذیه فرزندان خود حدود ۲۲/۰۰۰ یورو ، برای جشن تولدهایشان ۳۸/۰۰۰ یورو،

مدوکس ۹ ساله ، پکس ۷ ساله ، زهرا ۷ ساله ، شیلو ۴ ساله ، ناکس و ویوین ۲ ساله ، شش فرزند این دو بازیگر مشهور هستند که هر کدام یک پرستار دارند و این زوج هالیوودی سالانه حدود ۵۴۱/۰۰۰



ناتالی پورتمن دوباره به سینما باز می گردد

این بازیگر برنده اسکار که در ماه ژوئن یک پسر دنیا آورد و او را "الف" نامید ، برای بازی در درامای "آدلین" در کنار آنجلا لنتزبری در حال مذاکره است.

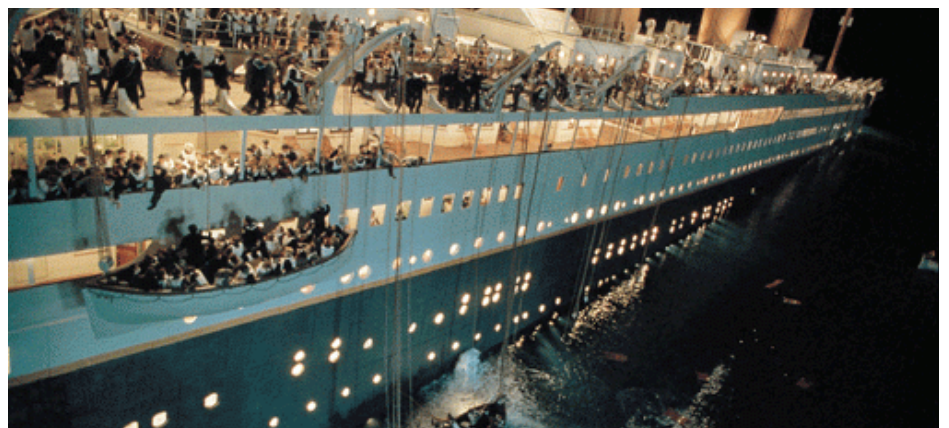
بنا به گزارش مجله پپیل ، داستان این فیلم درباره زنی است که در قرن بیستم متولد می شود، اما یک تصادف باعث می شود که او هیچ گاه پیر نشود و زندگی او جاودانه شود.

اما بعد از مدتها زندگی در تنهایی او با مردی آشنا می شود و احساس می کند که این مرد ارزش آن را دارد که زندگی جاودانه اش را بخاطر او از دست بدهد.

حضور جاستین تیمبرلیک و جسیکا بیل

این دو که به یه دلایلی از هم جدا شده بودند دوباره رابطه خود را به عنوان یک زوج شروع کردند این دو در طول هفته سه بار در یک کافی شاپ با هم دیده شدند. و یکی از کسانی که شاهد ماجرا بود

آنها به نظر خوشحال میومدند و در طول مدتی که با هم بودند لبخند میزدند و با هم شوخی میکردند



«تایتانیک» دیگری در راه است

ساخت سریال کوتاه «تایتانیک» در بریتانیا ادامه دارد ، این سریال با بودجه ۳۰ میلیون دلار تولید می شود و درک جاکوبی به جمع بازیگران آن اضافه شده است.

علاوه بر او کریس ناث و نو کمپل هم برای بازی در این مجموعه وارد بحث شده اند. این سریال را کمپانی د'انجلیس در ایتالیا تولید می کند.

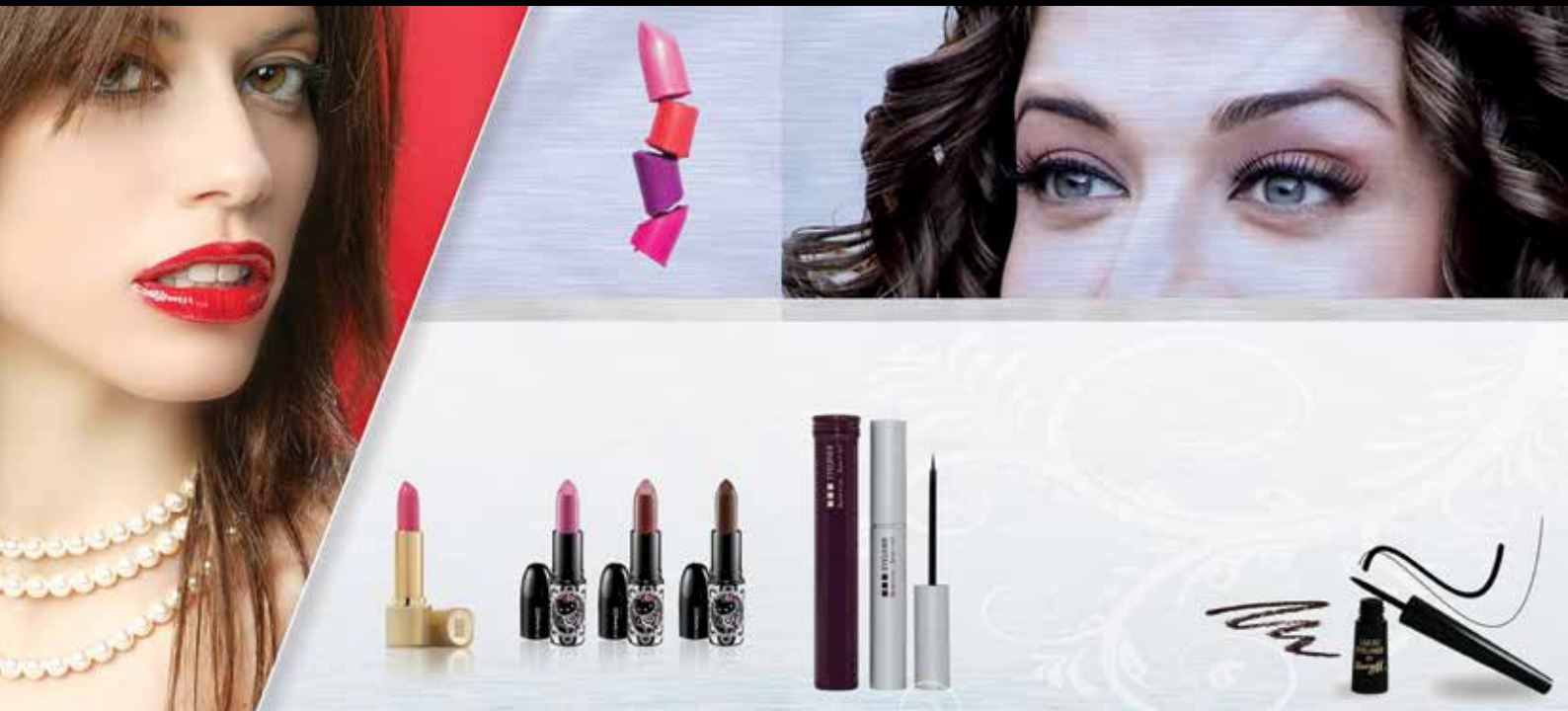
جاکوبی که آخرین بار در فیلم موفق «گفتار پادشاه» دیده شده نقش لرد ویلیام پیری را بازی می کند، او رئیس شرکت کشتی سازی هارلند و وولف است، کمپانی که کشتی نفرین شده تایتانیک را ساخت.

سالن آرایش و زیبایی HENDON

با کادری حرفه ای و ورزیده جدیدترین طرحهای مو و آرایش و زیبایی را به شما عرضه میکنند



- خدمات آرایشی و مو: شامل مش، فر، های لایت، کوپ و کاشت مو
- خدمات زیبایی: شامل انواع فیشال پوستی، بند و ابرو و وکس
- خدمات ناخن: شامل مانیکور و پدیکور و کاشت ناخن



020 8203 8885

7 Watford Way, Hendon London NW4 3JL
(opposite of Hendon central Station)

info@hendonbeauty.com
www.hendonbeauty.com

شرکت خدماتی ال پی ام پیشرو در زمینه نگهداری و تعمیرات ساختمان

با کادری متخصص و کار آزموده در زمینه کلیه کارهای ساختمانی و مهندسی گاز



LONDON PROPERTY MAINTENANCE

LPM Domestic Gas Engineers & Co

Maintenance

- General Building Work
- Renovation
- Decorating
- Bathroom
- Plumbing
- Flooring

www.lpm4u.co.uk

Gas Safe Engineering

- Gas Central Heating
- Gas Boilers
- Gas Appliance Installation
- Landlord Gas Safety Certificates
- Appliance Servicing

www.lpm4u.co.uk

Office 2, (LPM)
Donoghue House
Claremont Road
London NW2 1RR

M: 077 2857 9397

E: manager@lpm4u.co.uk

E: manager@gasafe.co

Landlord Gas Certificates from £40

Boiler Installations from £400

Boiler Servicing from £65



جهت اطلاعات بیشتر لطفاً با متخصصین ما، آقایان هنربخش و شاملو تماس بگیرید

آگهی از شما ، آگاهی رساندن به مردم از ما



رستوران خاتون

پاریس عروس شهرهای زیبای دنیاست
خاتون هم عروس رستورانهای پاریس است

رستوران خاتون مناسبترین مکان برای
برگزاری مراسم جشنها و مهمانیها

Restaurant khatoon

130, rue saint maur

75011-Paris

Tel: 01 55 28 59 32

09 50 60 44 66

ساعت کار همه روزه از ساعت ۱۲ ظهر تا ۳ بعد از ظهر و ۷ شب تا ۱۱ شب
(روزهای دوشنبه تعطیل هستیم)





آنان که در این قاب ماندگار شدند

آشنا کرد و باعث ایجاد انگیزه در آنان شد. فوتبال، کشتی، والیبال، دو و میدانی، بوکس و... رشته‌هایی بودند که استاد بهمنش در اندازه‌های یک مربی حرفه‌ای دانش و آگاهی داشت.

بهمنش راهگشای مسیری شد که نسل‌های بعد از او به خود ببالند که در ابتدای این خط بلند بالایی چون بهمنش ایستاده است.

ورزشکار سرشناسی در ایران وجود ندارد که صحنه‌هایی از فعالیت‌های ورزشیش توسط استاد زرافشان ضبط نشده باشد.

استاد اسماعیل زرافشان مردی است که تاریخ مصور ورزش ایران را در دوربین‌های خود ثبت کرده است. بیش از ۷۰ سال از دریچه لنزهای دوربینش مهمترین و تاریخ سازترین حوادث ورزش ایران را ضبط کرده است.

به قول ورزشی‌ها «عکاس مهربان» عنوان مردی است که سراسر وجودش از عشق و محبت و صفا مملو است.

چهره همیشه خندان، کلام گرم و محبت آمیز و محبتی که بی‌دریغ نثار همگان می‌کند از او چهره‌ای ماندگار و فراموش نشدنی در قاب زرین ماندگاری بجای نهاده است.

او علمدار آغازی شد که پایانی در بر نخواهد داشت و هر آنکس که دوربینی بر گردن و عنوان عکاس ورزشی دارد مدیون استاد زرافشان بزرگ است.

طوفان سیاه جهل و ویرانگر خمینی ملعون زندگی میلیون‌ها ایرانی را به ورطه نکبت و بدبختی انداخت و سال‌هایی را از ایرانیان به یغما برد که می‌توانست بخشی از طلایی‌ترین دوران تاریخ چند هزار ساله ایران زمین باشد.

ایران که با سرعتی باورنکردنی به جاده پیشرفت و ترقی رسیده بود و در زمینه‌های گوناگون ایرانیان استعداد و نبوغ و خلاقیت‌های خود را به رخ جهانیان می‌کشیدند بناگاه دیو سیاه دل‌عمامه بسر از جعبه مارگیران جهانی چون آفت به کشورمان زد تا عقب‌گردی به دوران بربریت هزار و چهارصد سال پیش داشته باشیم

ولی رژیم منفور خمینی با تمام تلاش‌ها و ترفندها نتوانست چهره‌ها و اسامی محبوب و ماندگار ملت ایران را از میدان بدر کند و حتی مقابل آنان زانو زد و شکست را پذیرا شد.

اینان چهره‌هایی هستند که در قاب زرین تاریخ کشورشان ماندگار شدند در ورزش دو چهره دوست داشتنی و محبوب در نزد ورزش دوستان جایگاهی ویژه دارند و هر چند این روزها در بستر بیماری به سر می‌برند ولی مهرشان در قلب همه ماندگار است.

عطاءالله بهمنش گزارشگر و مفسری که به جرأت در جهان نمونه بود، تنها چهره‌ای است که اکثر رشته‌های ورزشی را با تسلط کامل و آگاهی مثال زدنی و شناخت اصول تکنیکها و ریزه‌کاری‌های فنی می‌شناسد

لحن گرم و صدای جادویی او دهها سال چندین نسل را با ورزش

پروژه حذف پروین به دستور وزارت اطلاعات



دیالوگ اولیایی با آن مسئول با این جمله که «بالاخره ما متوجه نشدیم موضع شما چیست؟» وارد فاز دوستانه‌ای شد. با این حال روشن کننده زوایایی از مرموزترین اتفاق تاریخ فوتبال ایران است. خانه نشینی پروین حامیانی نیز داشت. آنهایی که توسط پروین به حاشیه رانده شده بودند و عقیده داشتند که حشاشان خورده شده است.

سکوت سنگین نشریات

نشریه ارزش، نشریه معروف سال‌های میانی دهه ۷۰ به مدیرمسئولی علی نظری از جمله نشریاتی بود که به این ماجرا ورود نکرد. در حالی که علی نظری رفاقت نزدیکی با علی پروین داشت. نشریه ارزش که به واسطه خط کشیدن روی چهره چند فوتبالیست (که به خاطر مسائل منکراتی دستگیر شده بودند) بدل به یک نشریه جنجالی شده بود، حتی یک خط هم در این باره نوشت.

علی نظری که زمانی نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی بود درباره اینکه چرا «ارزش» به این ماجرا ورود نکرد، می‌گوید: «مصلحت را در این دیدیم که چیزی ننویسیم.» او در پاسخ به این سوال که «آیا توصیه‌ای به شما برای عدم ورود به این ماجرا شده بود؟» نیز می‌گوید: «خیر، توصیه‌ای نشده بود.» با این حال نظری نیز اعتقاد دارد که محبوبیت پروین سبب شده بود که پروژه جدایی او از فوتبال به مدت ۵ سال کلید بخورد.

او می‌گوید: «شاید برای پروین برنامه‌هایی داشتند که سالها بعد منجر به حذف او از فوتبال برای مدتی شد اما من در نشریه ارزش به آن نپرداختم چون علی پروین رفیق من بود. او رفیق روزهای سختی و تلخ است.»

نه تنها ارزش که بسیاری از نشریات دیگر هم به «ماجرای» ورود نکردند. شاید آنها نیز از اتفاقی که افتاده در شوک بودند...

روزهایی که به خانه نشینی مرد شماره یک پرسپولیس منجر شد و او را برای مدتی طولانی از فوتبال ایران دور نگاه داشت. با این حال او متهم شد که روی نیمکت با انگشت اشاره‌اش، هواداران را به سر دادن شعارهایی خاص ترغیب می‌کند.

مدیر استقلال احضار می‌شود

پروین در زمان ریاست حسن غفوری‌فرد بر سازمان تربیت بدنی به یک قدرت بلامنازع در فوتبال ایران بدل شد. تارج و تخت سلطان البته از سوی برخی از منتقدان ورزشی او نیز مورد تهدید قرار گرفت. به طور مثال کاظم اولیایی، سرپرست وقت تیم استقلال، از اینکه این همه «اختیار» به پروین داده شده، معترض بود و این اعتراض را مدام به فدراسیون و نوآموز و سازمان غفوری‌فرد منتقل می‌کرد. او از آن روزها نقل می‌کند که چگونه پروین دست حسن غفوری‌فرد را می‌گرفت و با او دور افتخار می‌زد و این گونه جایگاه خود را بیشتر و بیشتر بسط می‌داد.

در روزهایی که پروین خانه نشین شد همین منتقد سرسخت اما به دفاع از او برخاست و در یک مصاحبه معروف از اینکه او را خانه نشین کرده‌اند لب به گلایه گشود. انجام این مصاحبه پای اولیایی را به برخی نهادها باز کرد. اولیایی می‌گوید: «یادم هست که آقای (ن) با من تماس گرفت و احضارم کرد. به آنجا رفتم و از من سوال شد که چرا این مصاحبه را انجام داده‌ام. برای آنها سوال بود که چرا منتقد سرسخت پروین این گونه به خانه‌نشینی‌اش اعتراض کرده است.»

اولیایی از لفظ پسر در گفتگو با آقای (ن) بهره برد. او به این مسئول توضیح داد که قدرت آن زمان پروین درست بوده و نه این خانه نشینی و راه ندادن او به استادبوم‌ها. او گفت: «پروین یک تعریف دارد. باید در قالب این تعریف با او رفتار شود.»

داشتند جای تردید باقی نمی‌ماند «سلطان» در خط دمی و کنترل سکوها نقشی بسزا دارد.

ناکامی در جام ملت‌های آسیا در هیروشیما ژاپن و بعد از مقدماتی جام جهانی آمریکا، دو سال پس از آن قهرمانی خاطره انگیز در پکن، زمینه کنار گذاشتن پروین را فراهم ساخت. پروین از فوتبال جدا شد و تا ۵ سال کسی او را حتی در نزدیکی استادبوم‌ها هم ندید.

توضیحاتی درباره یک «شعار»

رفت و آمد یک مربی شهریه به «اوین» اگر در مقطع فعلی رخ می‌داد قطعاً تبدیل به تیتراژ اصلی روزنامه‌های ورزشی می‌شد اما آن زمان این خبر به گوش سردبیران ورزشی رسید بدون اینکه شوقی برای انتشار آن برانگیزد. ناصر ابراهیمی یکی از نزدیکترین افراد به علی پروین است. کسی که هم مربی او بوده و هم دستیارش. ابراهیمی اما تمایلی به گفتگو درباره آن اتفاقات ندارد با این حال آشکارا واژه «اوین» را به زبان می‌آورد: «یادم هست هر چند وقت یک بار علی پروین برای پاسخگویی به برخی پرسش‌ها به اوین می‌رفت...»

دوران، دورانی بود که پروین هر روز بیش از قبل در ورزشگاهها قدرت می‌یافت. ابراهیمی در پاسخ به این پرسش که جریان کنار گذاشتن «سلطان» از فوتبال پس از ناکامی در راه یابی به جام جهانی ۱۹۹۴ به چه دلیلی بوده، به صراحت گفت: «محبوبیت رو به تزاید پروین...» او به طور مشخص به یکی از شعارهای هواداران پرسپولیس در ورزشگاه آزادی اشاره می‌کند، شعاری که نباید سرداده می‌شد: «آن زمان فکر می‌کردند که پروین به هواداران پول می‌دهد تا چنین شعاری بدهند. یکی، دو بار هم تذکر دادند اما باور کنید این شعار خودجوش بود.»

گفته می‌شود پروین در جریان ملاقات‌های خود به تفصیل درباره این شعار توضیح داده و حتی متعهد شده تا جلوی آن را بگیرد. ملاقات‌هایی که بعضاً در یکی از هتل‌های معروف واقع در مرکز پایتخت صورت می‌گرفت.

ناصر ابراهیمی می‌گوید: «بحث بر سر این بود که پروین فرمان می‌دهد اما هیچگاه به آنها نمی‌گفتم شعار خاصی بدهند. آن زمان «هو کردن» خیلی رایج بود. هواداران وقتی از کسی خوششان نمی‌آمد، او را هو می‌کردند.» علی پروین هیچگاه به تفصیل درباره آن روزها صحبت نکرده است.

• پروین چرا ۵ سال خانه نشین شد و سکوت کرد؟

• هفته‌ای یک بار علی پروین در هتلی در تهران مقابل بازجوی اطلاعاتی قرار می‌گرفت

• پروژه پرونده سازی‌های اخلاقی وزارت اطلاعات شامل حال خیلی‌ها از جمله، علی پروین، علی دایی و... شد.

• وزارت اطلاعات با شنود مکالمات چهره‌های سرشناس و با کشاندن آنان به محافل سوال برانگیز برای آنان پرونده اطلاعاتی می‌ساختند.

تحقیقاتی درباره مرموزترین اتفاق تاریخ فوتبال ایران

اعترافات سلطان

حذف علی پروین از فوتبال - اگر بتوان واژه حذف را برای آن به کار برد - یکی از مرموزترین اتفاقات تاریخ فوتبال ایران است. نه تنها بسیاری از رسانه‌ها در سالیان گذشته مصلحت را بر این دیده‌اند که به این مساله ورود نکنند بلکه در همان مقطع نیز مدیران مسئول نشریات وقت از انتشار خبر مربوط به آن سر باز زدند.

پروین یکی از محبوب‌ترین چهره‌های ورزشی تاریخ فوتبال ایران است که چه بسا همین محبوبیت نیز کار دست او داد. او پس از انقلاب اسلامی ذره ذره بر قدرت خود افزود تا جایی که به گفته یکی از مدیران فوتبال ایران در مقطعی «همه کار» نه فقط فوتبال که کل ورزش شد. شاد از همان روزها بود که پروژه کنار گذاشتن موفق «سلطان» رقم خورد.

نفوذ و قدرت او پس از قهرمانی در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن بیشتر و بیشتر شد. او مربی تیمی بود که بزرگترین افتخار فوتبالی پس از انقلاب اسلامی را کسب کرده بود. همه ورزشگاهها نام او را صدا می‌زدند و کسی فکر نمی‌کرد این امپراتوری روزی به سقوط بینجامد.

قهرمانی‌های متعدد با پرسپولیس نیز مزید بر علت شد تا نام پروین جاودانه شود. با این حال شعارهایی که در ورزشگاهها به حمایت از او سر داده می‌شد، بعضاً اغراق آمیز بود و آنقدر که برای بخشی از جامعه ورزش که از نزدیک هم دستی بر آتش



در فوتبال ایران همیشه اول از همه در تمرینات حاضر میشد و تا آخرین لحظه از تلاش و کوشش برای بهتر شدن کوتاهی نمیکرد

در آن سالها بازیکنانی چون محمود حقیقیان، کامل انجیلی، حمید مجد تیموری، ناصر میرزائی، محمد زادمهر که همگی ملی پوش بودند در کنار جوانانی همچون رضا محتشم، بهروز عیدی، حمید استیلی، بابک سیم بری در پیام حضور داشتند که نتایج چشمگیری هم به دست آمد، ولی هیچ گاه خصوصیت اخلاقی و رعایت اصول حرفه ای ناصر میرزائی در فوتبال را فراموش نمیکنم.

او از جمله کسانی بود که همیشه در قلبم محبتی خاص به او داشتم و امروز خبر مرگش بسیار متأثرم کرد که گویی برادری عزیز را از دست داده ام، یاد و خاطره اش در ذهن فوتبالیان دوستان هرگز فراموش نمی شود.

محمود سرابی

بیاد ناصر که بسیار دوستش میداشتم

سال ۱۳۶۴ مربی باشگاه پیام بودم، پیام باشگاهی بود که همه گاه در لبه سقوط به دسته پائین تر قرار داشت

ولی آن سال یک خانه تکانی اساسی در پیام کردم و گروهی از بازیکنان صاحب نام و ملی پوش را به همراه تعدادی جوان با آتیه و مستعد گردهم آوردم



جالب اینکه تعدادی از شاگردم از لحاظ سنی از خودم بزرگتر بودند ولی همه گاه اصول مربی و شاگردی در تیم پیام رعایت میشد

ناصر میرزائی یکی از همان بازیکنان بود که با سابقه بازی های ملی و چهره شناخته شده

تأثیرات مثبت غیبت پدر منفی



هر چند نمی توان از زحمات و تلاشهای پدر ارغوان به سادگی گذشت، ولی در مرحله قهرمانی دیگر نقش یک آدم غیرحرفه ای کارساز خواهد بود، بلکه باعث سد پیشرفت هم می شود. کما اینکه درمورد ارغوان شد.

چرا که فریدون زندگی، اشکان دژاگه و بسیاری دیگر قربانی ندانم کاری های والدین خود شدند

کمتر از سه، چهار ماهی است که ارسلان رضایی پدر ارغوان رضایی تنیسور سرشناس ایرانی - فرانسوی از کنار او رفته است و دیگر در کارهای ورزشی و خصوصی او دخالت نمی کند

همین مدت کوتاه و آزادی عمل بیشتر ارغوان باعث شده است که او دوباره به اوج برگردد و موفقیت های درخشانی را به دست آورد که خبر آن را می خوانید.

تیم پارس آماده حضور در لیگ معتبر لندن می شود

تیم فوتبال پارس قدیمی ترین و سرشناس ترین تیم فوتبال ایرانیان در خارج از کشور خود را آماده حضور در لیگ معتبر لندن می کند.

تیم پارس که همه گاه چهره های صاحب نامی از فوتبال ایران را به همراه داشته است، بر مبنای نظم و انضباط و اصول صحیح فوتبال اداره می شود و پذیرش بازیکنانی است که خواهان حضور در تیم و تمرینات جدی هستند. تیم فوتبال پارس هر یکشنبه در منطقه گلدرزگرین به تمرینات خود ادامه می دهد و علاقمندان می توانند در تمرینات و مسابقات شرکت کنند.

تیم فوتبال پارس لندن عضو می پذیرد

به اطلاع کسانی که سابقه بازی فوتبال در رده های باشگاهی، جوانان یا نوجوانان را داشته اند

میرساند چنانچه مایل باشند میتوانند در تیم پارس لندن شرکت نمایند.

این تیم زیر نظر محمود سرابی اداره میگردد.

علاقمندان میتوانند با تلفن ۰۲۰۸۲۰۸۰۰۱۰ تماس حاصل نمایند

فوتبال علمی و حرفه‌ای و مشتی علاف بوقچی در خارج از کشور



باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟ در کشورهایی که حساب و کتابی در کار است چنین افرادی به ۲ گروه تقسیم می‌شوند:

۱- چهره‌های شناخته شده و صاحب نام و مورد علاقه و احترام مردم
۲- افرادی که دوره‌های مختلف روزنامه‌نگاری و فنی ورزشی را در دانشگاهها، آکادمی‌ها یا کلاسهای آموزشی طی کرده‌اند و اصول فنی و حرفه‌ای را کاملاً می‌دانند و با آن آشنا هستند

این مجموعه باعث می‌گردد در برپاشنه اصول بچرخد و هرکس در جایگاه خود قرار بگیرد.

ولی آنچه مورد بحث من است به آشفته بازاری بر می‌گردد که شوربختانه مربوط به ماست یعنی ایرانیان که هرج و مرج و بی در و پیکری از داخل ایران شروع می‌شود. نمونه‌های آن هر لات و چاقوکشی به اسم سردار می‌شود رئیس ورزش، مدیران کل ورزش، مدیران باشگاهها و... و سرایت آن به خارج از کشور هم می‌رسد و هر آدم بی‌شناسنامه و علاف و وقیح و بی‌کارنامه‌ای عنوان کارشناس، مفسر، مجری، گزارشگر، روزنامه‌نگار بر خود می‌نهد و در رسانه‌های تصویری، نوشتاری و اینترنتی به خود اجازه می‌دهد هر غلطی که دلش می‌خواهد بکند و کار را تا حد تهوع آوری پیش می‌برند

عجیب اینکه شباهتی مثال زدنی بین این گروه در خارج و آن دسته چماق دار حزب الهی دیده می‌شود و هر دو از یک آخور تغذیه می‌کنند.

این بحث ادامه خواهد داشت.



فوتبال صنعت پرطرفداری در جهان امروز است

در کشورهایی که صاحب اقتصاد پویا و برنامه‌ریزی شده هستند فوتبال دارای ارکانی اقتصادی - ملی و اجتماعی محسوب می‌شود و در میان مردم هر کشوری فوتبال نمایانگر هیجانات و احساسات و تعصبات باشگاهی و ملی است که در پی کسب پیروزی‌ها غرور و افتخار بر چهره مردم آن کشور می‌نشانند و سایه شکست باعث سرافکندگی و سرخوردگی و گهگاه طغیان و عصیان مردم می‌گردد.

فوتبال از دیدگاه حرفه‌ای و فنی جایگاهی تعریف شده و مشخص دارد و نقش مدیریت آگاه و متخصص در یک چارت مدیریتی تعریف شده است که شامل هیأت مدیره و در بخشهای مختلفی اداره می‌گردد

سرمایه شخصی و خصوصی حرف اول را می‌زند و اداره کنندگان هر باشگاهی مسئول سود و زیان سرمایه‌های خود هستند

در بخش دیگر که به گروه اجرایی و فنی می‌رسد کادر مربیان که شامل کلیه رده سنی هر باشگاهی می‌شود، زیر نظر سرمربی باشگاه اداره می‌گردد.

سرمربی هر باشگاهی حق انتخاب دستیاران، بازیکنان و کمیته پزشکی را به عهده دارد. سرمربی که مغز متفکر فنی محسوب می‌شود باید دارای سوابق روشن و درخشانی در زمینه مربیگری و بعضاً بازیگری باشد.

آنچه امروز آن را علم فوتبال می‌خوانند و فوتبال جهان از نظر فنی براساس آن اداره می‌شود اینست که در کنار استعداد، نبوغ و تجربه، مربیان نیازمند گذراندن دوره‌های و کلاسهای آموزشی در سطوح مختلف از مرحله داخلی، قاره‌ای و جهانی هستند

حتی در بالاترین استانداردهای جهانی نیز مربیان کماکان موظفند در کلاسهای توجیهی و تبادل نظر فنی شرکت کنند و خود را با تازه‌ترین دستاوردهای علمی و فنی روز فوتبال هماهنگ سازند

مراحلی مانند:

- تکنیک

- تاکتیک

- بدنسازی

شناخت و آماده سازی روحی و روانی بازیکنان همه گاه در دستور کار مربیان است بخش مهم دیگری مربوط به افکار عمومی مردم و نقش مهم و تاثیرگذار رسانه‌ها است که کارشناسان و صاحب نظران ورزشی با نقد، بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های خود عملکرد تیمها و مربیان را ارزیابی می‌کنند.

نکته بسیار مهم و مورد توجه در مورد این گروه صاحب نظر این است که خود اینان

مرکز آموزش و پژوهش موسیقی مهرگان

آموزش: ویلون، سنتور، تار، سه تار، تنبک، پیانو، گیتار و آواز

با بهره گیری از کادر مجرب مدرسین و اساتید موسیقی در سازهای کلاسیک ایرانی و غربی

Tel: 020 80 90 22 66
079 66 19 57 16

آگهی از شما ، آگاهی رساندن به مردم از ما

دفتر مشاوره حقوقی لطف زمانی

کارهای حقوقی خود را با اطمینان خاطر می توانید به ما بسپارید:

امروزه تمامی کارهای تجاری و بازرگانی بستگی به رعایت قوانین و مقررات
و استفاده به موقع و بهینه از آنها دارد

- ۱ - ثبت شرکتها و موسسات تجاری طبق قوانین و مقررات کشور انگلستان
- ۲ - پذیرش نمایندگی برای شرکتها و موسسات تجاری از هر نقطه جهان
- ۳ - اخذ ویزای تحصیلی (داری مجوز رسمی از معتبرترین دانشگاهها و کالجهای کشور انگلستان)
- ۴ - تنظیم قرارداد های تجاری
- ۵ - رفع مشکلات اعتباری
- ۶ - تهیه و ارسال ارقام مورد نیاز شرکتها و موسسات تجاری طبق مقررات کشور انگلستان
- ۷ - دریافت ویزای سرمایه گذاری و تجاری

لطیف زمانی با دارا بودن مدارک و سابقه درخشان می تواند بهترین مشاور و همراه
در کارها بزرگ تجاری و حقوقی شما می باشد

www.latifzamani.com

Tel: 0845 2000 7590 - 020 8369 6000

POBox 6148 London NW10 3UT

Mobile: 07958 211911

info@latifzamani.com

روابط ایرانیان را چگونه می‌بینید ؟



رایج‌ترین جمله ایرانیان در خارج از کشور انتقاد به روابط فعلی در میان این جامعه فراری است در همین رابطه گزارشی تهیه شده است و چهره‌هایی از زوایای مختلف به اظهار نظر پرداخته‌اند که با هم می‌خوانیم و امیدواریم شما نیز در این گفتگوهای شرکت کنید و دیدگاه خود را برای ما ارسال نمایید

حسین پویا

این سوال که رابطه ایرانی‌های خارج از کشور را با یکدیگر چگونه می‌بینم، به گمان من سوالی است جالب که پاسخ دادنش نیاز به بحث طولانی دارد و در عین حال برای پاسخ دادن به آن نیاز به گفتن و توضیح یک مقدمه هست. مقدمه ای که شاید خود می‌تواند بخشی از پاسخ به سوال هم باشد.



ایرانی‌های مقیم خارج از ایران را باید دسته‌بندی کرد زیرا که همگی دارای رفتاری یکسان با هموطنانشان نیستند. این دسته‌بندی ناظر بر عقاید و رفتار سیاسی و زمان خروج آنها از ایران و



و نمایش است و همیشه مدعی است چیزهایی است که اصلاً نیست، حتماً این افراد بی‌ریشه و به هویت هستند. انسانهای صادق نه دروغ می‌گویند و نه زیر بار زور می‌روند این انسانهای شریف هستند، ملتی که ۳۲ سال به هر ذلتی تان می‌دهد و هر آنچه را رژیم آخوندی بر سرش می‌آورد می‌پذیرد این نشان دهنده آن است که این بخش بزرگ جامعه از همان جنس حکومتی هستند، در یک جمله بگویم، اکثریت ملت ایران در داخل و خارج از کشور یک چهره ندارد و مانند حکومت چند چهره هستند و بدتر از همه از مسئولیت فرار می‌کنند و گناها را به گردن دیگران می‌اندازند.



ایرج ربیعی

دلیل، ایرانیان خیلی مادی‌گرا شده‌اند و چهره روابط عمومی ایرانیان بسیار تیره و تار است و حیرت‌آور از بفاصله ۳۰ سال ملتی چنین به سقوط اخلاقی دچار شود در جامعه آلمان دو برآلانیها تغییر کرده‌اند با هیتلر و بد از هیتلر ولی آنان هر دو بار در برابر یک دستاورد قرار گرفتند هیتلر به آنان نژاد برتر را هدیه داد و بعد از جنگ هم آلمانها در برابر جهان قد علم کردند و با کار و تلاش حضور قدرتمند خود را به رخ جهانیان کشیدند ولی متأسفانه ایرانیان طی ۳۰ سال چیزی که بدست نیاوردند هیچ‌هر آنچه را هم که داشتند از دست داده‌اند

و روابطی بیمارگونه و مملو از عقده‌ها و کمبودهای روانی در چنین جامعه‌ای بیداد می‌کند که بهترین نمونه آن را می‌توان در روابط بسیار بد ایرانیان در اروپا دید که چگونه ایرانیان در ادارات دولتی یکدیگر را لو می‌دهند و باعث دردسر یکدیگر میشوند و ایرانیان در میان سایر ملل کوچ کرده مقام اول را در لیدن یکدیگر کسب کرده‌اند و فقط باید گفت باید به حال ملتی تأسف خورد که در ۳۰ سال چنین سقوط اخلاقی کنند و هر لحظه هم شعار اخلاقی بدهد این شاهکار و دستاورد شخصی به نام خمینی است که ملتی را اینگونه دچار سقوط کرد.

حسین خونساری

من فکر می‌کنم ایرانیان اکثراً مشکلی با هم ندارند چون نوبتی همه به هم دروغ می‌گویند و بدتر اینکه به خودشان هم دروغ می‌گویند وقتی ملتی از آنچه بوده و هست فرار می‌کند و همیشه گرفتار تظاهر

شینی یا حرف از سیاست هست یا مذهب ، واسه همین روابطشون رو با ایرانی ها کم می کنن . و عمده ترین و شایع ترین دلیل وقتی از ایرانیان پرسیده می شه چرا ؟ می گن که ایرانی ها فضول هستند ، می خوان از کارمون سر در بیان ، اومدیم اینجا راحت باشیم . و فکر می کنم این جواب رو ایرانیان همه جا می دن .



لادن

مدت زیادی نیست که به این کشور آمده ام ولی خوشبختانه با کسانی که برخورد کرده ام جمعاً خوب بوده اند و همین که سرم را کلاه نگذاشته اند و حمایت هم کرده اند جای خوشحالی است. البته بعضی از هموطنان عزیز کمی بی جنبه هستند و در برخورد با دیگران برداشتهای غلط می کنند و شاید هم فکر می کنند خیلی زرنگ هستند و بقیه را به اصطلاح رنگ می کنند ولی متوجه نیستند که دیگران هم متوجه می شوند. در کل فکر می کنم در ایران هرکس شانس بیشتری دارد که در انتخاب دوستانش بتواند هر کس را که به خودش نزدیکتر است انتخاب کند ولی در خارج بسیاری از روابط و معاشرت ها محدود و اجباری است.



فرید سهیلی فر

علت اینکه مشکلات ایرانیان در خارج از کشور بیش از دیگر ملیتها به چشم می آید ریشه اش در خارج نیست بلکه در داخل است. متأسفانه ما هیچ آگاهی از درون مایه افرادی که در خارج با آنها آشنا شدیم نداریم و پایه ارتباطاتمان بر اساس این آشنایی و شناخت کوتاه مدت است ایرانیان با ارتباط بیش از حد و دخالت در زندگی یکدیگر باعث ایجاد توقعات و عدم رعایت حریم خصوصی همدیگر میگردند



امیر برادران

متأسفانه روابط ایرانیان در خارج از کشور مبتنی بر منافع کشورشان نبوده و بیشتر منافع شخصی مد نظر بوده و در این رابطه رژیم جمهوری اسلامی هم نهایت استفاده را در طول این سالها از این مسئله برده و اتحادی بین ایرانیها وجود ندارد و تا حدود زیادی هم علت ترک ایران هم مسائل شخصی بوده تا منافع ملی! در کشوری که من زندگی میکنم در طول این سالها نفوذ جمهوری اسلامی خیلی هم زیاد بوده و این مسئله تا آنجا پیش رفته که اکثر رستوران ها و یا سوپر مارکت متعلق به آنهاست و این می تواند در رابطه ایرانیها تاثیر گذار باشد! البته بخش دیگری از این مربوط می شود به مسائل فرهنگی جامعه ما که فرهنگ اجتماعی زندگی کردن را تا حدودی نداریم.



دردانه

ایرانیان خارج از کشور حداقل مالزی که من هستم ، به طور کلی علاقه ای ندارن با هم رابطه داشته باشن ، ولی به پارادوکس خنده دار وجود داره، نمی خوان رابطه داشته باشن ولی وقتی می رن جایی به دنبال ایرانی می گردن و وقتی پیداش کردن می خوان ازش فرار کنن ، فقط می خوان خودشون رو به هم نشون بدن ، پسرها و دخترها نمی خوان رابطه داشته باشن ولی وقتی پای حرفشون می شینی باز می گن ارتباط با ایرانی خوبه . بعضی ها فراری ان چون مار گزیده هستن و واقعا هموطنان در حقشون بدی کردن . در کل کسی به کسی لطف نمی کنه ، پیدا می شه ولی خیلی خیلی کم ، انگار اینجا محل رقابت هستش . بعضی ها دیدگاههای مذهبی شون عوض شده و نمی تونن با افرادی که هنوز درگیر مذهب هستن بشینن، چون با ایرانی که می

دلایل سیاسی و مذهبی فاصله ها بیشتر شود و به دلیل وابستگی های حزبی و گروهی و مذهبی هرکس سعی کرد فقط دیگران را نقد کند و خودش را فراموش کرده است و تا زمانی که یاد نگیریم از خودمان شروع کنیم روابط ایرانیان بدتر از این هم خواهد شد.



اسماعیل مقربی

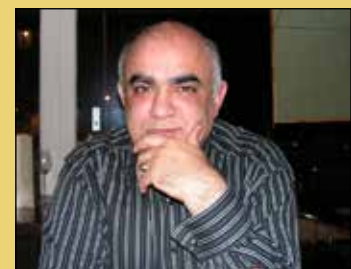
بنظر من مشکل اساسی ایرانیان حسادت و چشم و هم چشمی است و بخش زیادی از ایرانیان فقط تلاش دارند خود را بر خلاف آنچه هستند معرفی کنند و مشکل دیگر هویت جامعه ایرانیان است که دیگر فقط ادای ایرانی بودن باقی مانده است .



لیلی مطلق

به نظر من در هر جا و مکانی از کوچکترین اجتماع تا بزرگترین که کشور عزیزمان ایران باشد نظم و هماهنگی مهمترین مساله محسوب میشود به دلیل اشغال ایران توسط جمهوری اسلامی تعداد زیادی از هموطنانمان آواره کشورهای دیگرند ولی با این فرق که اگر در کشور خودمان بودیم جای کارگر، دکتر و هر کسی با در نظر گرفتن تحصیلات و تجربه مشخص بود البته ما این مشکل را در داخل ایران هم داریم به نظر من دلیل مشکلات بزرگی که ایرانیان خارج از کشور با هم دارند نبودن هرکس در جایگاه مناسب خودش است. فکر کنید مثلاً در یک اجتماع کوچک مثل خانه اگر اشغالهارو تو یخچال و بهترین جواهرات تان را توی سطل زباله بگذارید چه اتفاقی خواهد افتاد؟ نا بسامانی در ایران فعلی و بین ایرانیان خارج از کشور به نظر من به همین اندازه است پس ناخودآگاه کلی اختلاف تفرقه خیانت و مشکلات دیگر را به بر میاورد. به امید روزی که هر کسی در جایگاه خودش قرار گیرد.

تعداد سالهای اقامتشان در خارج از ایران است. کسانی که به اجبار و یا به اختیار در دوران انقلاب ضد سلطنتی از ایران خارج شدند به لحاظ طبقه اجتماعی و میزان متوسط تحصیلات و حتی عقاید سیاسی کاملاً متفاوتند با ایرانی هایی که از سال سوم انقلاب به بعد و در دوران جنگ ایران و عراق از ایران خارج شدند. به همین ترتیب در دوران های متفاوت این سی و چند ساله حکومت جمهوری اسلامی، ایرانیانی به اجبار یا اختیار خارج شده اند که دارای عقاید متفاوتی با دیگران هستند. قابل توجه است که برخی از ایرانیهای خارج شده از ایران علیرغم اعتقادشان به اسلام و موافقت نسبی شان با رژیم آخوندی، ترجیح میدهند که در کشورهای غربی زندگی کنند و از مواهب "غرب دموکرات" استفاده کنند در حالی که خودشان اعتقادی به این دموکراسی و آزادی غربی ندارند. اما اگر از دسته بندی سیاسی بین ایرانیان بگذریم، اغلب ایرانیان خارج کشور در این سالها تحت تاثیر تبلیغات و فشارهای رژیم آخوندی و فشارهای زندگی دور از ایران و دور از فامیل، علاوه بر اینکه به نوعی دچار بی تفاوتی نسبت به سرنوشت کشورشان شده اند، تا حدود زیادی هم منافع خودشان را بر دیگران ترجیح داده و نوع رابطه شان با دیگر هموطنانشان بر اساس منافع خودشان تعیین و تنظیم می شود. بنابر این اگر از گروهها و احزاب سیاسی و هوادارانشان بگذریم (که برای این دسته از ایرانیها تقسیم بندی به عنوان خودی و غیر خودی وجود دارد و طبعاً رفتار با خودیها کاملاً متفاوت با رفتار با غیر خودیهاست) در مورد بقیه ایرانیان خارج از کشور به دلیل اینکه پایه روابطشان با دیگر هموطنان به میزان زیادی منافع فردی و خانوادگی است، متأسفانه رابطه خوب و مناسبی نیست



همایون هنربخش

روابط ایرانیان بسیار بد است چون فرهنگ همکاری و دوستی را بلد نیستیم و کسی هم به ما یاد نداده است که این بر می گردد به فرهنگ و نتیجتاً مذهب زیرا ریشه بسیاری از فرهنگها در مذاهب وجود دارد و این ۳۲ سال گذشته هم باعث شد به

هادی فرسندی در رنگارنگ



چاه را ناکنده بر سر میزدیم
ما که مسروقه مناری داشتیم

وارث صدجور بیماری شدیم
گرچه دکتر بختیاری داشتیم

او برای ما الفبا مینوشت
ما نظر بر نقش ماری داشتیم

او ز لائیسیتهاش میگفت و ما
با امام خود قراری داشتیم!

عاقلی حرفی زد و در معنیش
حیرت دیوانه واری داشتیم

هادیا از خاطرات تلخ خویش
کاش امکان فراری داشتیم

غزلی در رابطه با تحریم

یار اگر بر صحنه میکوشد پی تحریم ما
در پس پرده نماید بوسه ها تقدیم ما

صبحدم بلبل فغان میکرد از تحریم گل
شب صلا در داد که بستان شده تسلیم ما

بر در میخانه ساقی گفت با پیرمغان
کز دو دوزه بازی اینهاست کلا بیم ما

گفتمش داری خبر از فرش قرمز؟ پیر گفت
قالی ما رفت و اکنون میرود جاجیم ما

ملتی یکپارچه، یکرنگ، می بایست بود
سبز و زرد و سرخ و آبی کی کند تقسیم ما؟

پر شده بشقاب ما هر شب ز پارازیت او
با «تله‌استار» هم کاری نشد تنظیم ما

سوت داور در چمن برخاست و فوروارد گفت:
از چه در آفساید دولت گل زده بر تیم ما

کس نخارد پشت تو جز ناخن انگشت تو
شاعری با مصرعی خوش میدهد تعلیم ما

گفت آن راننده‌ی خبره: نمیدانم چرا
بوکسوواد افتد گهی در طایر تصمیم ما

سال تازه سال پیروزی حق بر باطل است
نور بیرون میزند از صفحه‌ی تقویم ما

هادیا برنامه‌ی خود را کمی پرنور کن
گر ترا هم برق کافی میرسد از سیم ما

بس که ما بر پشت هم مهر خربت می زنیم
هر که از ره میرسد، خواهد سوار ما شود

گر نشیند «مرغ آزادی» به بام ما، یقین
بر سر دستور پختش بین ما دعوا شود!

ترسم از اینکه دموکراسی اگر شد نوبتی
نوبت ما، عصر روز آخر دنیا شود!

یاد شاپور بختیار و

انقلاب مشروطه گرامی باد!

آنکه «لائیسیتها» را فریاد زد و جدائی دین و دولت
را خواستار شد. آنکه به شاه اعتراض کرد که نباید
تقویم ایرانی را تغییر میدادی. آنکه به آیت‌الله
خمینی گفت که برایت در قم واتیکان درست
میکنیم. آنکه فکرش به این چیزها میرسید و
حرفش را میزد، «نوکر بی اختیار» لقب گرفت.
آنهم از سوی کسانی که خود نوکران بی اختیار و
بلکن بی خبر «ایدئولوژی» و مذهب بودند.
روزی که سر بریدندش (پانزدهم مرداد) فردای
مشروطیت بود!
یاد کشته شدگان انقلاب مشروطه و یاد شاپور
بختیار را گرامی میدادیم.

روزگاری روزگاری داشتیم
بهر خود شهر و دیاری داشتیم

در خیابان راه میرفتیم ما!
ترس کی از پاسداری داشتیم

هیچکس کاری به کار ما نداشت
دست اگر در دست یاری داشتیم

غم به دلها بود اما در عوض
همرهان غمگساری داشتیم

کنج دلها مان به باغ آرزو
بهر آزادی بهاری داشتیم

حرف قانون اساسی میزدیم
هم شعوری هم شعاری داشتیم

نهضت مشروطه مان گر مرده بود
لااقل بهرش مزاری داشتیم

در پی احیای آنچه رفته بود
وه چه عزم استواری داشتیم

حیف شد که عاقبت برعکس شد
هرچه بهرش انتظاری داشتیم

گواتمالا

این سروده من جدید نیست اما تازه هست! اسمش
را گذاشتم «گواتمالا». قبلا چیز دیگر بود.

ترسم از این که اگر در آسیا بلوا شود
میهن ما بخشی از تنب و ابوموسی شود

میزند خیمه بر ایران عاقبت شیخ دویی
آل و اوضاعش اگر در کاخ مرمر جا شود

میتوان با پول نقد امروز ایران را خرید
مملکت وقتی که بی پول است خود کالا شود

ژاپن دوم نشد ایران، ولیکن غم مخور
بخت اگر یاری کند، شاید گواتمالا شود

هر کسی از ظن خود شد یار این محنتکده
ای خوش آن یاری که اسرار درون جويا شود

ما ز شیخ و شاه خیلی مشت ها وا کرده ایم
همتی یاران که ترسم مشت ما هم وا شود

فحش ها دادیم و جوک ها ساختیم از کارشان
تا که شاید خاطر آزاده مان ارضا شود

با جوک «گره زده» هر شب بسی خندیده ایم
تا سگ هار حکومت هر شبش فردا شود

رفع تکلیفی که ما اینگونه از خود کرده ایم
وای اگر سرمشق ملت های آفریقا شود!

شاه تو بودی و من، ملا منم، ملا تویی
پس چه خواهی کشورت بی شاه و بی ملا شود

تشنه ی خون ات منم، تو تشنه ی خون منی
این وسط بدنامیش سهم دراکولا شود!



جای خالی زن در ترانه سرایی ایران

سلطان خانم اولین ترانه سرای زنی ست که تاریخ از او نام می برد. او در دربار ناصرالدین شاه همراه با سه تار خود ترانه هایش را اجرا می کرده است. تا آنکه صدا و ساز زدن او ممنوع اعلام می شود و او به دلیل سرپیچی از حکم ممنوعیتش در دربار مورد شکنجه و آزار قرار می گیرد.

((ترانه به شعر و آهنگی که برای هم ساخته شده باشند و خواننده ای شعر آن را تحت قواعد موسیقایی اجرا کرده باشد، اطلاق می گردد.))

بعد از سلطان خانم، منیر طه نیز از اولین زنانی ست که به ترانه سرایی پرداخته و کارهایش توسط خوانندگان دیگر اجرا شده اند. از او به عنوان پوینده راه مصدق نیز یاد می شود.

بزرگ احمد آباد، خیالت آسوده باد به سال و ماه و روزت، نرفته هیچی از یاد (منیر طه: از قطعه مصدق عزیزم، تولدت مبارک)

تا اواخر دوران قاجار موسیقی ایرانی در همان سبک ردیفی و سنتی خود با محور مردسالاری باقی می ماند. تنها در دوران مشروطه به دلیل نیاز ارتش مدرن میرزا تقی خان فراهانی (امیر کبیر)، علاوه بر سازهای کوبه ای، سازهای بادی، هارمونی و نت و سازهایی نظیر پیانو و ویلون نیز وارد کشور می شوند.

در دهه بیست در دوران محمد رضا پهلوی شاهد تاسیس و قدرت گرفتن رادیو هستیم. رسانه ای که علی رغم مخالفت روحانیون، به موسیقی اهمیت می دهد. در دهه بعد نیز موسیقی در سینما جایگاه ویژه ای پیدا می کند و حضور زنان در هر دو عرصه چشمگیر می شود، آواز خوانان و رقصنده های زن به میدان می آیند. اما در این بین نیز حضور زنان ترانه سرا به شمارش انگشت های دو دست نیز نمی رسد.

لعلت والا، نیره سعیدی، سیمین بهبهانی، شهبان حنانه، لیلی کسری، هما میرافشار، مینا اسدی و آذر صرافپور از جمله ترانه سرایان نامدار و پرکار این دوره بشمار می آیند.

با تولد ترانه ی نوین، ترانه ای که از زبان انسان معاصر سخن می گفت، اتفاق تازه ای در تاریخ ترانه ایران رخ داد. پس از سه ده نام پیشرو و آغازگر ترانه نوین ایرج جنتی عطایی، شهیار قنبری، اردلان سرفراز، نام یک زن نیز به چشم می خورد:

زویا زاکاریان.

دهه طلایی ترانه - دهه پنجاه - به سرعت می گذرد و با انقلاب پنجاه و هفت موسیقی ممنوع اعلام می شود و حضور زنان نیز مطلقاً ممنوع می گردد.

هیچگاه در ترانه سرایی ایران زنانه گی وجهی جدی، رایج و شاخص به خود نگرفت و حتی با حضور صف چشم گیری از زنان ترانه سرا، فرهنگ پیرمردسالار اسلامی همچنان سدی است در برابر ورود حس، آرمان، نیاز و جهان سرکوب شده ی "زن" به ساحت مردانه ی ترانه ی ایران.

جز چند ترانه که آنهم اکثراً آفرینش مردان است - برای نمونه: "ماه پیشونی" و "مرد من" از ایرج جنتی عطایی - جای حضور جدی "زن" در ترانه ی ایران همچنان خالی ست!

ایران دارای پیشینه ای غنی در این سبک شعر است. در سده های گذشته می توان به شاعرانی رجوع کرد که اشعارشان همراه با موسیقی اجرا می شده و برخی از شاعران خود نوازنده و خواننده نیز بوده اند. کسانی چون مولوی، حافظ، سعدی، فردوسی و خیام

به رغم شواهد بسیاری که در کتاب های تاریخی از این همراهی شعر و موسیقی به جا مانده، متأسفانه به علت گسست تاریخی در دوره صفوی (قرن هفدهم) بین موسیقی قدیم که نت نویسی خاص خود را داشته با موسیقی دان های جدید، آهنگ و نغمه ای از آن دوران به جا نمانده. مگر قطعات پراکنده که در ردیف دستگاهی موسیقی ایرانی است. از آنجایی که دین اغلب ایرانیان اسلام است و با توجه به اینکه در چند صد سال گذشته حکومت ها بر پایه ی دین بنا شده اند، اجرای سخت گیرانه احکام دینی در اولویت بوده است. نواختن و گوش کردن موسیقی طبق بسیاری از روایات اسلامی "حرام" است و این هنر بر خلاف شعر همیشه در حاشیه و خفا بوده است.

شاید یکی از دلایل ممنوع نبودن شعر در ایران وصل شدن و یا کنار آمدن با شیوه مذهبی حاکم بر جامعه بوده است تا بتواند از این طریق از محدودیت های مذهبی عبور کند و مانند دیگر آفرینش های هنری چون مجسمه سازی، نقاشی، رقص و ترانه در لیست ممنوعه ها قرار نگیرد.

اما آنچه در این بین جلب توجه می کند، عدم حضور زنان در این عرصه است. این ممنوعیت ها در مورد زنان مانند بسیاری دیگر از محدودیت ها که با قاطعیت بیشتری از جانب دین و حکومت های دینی گریبان جامعه را گرفته است، اعمال و همین امر باعث می شود زنان در عرصه ترانه و شعر نسبت به مردان کمتر مجال ظهور پیدا کنند.

سلطان خانم اولین ترانه سرای زنی ست که تاریخ از او نام می برد. او در دربار ناصرالدین شاه همراه با سه تار خود ترانه هایش را اجرا می کرده است. تا آنکه صدا و ساز زدن او ممنوع اعلام می شود و او به دلیل سرپیچی از حکم ممنوعیتش در دربار مورد شکنجه و آزار قرار می گیرد. از او تنها یک ترانه به جا مانده است:

بنا بنا بنا مجنون و مفتونم

من از غم تو من از غم تو

دیده چو جیحونم

من از غم تو من از غم تو

را در شکل‌های دلخواه بسازیم. ما این مواد را روی بسترهای انعطاف‌پذیر برای جذب انرژی ایجاد کردیم. این اولین باری است که ساختارهای این چنینی به صورت مستقیم با استفاده از فرآیندی منطبق با CMOS با چنین قدرت تفکیکی ایجاد می‌شوند.

ما نه تنها مواد فروالکتریک را به طور مستقیم روی بستی با دمای پایین ایجاد کردیم، بلکه الگوهای در مقیاس بسیار کوچک با این مواد به وجود آوردیم.

این کره‌ها که قابلیت به کارگیری در حافظه‌های فروالکتریک را دارند با دانسیته‌ای بالغ بر ۲۰۰ گیگابایت در اینج تولید شدند که در نوع خود یک رکورد به حساب می‌آید.



مواد فروالکتریک جذابیت زیادی دارند، زیرا پاسخ‌های پیروالکتریک تولید شده با بار در آن‌ها چندین برابر بیشتر از مواد دیگر نظیر نیتريد آلومینیوم یا اکسید روی است. از آنجایی که پلاریزاسیون این مواد به سرعت و آسانی تغییر می‌کند، پتانسیل بالایی در به کارگیری به عنوان عناصر حافظه دسترس تصادفی دارند؛ البته تولید این مواد دشوار است، زیرا دمایی بیش از ۶۰۰ درجه سانتیگراد برای متبلور شدن آنها لازم است. اچ شیمیایی می‌تواند اندازه دانه‌هایی در ابعاد نانومقیاس ایجاد کند، اما اچ فیزیکی موجب آسیب‌هایی می‌شود که روی خواص این مواد، تاثیر منفی می‌گذارد.

در روش‌های فعلی باید ساختارهای فروالکتریک را روی بستر تک بلور، در دمای بالا رشد داد و سپس آن را بر روی بستی انعطاف‌پذیر منتقل کرد.

اما با این روش جدید، مستقیماً این ساختارها روی بستر انعطاف‌پذیر ایجاد می‌شود. با استفاده از روش نانولیتوگرافی ترموشیمیایی (TCNL) نوک میکروسکوپ AFM روی بستر حرکت می‌کند که این حرکت تحت کنترل کامپیوتر است؛ نوک AFM الگوهای از مواد بلوری روی بستر ایجاد می‌کند.

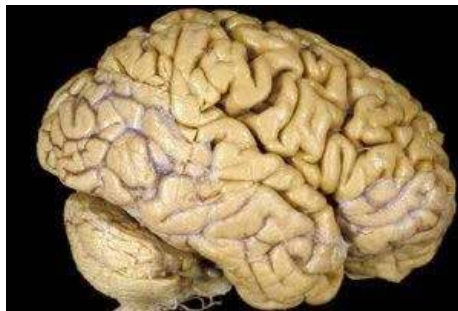
نتایج این تحقیق که توسط بنیاد ملی علم و دپارتمان انرژی آمریکا حمایت شده در نشریه «Advanced Materials» به چاپ رسیده است.

در این پروژه محققانی از دانشگاه ایلینویز و دانشگاه نبرسکا لینکون شرکت داشتند.



دریافت می‌شود. حساس ترین این مدار نقطه به نگمت شکمی است که در رابطه با فردی که عاشق شده، قابلیت بازسازی تصویر معشوق را میسر می‌کند. سلولهای این منطقه دوپامین ساخته و به نقاط مختلف مغز مخابره می‌کنند. محققان معتقدند که عشق مانند ماده شیمیایی در مغز عمل می‌کند، مثل ماده مخدر.

عشق رمانتیک یک نوع اعتیاد است، اعتیادی جالب و جذاب وقتی که همه چیز به خوبی اتفاق می‌افتد و اعتیادی وحشتناک زمانی که عشق ناکام می‌ماند. مردم برای عشق می‌میرند و دست به قتل می‌زنند. ارتباط عشق به ماده مخدر تشبیه چندان جالبی نیست. عشق چیزی شگفت و متعالی است که دلایل مخصوص به خود دارد. عشق ما را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.



اما همیشه هم این طور نیست. محققان مغز افرادی که در عشق نا موفق بوده‌اند و به عبارتی دل شکسته را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. این بار نقطه‌ای دیگر از مدار چهار گوشه عشق که بیشتر در ارتباط با اعتیاد است نقش داشته. این افراد شواهدی از میل و عطش شدید را نشان می‌دادند، عطش و میلی مشابه به کوکائین.

طبق این گزارش، تیم تحقیقاتی دانشمندان با تحلیل واسکن مغز زوج‌هایی که حتی بعد از ۲۰ سال از زندگی مشترک همچنان روابط عاشقانه خود را حفظ نمودند متوجه شدند که دو منطقه مدار عشق این افراد فعال است. مناطقی که تولید هورمون کاهنده استرس می‌کنند (سروتونین). این مناطق تولید احساس آرامش می‌کنند. دانشمندان با این مطالعه خواسته‌اند عملکرد مغز را در این ارتباطات بهتر درک کنند و حتی با تولید موادی مشابه آنچه در هنگام عاشقی تولید می‌شود به بهبود روابط کمک کنند.

ارائه ساختارهای فروالکتریک توسط استاد ایرانی
نازنین بصیری غرب، محقق ایرانی و از اساتید موسسه فناوری جورجیا می‌گوید: ما توانستیم مواد پیروالکتریک

ایستگاه ارشاد در مترو تهران



این روزها، کنار برخی ایستگاه‌های مترو تهران، بساط تازه‌ای پهن شده و سرگرمی تازه‌ای آغاز. شماری شیخ و سید جوان که سر و شکلشان باعث فاصله‌گیری نمی‌شود را، پشت یک میز نشاندند تا سؤالات مذهبی مسافران را پاسخ بدهند.

از قضا بیشتر آنها که سؤال دارند خانم‌اند و کم حجاب و خوش برو و رو! به همین دلیل آنها، این خانم‌ها را ارشاد هم می‌کنند، البته اگر چشم خودشان سر نخورد و پایشان سست نشود! آنها را دستچین کرده و برای اجرای طرح «نسیم معنوی مشاوره دینی و پاسخ‌گویی به شبهات دینی» از حوزه قم فرستاده‌اند به زیر زمین‌های مترو تهران!



فعلاً در ۳۰ ایستگاه مترو میز و بساطشان را پهن کرده‌اند و هر کدام نیز چند مشاور هنوز معمم نشده‌اند. یعنی ۱۶-۱۷ ساله‌هایی که درس طلبگی می‌خوانند و تازه پشت لبشان سبز شده است. شکل و شمایل آنها هم توی ذوق نمی‌زند. مردم همه رنگش را در این ۳۳ سال دیده‌اند. این هم یکی از آن رنگ‌هاست. گرچه دیگر این حناها رنگی ندارد!

در انسان چهار منطقه بسیار کوچک مغزی وجود دارد که محققان می‌گویند اینها مدار عشق هستند

یک توصیف و توجیه غیر شاعرانه این است که عشق اصولاً توسط تصویر ذهنی، هورمونها و ژنتیک درک و

شرکتهایی دارای بیشترین نیروی کار



نشریه اقتصادی فورچون در تازه‌ترین گزارش خود به معرفی شرکتهای دارای بیشترین نیروی کار در جهان پرداخت.

براین اساس شرکت فروشگاههای زنجیره‌ای وال مارت آمریکا با دو میلیون و ۱۰۰ هزار نفر نیروی کار دارای بیشترین کارمند در بین شرکتهای دنیا معرفی شده است. شرکت ملی نفت چین با یک میلیون و ۶۷۴ هزار و ۵۴۱ نفر و دیگر شرکت چینی یعنی استیت گرید نیز با یک میلیون و ۵۶۴ هزار نفر در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند. گروه پست چین، شرکت صنایع هون های، گروه سینوپک، شرکت خدمات پستی آمریکا، مخابرات چین، کرفور و بانک کشاورزی چین نیز رده‌های چهارم تا دهم را بدست آوردند.

در بین شرکتهای خودروسازی گروه خودروسازی فولکس‌واگن با ۳۹۹ هزار و ۳۸۱ نفر ضمن کسب رتبه جهانی ۱۸ دارای بیشترین نیروی کار در بین شرکتهای خودروسازی جهان اعلام شد.

شرکت تویوتا موتور هم با ۳۱۷ هزار و ۷۱۶ نفر ضمن کسب رتبه جهانی ۲۹ در بین خودروسازان دوم شد. فورچون در مجموع نام ۵۰ شرکتی را اعلام کرده که دارای بیشترین نیروی کار در جهان هستند و کمترین نیرو در این فهرست مربوط به یک شرکت آمریکایی با بیش از ۲۶۶ هزار نفر کارمند است.

قلبی سالم با ۷ گرم شکلات تلخ



مصرف قطعه‌ای کوچک از شکلات تیره در طول روز، قلب انسان را از التهاب و بیماری‌ها حفظ می‌کند در حالی که شکلات شیری چنین اثری ندارد. بر اساس مطالعات جدید ایتالیایی‌ها میزان خوردن شکلات حادی به خصوص دارد و در واقع به طور دقیق، خوردن ۷/۶

گرم شکلات در طول روز، میزان مطلوب در این زمینه است.

التهاب قدیمی بافت‌ها در سیستم گردش خون، عاملی خطرناک برای بیماری‌های قلبی از جمله سکته قلبی است. یکی از نشانه‌های این التهاب در خون، پروتئین سی-ری اکتیو نام دارد.

پژوهشگران بین میزان جذب شکلات تیره و سطح این پروتئین در خون ۴۸۴۹ نفر که در سلامتی کامل به سر می‌بردند و از عوامل خطرناک مبری بودند، ارتباط مستقیمی را شناسایی کردند.

مطالعات قبلی هم نشان داده بود که شکلات ممکن است برای انسان مفید باشد اگر چه پزشکان معمولاً هشدار می‌دهند که برای تامین سلامتی افراد، بیشتر باید بر رژیم غذایی کلی تمرکز کرد.

یکی از مطالعات بهداشتی نشان داد که احتمال لخته شدن پلاکت‌ها و گرده‌های خونی در توده‌های خطرناک، در افرادی که به شکلات علاقه دارند کمتر است.

به گفته دی گیوسپی، مدیر این تحقیقات، بهترین تاثیر با مصرف متوسط ۷/۶ گرم شکلات در روز به دست می‌آید و این به معنای یک تکه کوچک شکلات، دو یا سه بار در هفته است. با مصرف شکلات بیش از این مقدار، آثار مفید شکلات از بین می‌رود.

خرخر درمانی



شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که شب کنار یکی از افراد خانواده و یا دوستان خود خوابیده باشید که خرخر می‌کند و صدای خرخر او باعث شده تا نتوانید به راحتی بخوابید. صدای خرخر او حتی ممکن است به قدری آزاردهنده باشد که شما را عصبی کرده باشد، خرخر کردن می‌تواند به یک مشکل جدی برای سلامت بدن تبدیل شود، اما با چند راهکار خانگی می‌توان این مشکل را برطرف کرد، با خواندن این مقاله می‌توانید به فرد مورد نظر کمک کنید و یا از او نیز بخواهید تا این مطلب را مطالعه کند.

توپ تنیس:

اغلب اوقات وقتی افراد به پشت می‌خوابند، خرخر می‌کنند اگر شما جز این دسته افراد هستید یک توپ تنیس را داخل یک تی‌شرت کهنه یا یک تیکه پارچه قرار دهید و زیر ران پای خود قرار دهید. این ناهماهنگی و احساس ناراحتی باعث می‌شود تا غلط بزنید و به پهلو

بخوابید، بدون اینکه از خواب بیدار شوید.
بالش اضافی:

قرار دادن بالش اضافی زیر سر، باعث متوقف شدن خرخر می‌شود. زیرا راه‌های عبور هوا بیشتر باز می‌شود و از افتادگی قسمت پشتی گلو که باعث خرخر می‌شود، جلوگیری می‌کند. می‌توانید با قراردادن چند تکه آجر زیر پایه‌های بالایی تختتان، نیز کاری کنید که سرتان بالاتر قرار بگیرد.

دستگاه مرطوب‌کننده:

اگر سرماخوردگی یا حساسیت دلیل خرخر باشد، یکی از راه‌هایی که باعث می‌شود تا بینی شما کیپ نشود، این است که یک دستگاه بخور در اتاق خواب خود قرار دهید. دستگاه بخور باعث می‌شود تا راه‌های بینی باز و سینوس‌ها drain شود.

نوار بینی:

اگر خرخر کردن شما به دلیل مشکلات سینوسی یا سرفه نیست، می‌توانید با استفاده نوار بینی آن را درمان کنید، این نوار باعث می‌شود تا راه‌های بینی باز شود، وقتی راه‌های بینی باز می‌شود، جریان هوا بیشتر و بهتر از آنها عبور می‌کند زیرا دیگر نازک و باریک نیستند.

محافظ دهان:

دستگاه آرواره شبیه یک محافظ است که می‌توانید در شب از آن استفاده کنید. این وسیله آرواره‌های پایین را به سمت بیرون فشار می‌دهد و همانطور نگه می‌دارد، بنابراین راه عبور هوا پهن‌تر می‌شود و دیگر خرخر نخواهید کرد. این وسیله را می‌توانید تهیه کنید و شب‌ها در دهان خود قرار دهید



زنان خیابانی هم صاحب پارکومتر شدند!

پارکومترهایی کنار خیابانهای شهر بن آلمان نصب شده است که زنان خیابانی و هرزه باید برای ایستادن کنار خیابان از این دستگاهها بلیط تهیه کنند.

به گزارش رویترز، پارکومترهای رفتارهای جنسی در آلمان برای اولین بار در جهان، هزینه ۶ یورو برای هر شب را تعیین کرده است تا دولت اطمینان حاصل کند که از همه شهروندان خود مالیات گرفته و از آن طرف اطمینان حاصل کرده باشد که همه قانون را خوب رعایت می‌کنند و کسی از زیر مالیات فرار نمی‌کند. (۱)

در حال حاضر از این دستگاهها در شهر بن ۲۰۰ عدد ساخته و در خیابان تعبیه شده است که به نظر می‌رسد تعداد زنان خیابانی در این شهر بیش از این حد است.

رژیم کم کالری نگیرید، سکته می کنید!



تغذیه ناقص یکی از شگردهای رایج برای کاهش وزن بین زنان محسوب می شود. این رفتار در شکل افراطی اش منجر به گرسنگی کشیدن برای حفظ وزن در زنان جوان دیده میشود ولی بنا به تحقیقات صورت گرفته می تواند تبعات خطرناکی در دهه های بعدی زندگی داشته باشد. محققان در دانشگاه اوترخت هلند پس از بررسی روی تغذیه بیش از هشت هزار زن دریافتند آن عده ای که در دوران نوجوانی و جوانی به عمد دست به تغذیه ناقص زده اند تا میزان یک سوم شانس بیشتری برای حمله قلبی پیدا کرده اند. پزشکان توصیه می کنند برای داشتن بدنی سالم باید روزی حداقل ۲۰۰۰ کالری مصرف کرد اما در زندگی مدرن امروز برای حفظ فیزیک بدن اقدامات زیادی صورت می گیرد و برای مثال ویکتوریا بکام - همسر دیوید بکام فوتبالیست - اعلام میکند برای کاهش وزن رژیمی آب و توت فرنگی داشته که تنها در روز ۶۰۰ کالری به بدنش می رسانده است. در رژیمی وحشتناک تر پورتیا د روسی هنرپیشه سریال های تلویزیونی آمریکا مدعی شده بود در دوره ای کوتاه روزی ۳۰۰ کالری بیشتر در روز غذا مصرف نمی کرده است و توانسته بود حدود ۲۴ کیلو وزن کم کند.

به این ترتیب رسانه ها با انتشار چنین اخباری به تغذیه نادرست جوانان دامن زده و مشکلات فراوانی را برای عاداتهای غذایی آنها ایجاد کرده اند. در این تحقیق بین هشت هزار زن مشخص شده کسانی که در دوران بزرگسالی دست به این گونه رژیمهای خطرناک می زنند ۲۷ درصد شانس حمله قلبی را افزایش می دهند اما اگر این اقدام را تا زیر ۲۰ سال انجام دهند شانس حمله قلبی در دهه بعدی زندگی به ۳۸ درصد می رسد.

سن افراد مبتلا به ناراحتی های قلبی در ایران بسیار پایین تر از سن افرادی است که در اروپا مورد عمل جراحی قرار می گیرند.

متوسط سن این بیماران در ایران حدود ۵۵ سال است در صورتی که در اروپا و آمریکا سن بیماران قلبی ۷۳ تا ۷۶ سال است و به عبارت دیگر قلب ایرانی ها ۲۰ سال زودتر بیمار می شود.

دکتر سید محمد باقر طباطبایی مهمترین دلایل افزایش بیماری قلبی در ایران را استرس روزمره، خوه تغذیه و آلودگی هوا عنوان کرد و افزود: در حال حاضر یک سوم از علل مرگ و میرها در کشورهای در حال توسعه، بیماری های قلبی است و تخمین زده می شود که تا ۱۸ سال آینده بیماری های قلبی و عروقی دشمن شماره یک سلامتی انسان تبدیل شود.

وی تأکید کرد: دو عامل خطر مستقل در ایجاد بیماری قلبی عروقی، پرفشاری خون و بالا بودن کلسترول خون است. دیده شده با کاهش مؤثر فشار خون می توان میزان حمله قلبی را تا ۲۱ درصد، سکته مغزی را تا ۳۷ درصد و مرگ در اثر این بیماری را تا ۲۵ درصد کاهش داد. با کاهش ۱۰ درصد از میزان کلسترول خون میزان بروز بیماری عروقی کرونر تا ۳۰ درصد کاهش می یابد.

این جراح قلب و عروق بیمارستان بهمن با اشاره به انجام پیشرفته ترین روش های جراحی قلب و عروق در کشور گفت: «ایران جزء ۱۰ کشور برتر جهان در این رشته است.»

وی افزود: بررسی ها نشان می دهد متوسط هزینه انواع عمل جراحی قلب در ایران پایین تر از متوسط نرخ جهانی آن در دیگر کشورهای توسعه یافته تمام می شود؛ به عنوان نمونه در آمریکا هزینه عمل جرای بای پس تعویض دریچه ۴۰ هزار دلار است.

عضو مؤسس انجمن جراحان قلب ایران تأکید کرد: در بحث تکنیک و علم جراحی هیچ چیزی از دیگران کم نداریم. اگر تفاوتی هست، در بخش وسایل و امکانات است و به طور حتم امکانات و وسایل آنها از ما بهتر و پیشرفته تر است. دکتر طباطبایی در زمینه جراحی قلب و عروق با استفاده از روبات افزود: در حال حاضر در کشورهای پیشرفته و صاحب



نام عمل های مجدد مانند تعویض چند دریچه، یا ترمیم دریچه قلب با این فناوری قابل درمان نیستند هرچند استفاده از روبات افق تازه ای را در جراحی قلب گشوده است.

وی تأکید کرد: استفاده از روبات در جراحی قلب و عروق با محدودیت ها و عوارض بسیار زیادی روبروست که یکی از این محدودیت ها به دلیل اینکه جراح در بدن بیمار تنهاست، کمک آنچنانی ندارد و اگر خونریزی به وجود بیاید، جلوگیری از آن آسان نیست.

دکتر طباطبایی عامل دیگر جهت جلوگیری از پدیده نابهنجار دریافت وجوه اضافی پزشکان از بیماران را گسترش بیمه تکمیلی و همگانی و اصلاح تعرفه های عادلانه دانست و بر پذیرش بیماران بیمه ای توسط مراکز پزشکی خصوصی تأکید کرد.

گفتنی است این جراح قلب برجسته ایران تاکنون بیش از ۱۵ پزشک حاذق جراح قلب و عروق تحویل جامعه پزشکی ایران داده است که این جراحان در مراکز قلب عروق کشور و اروپا مشغول به خدمت هستند.

مسن ترین انسان جهان کیست؟



شاوور لی چینگ یون راز داشتن یک زندگی طولانی را به او آموخته است: نداشتن استرس، آرام راه رفتن و خوب خوابیدن! لی چینگ یون یک مرد چینی است که

۲۳ زن و ۱۸۰ نوه دارد! به نوشته بولتن نیوز، لی چینگ یون از دنیا رفته اما بر اساس آخرین امار ها او مسن ترین انسان روی زمین بوده است! خیلی ها راجع به خوه ی زندگی کردن او و رژیم غذایی اش کنجکاو هستند.

راز و رمز یک زندگی طولانی چیست؟ مشاور لی چینگ یون راز داشتن یک زندگی طولانی را به او آموخته است: نداشتن استرس، آرام راه رفتن و خوب خوابیدن!

خود لی چینگ یون اعتراف کرده که در سال ۱۷۳۶ متولد شده و ۱۹۷ سال زندگی کرده، شما در سال ۱۹۳۰ یک استاد دانشگاه به نام وو چونگ در پرونده ای اثبات کرده که که لی در سال ۱۶۷۷ متولد شده!

عشق واقعی پیرمرد



پیرمردی صبح زود از خانه اش خارج شد. در راه با یک ماشین تصادف کرد و آسیب دید. عابرانی که رد می شدند به سرعت او را به اولین درمانگاه رساندند. پرستاران ابتدا زخمهای پیرمرد را پانسمان کردند. سپس به او گفتند: "باید از شما عکسبرداری بشود تا جایی از بدنت آسیب و شکستگی ندیده باشد.

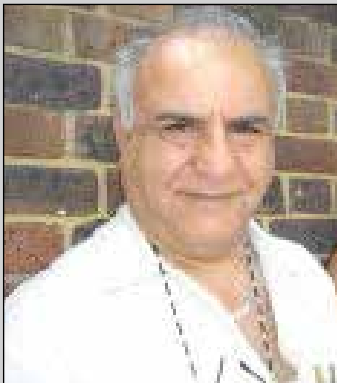
پیرمرد غمگین شد، گفت عجله دارد و نیازی به عکسبرداری نیست.

پرستاران از او دلیل عجله اش را پرسیدند. زنم در خانه سالمندان است. هر صبح آنجا می روم و صبحانه را با او می خورم. نمی خواهم دیر شود!

پرستاری به او گفت: خودمان به او خبر می دهیم. پیرمرد با اندوه گفت: خیلی متأسفم. او آلزایمر دارد. چیزی را متوجه نخواهد شد! حتی مرا هم نمی شناسد! پرستار با حیرت گفت: وقتی که نمی داند شما چه کسی هستید، چرا هر روز صبح برای صرف صبحانه پیش او می روید؟ پیرمرد با صدایی گرفته، به آرامی گفت: اما من که می دانم او چه کسی است!..

BUSINESS

مدیران موفق ایرانی در اروپا



داری معرفی کرد

او رستوران یاس در خیابان معروف کترینگتون در لندن را سال‌هاست به عنوان رستورانی نمونه و شناخته شده پا بر جا نگاه داشته است

سهراب اشراقی را باید در زمره بهترین مدیران ایرانی در اروپا نام برد

نان بهزاد رونق هر سفره ایرانی



در شهر هامبورگ مرکز تولید نان بهزاد است که حرف اول را در تولید نان در اروپا می‌زند. بهزاد مدیر این نانوائی که با شیوه و سیستم مدرنی اداره می‌شود، همه گاه تلاش کرده است تولیدات نان‌های خود را در بهترین کیفیت و مرغوبیت به دست مشتریان خود در سراسر اروپا برساند و می‌توان گفت نان بهزاد رونق هر سفره ایرانی در اروپاست که با ذائقه و سلیقه ایرانیان جور جور است.

مجله رنگارنگ با توزیع گسترده در همه کشورها و شهرهای اروپایی و محبوبیت فراوان در میان ایرانیان تریبونی است برای معرفی چهره‌ها و افرادی که در زمینه‌های مختلف فعال هستند .
مجله رنگارنگ یکی از وظایف خود میداند در هر شماره به معرفی آنان و فعالیتهایشان بپردازد.

اروپا را از سوی کمپانیهای موزیک ایرانی در آمریکا تغذیه می‌کرد.
محصولات غذائی مهیار نامی شناخته شده و معتبر در اروپاست و مراد صرافیان هم از جمله مدیران برجسته و شناخته شده می‌باشد که سالهاست در شهر کلن در آلمان دهها مراکز فروش ایرانی در اروپا را با اجناس خود پرروتق می‌کند.

علی نجفی هنر کاسبی را میداند

در شهر دوسلدورف فروشگاه تک به



مدیریت علی نجفی در واقع مرکز رفت آمد خریداران ایرانی است . علی نجفی هنر کاسبی و برخورد با مشتریان را به خوبی میداند و در برخوردهای روزمره با مراجعه کنندگان باب دوستی و صمیمیت را نیز برقرار می‌کند و که این روزها بشدت سرگرم راهاندازی دفتر پخش مواد قضایی خود می‌باشد در صدد هست که نیاز بسیاری از فروشگاه‌های ایرانی را با اجناسی مرغوب و قیمتهای مناسب تامین کند

سهراب اشراقی با بیش از ۳۰ سال مدیریت درخشان

بحق می‌توان سهراب اشراقی را قدیمی‌ترین و موفقترین مدیر ایرانی در اداره رستوران

بهنوش، مدیری کارآمد

سالن سرشناس و معروف ESSENSUALS وابسته به آرایشگاههای جهانی Tony & Guy در منطقه سویس کاتج که به وسیله بهنوش و امیر اداره می‌گردد پاتوق کسانی است که به آرایش و زیبایی اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و عموماً کار خوب و حرفه‌ای را تشخیص می‌دهند .



بهنوش آرایشگری است که با تسلط و شناخت کامل از چهره و مشتریان خود همه را راضی و خوشحال نگه می‌دارد. به قول تماشاگران که او را بنی صدا می‌زنند بنی با تجربه و تبحری که در کار خود دارد با تعیین مدل و رنگ مو بهترینها را به مشتریان خود ارائه می‌دهد و به همین دلیل هم محبوبیتی خاص در میان همگان دارد.

مراد صرافیان و مهیار در اروپا جایگاهی ویژه دارند



مراد صرافیان از جمله مدیران زحمتکش و پرکار در زمینه تولیدات مواد غذایی است. هر چند مراد خان نبض دنیای موزیک در اروپا را هم در دست داشت و سراسر

مدیر موفق اروپایان

با طرح‌ها و ایده‌های زیبا



شرکت مسافرتی اروپایان در شهر کلن پل ارتباطی مسافرتهاى ایرانیان به اقصی نقاط دنیاست، سرویس‌های حرفه‌ای و کار آزموده کادر خدماتی اروپایان به مشتریان ایرانی جهت تهیه بلیت به هر کشوری که مایل به مسافرت هستند باعث شده که شرکت اروپایان در میان ایرانیان از احترام و محبوبیت خاصی برخوردار باشد.
کامران خطیبی مدیر آژانس بزرگ مسافرتی اروپایان که سالهای متعددی است بعنوان مدیری موفق و کار بلد به جامعه ایرانیان معرفی شده است در کنار تخصص و دانش مدیریت دارای قبلیتهای زیادی در زمینه‌های حرفه‌ای و هنری عکاسی می‌باشد و طرح‌ها و ابتکارات او در این زمینه سخت مورد توجه جامعه هنری آلمانها می‌باشد ولی هرگز کامران خطیبی تلاشی در جهت معرفی و شناساندن این هنر حرفی‌ای خود به جامعه ایرانیان تلاشی نداشته است و شاید مجله رنگارنگ تنها نشریه‌ای است که موفق شده است چهره دیگر و اثرات هنری خطیبی را به جامعه ایرانیان معرفی کند کماکان در این شماره به ایده زیبا و جالب ایشان در ارائه طی شرتهایی با رنگ‌هایی سمبلیک و طرحی ابداعی بیشتر آشنا میشوید.

چشمی با هزار نگاه



گدایی در محضر دوستان پادشاهی است

مثل همیشه اندک آدم نثایی‌ها حقیر در برابر تقاضای کمک مالی به مجله رنگارنگ می‌گویند که: سرابی به گدایی افتاده است!

اگر این نیاز ما گدایی است به خود می‌بالیم از دست کسانی گدایی می‌کنیم که در وجودشان معرفت، محبت و انسانیت موج می‌زند و هر اندازه که در توانشان بوده است کمک کرده‌اند برای ما از نظر روحی و معنوی ارزش و اعتباری بی‌نهایت داشته است.

گدایی به معنای درمانده و مستاصل به کسانی می‌گویند که دست نیازشان را جلوی هر کس و ناکسی دراز می‌کنند و حلقه نوکری رژیم را به گوش کرده‌اند.

محمود سرابی و مجله رنگارنگ در طول عمرشان همه گاه با سینه ستر و گردن برافراشته و چهره‌ای مغرور در جامعه زندگی کرده‌اند و آنان که باید بدانند، می‌دانند.

احمق‌هایی هم که تلاش می‌کنند وارونه به نعل خود بکوبند خود دانند.

دستان پر مهر شما را صمیمانه می‌فشاریم و با غرور و افتخار به خود می‌بالیم که چنین یارانی را کنار خود داریم.

رنگارنگ و محمود سرابی به همه فحش می‌دهند!

آنان که مروج این جملات هستند تکلیفشان با خودشان معلوم است. مشکل مردم یا در واقع کسانی هستند که تکلیفشان با خودشان معلوم نیست. وگرنه افشگری و روشنگری صادقانه و شجاعانه در هر جامعه‌ای مورد تحسین و تشویق قرار می‌گیرد و افراد آن جامعه به خدمتگذاران واقعی خود احترام و محبت و سپاس را هدیه می‌دهند.

ولی در فضای مسموم و آلوده خارج از کشور که مزدوران و پادوهای رژیم ملایان چون زالو به جان مردم افتاده‌اند و تمامی رسانه‌های تصویری، نوشتاری و گفتاری را به یمن وجود پولهای کثیف جمهوری اسلامی اشغال کرده‌اند باعث گمراهی و فریب افکار عمومی مردم شده‌اند و طرح‌ها و ترفندهای کثیف حکومت اسلامی را به خورد مردم می‌دهند و زمانی هم تنها نشریه ملی و

مستقل رنگارنگ همه دشمنی‌ها و کینه‌ها و شایعات و باندبازی‌های آنان را به جان می‌خورد و مقابل صف طویل و پرتعداد آنان می‌ایستد و ابایی هم از بازیهای ناجوانمردانه و کثیف آنان هم ندارد ولی همین مردمی که به خاطرشان همه سختی‌ها را به جان خریده‌ایم راوی شایعات و نقل قولهای مزدوران می‌شوند که سرابی و رنگارنگ به همه فحش می‌دهند!

ما فحش به چه کسی می‌دهیم؟ عناوین و القاب مزدور، پادو، جیره خوار، بی‌وطن و وطن فروش، به افرادی که در خدمت حکومت آخوندی هستند فحش است؟

آیا چنین افرادی که باعث تداوم حکومت نکبت آخوندی می‌شوند و منافع ملی و سرنوشت میلیون‌ها انسان مظلوم و اسیر ایرانی برایشان مهم نیست را باید با چه تعاریف و کلماتی توصیف کرد؟

از این گذشته این اراذل و اوپاش که خود همه سر حریف هستند و ادعاهایشان گوش فلک را کر کرده است چطور مقابل مجله رنگارنگ و محمود سرابی خفه خون گرفته‌اند و صدایشان در نمی‌آید؟

حداقل یکی از این آشغال‌ها چرا علیه ما شکایتی قانونی نکرده است؟

خانمها، آقایان به چیزی که اعتقاد دارید کوتاه بیایید، آلت دست این هزار خط‌های عوضی نشوید.

اینان اگر ریگی به کفش نداشته و بارشان کج نبود، با آن همه وقاحت و دریدگی و بی‌شرمی ساکت می‌ماندند؟! اینان وقتی پایش می‌افتد دست هر چه فاحشه و هر جایی را از پشت بسته‌اند حالا چطور برابر سرابی و مجله رنگارنگ نجیب و مظلوم و ساکت می‌شوند؟ چون هر آنچه را طی این ۲۵ سال نوشته‌ایم واقعی و مستند و براساس دلیل و سند و مدرک بوده است و دلیل پوزه بند زدن به دهان اینان هم همین است.

تنها شما آلت دست نشوید. بازی نخورید. اسیر طرح ۲۰ - ۸۰ حکومت اسلامی نشوید که به اینان در خارج از کشور پول می‌دهد که ۸۰ درصد به حکومت حمله کنند تا شما قبول کنید مخالف رژیم هستید و سپس ۲۰ درصد را صرف گول زدن شما نمایند که فرضاً در این حکومت لعنتی و ضد بشری جناحهای دیگری هم وجود دارد که خوب هستند

این خوبها را به خورد شما می‌دهند تا باورتان شود جنایتکارانی چون خاکی، موسوی، کروبی و... طفلان

معصوم این رژیم هستند!

هموطنان عزیزم، به خاطر نسل بزرگ و امیدوارم در کشورم به خاطر میلیون‌ها ایرانی اسیر در نظام ضد انسانی ملایان چنانچه مبارزه و کمک اگر نمی‌کنید شیپور تبلیغاتی مزدورانی چون گنجی، سازگارا، شیرین عبادی، فرخ نگهدار، مسعود بهنود، علیرضا نوری‌زاده و... نشوید.

نسل سوخته ایران یقه نوری‌زاده دروغگو را گرفته است



- نوری‌زاد می‌گوید: من احساساتی هستم حرفهایی زده‌ام یا نوشته‌ام که جوان بودم.
- من دروغگو نیستم فقط احساساتی هستم!!!! به همین دلیل به تلویزیونهایی که روی خط مردم می‌آیند نمی‌روم!

در یک برنامه تلویزیونی در لس آنجلس که نوری‌زاده در آن حضور داشته است جوانی به نام خسرو فروهر روی خط می‌آید و خطاب به نوری‌زاده می‌گوید:

- من نسل سوخته انقلاب شما هستم. آقای نوری‌زاده شما دروغگو هستید و آنچه را گفته‌اید و نوشته‌اید وارونه جلوه می‌دهید. شما خود را از هواداران و علاقمندان به شاه و بختیار نشان می‌دهید و در رابطه با هر دوی آنان مقالاتی تند و توهین آمیز نوشته‌اید.

در باره ژنرالهای شاه با اشک و ناله کتاب و مقاله می‌نویسد در حالی که تمام نوشته‌های آن روزها شاهد هست که با تمام وجود از تیرباران افسران زمان شاه دفاع

کرده و خوشحالی نموده‌اید.

شما شعر و مقاله‌های بسیاری در مدح و ثنا خمینی نوشته‌اید و امروز او را دیو می‌نامید.

شما درباره فرخ‌رو پارسا و اعدامش او را در ردیف زنان فاحشه قرار داده‌اید و امروز انکار می‌کنید و صدها نمونه از این است.

نوری‌زاده: من به همین دلیل به تلویزیون‌هایی که مردم را اینگونه به روی خط می‌آورند و این تلفنها از قبیل ارنج شده و حساب شده است. ولی آقای عزیز اون موقعها شماها کجا بودین؟ من زندان رفتم؟! و آواره شدم؟! با زن و سه بچه! هر آنچه آن زمانها نوشته‌ام را می‌پذیرم ولی جوان بودم و احساساتی!!!

و حالا سوالی دیگر از این چهره احساساتی دارم. آقای نوری‌زاده آن زمان جوان بدید. مکالمه عاشقانه چند سال پیش شما با زنی در ایران و خط و نشان کشیدنهای شما که به آن زن می‌گویند می‌دهم پدر استانداری را در بیاورند بر چه معیار و اساس بوده است؟! شما چه نفوذی در حکومت ایران دارید و همدستی و هم‌پیمایی با ملاها که می‌توانید پدر حتی استانداری را در بیاورید؟! آقای نوری‌زاده حالا که به خرسنی رسیده‌اید تکلیف بازیهایی چندش آور شما با نمایندگان و فرستادگان رژیم هم چون مداحی چه می‌شود و باز هم احساساتی شدی! آقای نوری‌زاده درباره پولهای طیب و طاهری که از رژیم گرفته و تفرشی آن را با ذکر شواهد اعلام کرد چه می‌گویند؟! که علیه مجاهدین فعالیت کنید، مجاهدینی که روزی شما آنان را ستارگان آسمان تاریخ مبارزات مردم ایران توصیف می‌کردید؟! و صدها و هزاران مدرک دیگر که نشان می‌دهد شما بی‌تقصیر هستید باید افسوس به حال ساده لوحانی خورد که این چرنیدیات و تولیدات حکومتی را از امثال شما می‌پذیرند و وگرنه که تکلیف شما روشن است.

در لندن چه می‌گذرد؟

- چه کسانی مجری اهداف رژیم در بایکوت کردن چهره‌های مبارز واقعی هستند؟
- بناگاه این همه آدم دست چندم ورزشی از کجا پیدا شدند؟
- همه این آدمها را سرهم کنی یک نصفه آدم کارنامه‌دار در آن نیست!

یکی از اهداف رژیم جمهوری اسلامی گردهم آوردن آدم‌هایی بی کارنامه و فاقد اعتبار حرفه‌ای است و در خارج از کشور سرمایه‌گذاری زیادی در این زمینه کرده

است که با شلوغ کردن صحنه‌های اجتماعی در زمینه‌های گوناگون از جمله ورزش فضایی کذاب و مسموم به وجود آورند که نمونه‌های آن را در تلویزیونهای BBC، صدای آمریکا، من و تو، سایت‌های قارچی اینترنتی و برنامه‌ها و مراسم دیگر ورزشی شاهد هستیم.

براستی این آدمهای کوتوله و بی‌کارنامه هرگز از خود پرسیده‌اند در کجای ورزش بوده‌اند؟ فقط به دلیل اینکه دوربین و میکروفرنی پیدا کرده‌ایم باید فراموش کنیم که ما چه طوری به خود اجازه می‌دهیم عناوینی مانند کارشناس، صاحب نظر و روزنامه‌نگار را جلوی اسم خود بگذاریم؟ شاید سالها به عنوان تماشاگر ورزش را تماشا کرده‌ایم عنوان کارشناس بنده است؟! پس اگر این طور است اسماعیل زرافشان عکاس ورزشی ایران با ۶۵ سال سابقه باید بزرگترین کارشناس و صاحب نظر فنی در امر ورزش باشد ولی این انسان شریف و با وجدان حتی ادعایی در حد یکی از این کوتوله‌های بی‌کارنامه ندارد! فقط باید تاسف خورد و دلسوزی و ترحمی بر چنین چهره‌های فقیر و حقیر داشت ه مسلماً آنها را رها خواهیم کرد که هر غلطی دلشان خواست بکنند و آب در آسیاب ارباب سیاهی بازی بریزند!

گماشته‌های رژیم در خارج از کشور زیر پوشش پناهنده تلاش در انحراف افکار عمومی ایرانیان خارج از کشور دارند

ورزش و فعالیتهای هنری، فرهنگی محل تجمع این گماشتگان است. همه این ماموران فراری نما هدفشان حمله به حاشیه‌ها و مسائل پیش پا افتاده است تا کسی به دنبال یقه گیری کلیت رژیم نباشد.

صدها چهره ریز و درشت چون موریانه سمی از سوی حکومت آخوندی راهی خارج از کشور شده‌اند تا زیر پوششهای مختلف باعث فرب و گمراهی افکار عمومی ایرانیان ساده لوح بشوند.

به یکباره سر و کله یک گله روزنامه‌نگار و خبرنگار بند تنبانی در زمینه‌های ورزشی و هنری و فرهنگی پیدا شده است و جالب است که این «حرفه‌ایها؟!» در همان صنفی هم که ادعا می‌کنند هیچگونه پشتوانه و کارنامه‌ای هم ندارند مگر با سفارشات و توصیه‌ها و روابط اربابانی که از تهران راه را برای آنان باز می‌کنند و سروکله‌های اینان را در صدای آمریکا و BBC بخش فارسی، تلویزیونها بسیار می‌بینند و حیرت آور است که همگی هم صاحب عناوین کارشناس، روزنامه‌نگار، منتقد و... هستند و جالب‌تر

اینکه همه اینان تلاششان محدود کردن فضای حمله به کلیت رژیم است و با سیاه بازی‌های چندش آور همه چیز را در سطح پائین و پیش پا افتاده خلاصه می‌کنند که مثلاً اگر ورزش ایران به جن و فساد کشیده باشد مقصر دو تا مربی و چهار تا مدیر و سه بوقچی است و ارتباطی به کل حکومت ندارد. حرفهایی شبیه حرفهای مسعود بهنود، علیرضا نوری زاده، اکبر گنجی، فرخ نگهدار، سازگارا، مخملباف، ابراهیم نبوی و مشت‌ی از این قبل...

خبرهای خاکستری و در گوشی



• حضور مشایی در لندن و نقش دلالتی فرش فروش!

رحیم مشایی ملیجک دربار احمدی‌نژاد چند صباحی که در لندن بود و حتی قصد حضور در برنامه‌ای در لندن را هم داشت که اطرافیان به خاطر واکنش احتمالی مردم او را منصرف کردند

در همه جا به همراه خود دلالتی را هم یدک می‌کشید کسی که پرونده شیرین کاری‌های گذشته‌اش هنوز در دادگاههای انگلیس خودنمایی می‌کند.

این جناب قالی فروش شریف در نقش جانانداز این مزدور حکومتی کار را تا جایی پیش برده که در چند جلسه خصوصی اعلام کرده که به زودی پروژه‌های فرهنگی، هنری، مطبوعاتی، تلویزیونی رحیم مشایی و شرکاء در لندن راه اندازی می‌شود و تنها به دنبال افرادی می‌گردند که شرف را خورده و وجدان هم در کار نباشد آنان که از این قماش هستند بشتابند که غفلت موجب پشیمانی است. امید اینکه «من و تو» جا نمانیم و از پولهای پسر رفسنجانی عقب نیفتیم!

با خرید، آبونمان شدن مجله رنگارنگ و دادن آگهی‌های تبلیغاتی خود حضور این نشریه را تداوم بخشید.

Gold One



شرکت GOLD ONE خریدار طلا و جواهر شما با مناسبترین قیمت بورس روز در دوسلدورف

انواع سکه - انگشتر - زنجیر - پلاک - دستبند



کیوان خفاف

KÖLNER LAND STR. 62
40591 DÜSSELDORF
HAUPT STR. 32
40597 DÜSSELDORF-BENRATH

www.gold-one.de

Tel: 0211 - 69 54 49 39
Mobil: 0176 - 23 58 14 71

Öffnungszeiten:
Mo-Fr: 10:30-14:00+
15:00-18:00 Uhr
Sa: 10:00-14:00 Uhr





شبهای خاطره انگیز و
بیاد ماندنی خود را در
فضای صمیمی و متفاوت
رستوران کندو زنده کنید

رستوران کندو

مناسبترین مکان برای
برگزاری مراسم جشنها و

میهمانیهای شما

Tel: 0211 1579 1541



Restaurant kandu

Adresse:
Martinstraße 34,
40223 Düsseldorf

Geöffnet:

Mo - Do: 12:00 - 22:00

Fr, So: 12:00 - 23:00

Sa: 13:00 - 23:00

دوشنبه تا پنجشنبه از ظهر تا ۱۰ شب
جمعه تا یکشنبه از ظهر تا ۱۱ شب
شنبه از ۱ تا ۱۱ شب





فریدون فرخزاد مردی که از نو او را باید شناخت

قسمت هفتم

**مرگ آن نیست که در گور سیاه دفن شوم
مرگ آنست که از قلب تو و خاطر تو محو شوم**

آنها می خواستند فریدون برای تبلیغ محصولات آنها برنامه ای تلویزیونی در ده قسمت اجرا کند. بی اختیار یاد فیلم "مرثیه ای برای يك سنگین وزن" با شرکت آنتونی کوئین افتادم که در آن کار قهرمان بوکس جهان به جایی رسیده بود که برای امرار معاش مجبور بود در رینگ در لباس دلقک ها ادای آباچی ها را در بیاورد. فریدون که از اجرای برنامه در تلویزیون منع شده بود بدین وسیله می توانست مجدداً به تلویزیون بازگردد. من راضی به این کار نبودم ولی نظر او شرط بود نه من. قرار داد فوراً آماده و امضا شد و نهار مفصلی هم برای فریدون و من تدارک دیدند و یادم می آید پرسنل آن شرکت هر يك به بهانه ای برای دیدن فریدون می آمدند و امضاء می گرفتند و یا عکس می آنداختند و غیره. خلاصه ما تا شب آنجا بودیم. بی جهت نیست که بسیاری هستند که شهرت را در زندگی از همه چیز بیشتر دوست دارند. دو روز بعد برنامه ضبط در یکی از استودیو های خصوصی طهران شروع شد. ساعت حدود یازده صبح روز سوم بود که نامه ای از طرف تلویزیون ملی ایران دریافت شد که متذکر شده بودند علی رغم قرار داد با شرکت ناسیونال مبنی بر پخش يك ساعت برنامه تبلیغاتی در هفته برای آنها به دلیل وجود فریدون فرخزاد در آن برنامه از پخش آن معذور هستند. آنآ مدیر حقوقی شرکت ناسیونال نامه را برداشت و به دائره حقوقی تلویزیون رفت که مذاکرات آنها بیش از پنج ساعت به طول انجامید. نتیجه این بود که طبق قرار داد تلویزیون يك ساعت در هفته وقت خود را در قبال وجه قابل ملاحظه ای به شرکت ناسیونال

فروخته بود و در قرار داد مذکور هیچ گونه موردی مبنی بر چگونگی محتوای آن پیش بینی نشده بود و از آنجایی که شرکت ناسیونال هم با توجه به آن قرار داد قراردادی با آقای فریدون فرخزاد بسته بود لذا ضرر و زیان ناسیونال باید جبران می شد. ولی از آنجایی که تفاهم دو طرفه می بایستی بوجود می آمد، مسئولین تلویزیون فقط توانستند شرط عجیب و غریبی را به ناسیونال تحمیل کنند و آن این بود که در طول برنامه فریدون فرخزاد نباید می ایستاد و می بایستی نشسته برنامه را اجرا می کرد و بنابراین فریدون قادر به خواندن ترانه و رقص هم نبود. آنهایی که بیاد می آورند می دانند که فریدون در اولین لحظه از اولین سری برنامه های "ناسیونال شو" همین مطلب را به تمسخر اظهار کردو با زبان بسیار تند خود چند تا متلک هم به آن اضافه کرد.

در پی پخش اولین ناسیونال شو که در جمعه اول آذر ۱۳۴۹ بود گویی زلزله ای در جراند کشور پدید آمد. مخصوصاً مجله سپید و سیاه و اطلاعات بانوان که سردبیران آنها از دوستان پر و پا قرص فریدون بودند. هزاران نامه به دفاتر آنها سرازیر شد. نمودار فروش محصولات ناسیونال بصورت خط قائم رو به بالا رفت. شرکت های رقیب برای سفارش برنامه با فریدون تماس می گرفتند. برنامه آهنگ های درخواستی رادیو ایران که به صورت زنده پخش می شد مجدداً پر شد از ترانه های فریدون. مجلات قیمت آگهی های تجارتي خود را به دو برابر افزایش دادند و ده ها مورد دیگر.

هنوز قسمت هفتم ناسیونال شواز شبکه يك تلویزیون ملی ایران پخش نشده بود که روزی شخص بسیار مؤدبی آمد منزل فریدون و گفت از طرف آقای مهندس قطبی حامل پیامی است (زیرا فریدون بعد از بی مهری که از جانب تلویزیون به او شده بود هر گونه دعوتی از جانب آن رسانه را رد می کرد). خلاصه آن مأمور از فریدون خواست

که بدیدن ایشان برود فریدون قبول نکرد و لی من او را به گوشه ای بردم و گفتم تو بالآخره باید به تلویزیون باز گردی و از طرفی حالا که آنها پیش قدم شده اند قبول کن و سوماً رد کردن دعوت مدیر عامل رادیو تلویزیون ملی ایران عواقب خوبی ندارد. قبول کرد ولی محل گفتگو را خود فریدون "رویال طهران هیلتون هتل" (هتل استقلال فعلی) تعیین کرد. ملاقات در یکی از اتاق های مجلل آنجا انجام گرفت. نتیجه این بود که فریدون می بایست با هزینه تلویزیون شو جدیدی در ۱۰۴ قسمت تهیه کند ولی به اشخاصی که مورد احترام بودند حال به درست یا غلط او هم احترام بگذارد و بعضی موازین را هم رعایت کند و چنین بود که هنوز ناسیونال شو تمام نشده بود که "سلام همسایه ها" با دکور فوق العاده پر هزینه و با تبلیغات بیست مرتبه در ۲۴ ساعت که خود فریدون را در حالات مختلف نشان می داد شروع شد که از قسمت یازدهم به بعد به طریقه رنگی سکام ضبط و پخش شد که بسیاری از دوستان فریدون برای اولین بار چهره استثنایی او را بصورت رنگی مشاهده کردند.

چهارمین شویی که فریدون رسماً در تلویزیون ملی ایران اجرا نمود "بزرگترین نمایش هفته" نام داشت که از اواخر سال ۱۳۵۳ شروع شد و محتوای آن به کلی با برنامه های قبلی او متفاوت بود. اولاً زمان آن با تصویب هیئت نظارت بر تولیدات داخلی تلویزیون که خود از هنرمندان قدیمی و به نام کشور امثال مرحوم صادق بهرامی پیشکسوت تئاتر و بازیگری تشکیل شده بود از يك ساعت به دو ساعت افزایش داده شد، ثانیاً دکور آن ضد انعکاس نور بود، ثالثاً برای اولین بار از نور پردازی رنگی در آن استفاده شد، رابعاً میهمانان آن را بیشتر بازیگران سینما و تئاتر، شعرا، نویسندگان و از این قبیل تشکیل می دادند. یعنی به طور کلی به جای استفاده از خوانندگان که در شوهای قبلی نود درصد میهمانان برنامه را در بر می گرفتند حال

ایران است و با توجه به تعداد بینندگان خود و محبوبیت در میان مردم و غیره حق دارد نامی در این ردیف برای برنامه خود انتخاب کند. خلاصه سفارش هایی هم از این طرف و آن طرف شد تا موافقت هیئت دریافت شد و آنونس آن تهیه گردید.

این شو از گرانترین و پر هزینه ترین برنامه های تلویزیون ملی ایران تا آن زمان بود که برای تأمین بخشی از هزینه گزاف آن مقرر شد برای اولین بار در دو نوبت در خلال آن تبلیغات پخش شود. برای تبلیغات اول شروع برنامه که بلافاصله بعد از آنونس پخش می شد نرخ دو هزار تومان برای هر ثانیه و برای تبلیغات دوم که معمولاً در سر يك ساعت اول پخش می شد نرخ يك هزار و پانصد تومان در نظر گرفته شد که چهار برابر نرخ معمولی برای تبلیغات بود ولی معذالك همین قیمت گزاف هم باز با استقبال بسیار شرکت های تجارتي روبرو شد و زمان آن برای هر نوبت تا دو دقیقه و کلاً چهار دقیقه هم رسید (پخش بیش از چهار دقیقه تبلیغات با مخالفت مدیر عامل سازمان روبرو شد) یعنی جمعاً چهارصد و بیست هزار تومان درآمد برای تلویزیون و این در حالی بود که خود فریدون طبق قرار داد فقط بیست و پنج هزار تومان برای اجرای هر يك از آنها دریافت می کرد که برای آن روزگار پول زیادی بود. برای مثال بازیگران درجه اول سینما تا حداکثر يك صد هزار تومان برای ایفای نقش در هر فیلم دریافت می کردند که غالباً بین بیست روز تا يك ماه زمان می برد. البته دستمزد سرکار خانم فروزان این



نود در صد میهمانان را هنرمندانی از سایر رشته های هنری تشکیل می دادند. در این سری از برنامه ها برای اولین بار از میکروفن های هوایی که در تصویر دیده نمی شدند، استفاده شد. در ضمن از رقص های فولکلور اقصی نقاط کشور هم در همه برنامه ها دیده می شد. مثلاً اگر رقص گیلکی در حال اجرا بود در کنار آن آقای ناصر مسعودی دیده می شد که داشتند ترانه ای گیلکی می خوانند. فریدون خود در یکی از آنها لباس بلوچی سفیدی پوشید و عمامه بر سر گذاشت و با سیتار مرحوم استاد عباس مهرپویا رقص بسیار زیبای بلوچی را ارائه نمود که در دو عکس ضمیمه مشاهده می فرمائید.

قطرات

اشك او همراه می شد و طرفداران خاص خود که عمدتاً از جوان بودند را داشت. در مورد این برنامه هم جرائد، روز بعد از پخش اولین قسمت آن مطالب زیادی نوشتند. مخصوصاً در مورد نام آن که رجحان آن را بر شو رقیب و دیگر شوهای متنوعی که تعداد آنها حالا به هفت رسیده بود و هر کدام توسط خواننده ای مشهور اجرا می شد را نشان می داد. البته انتخاب این نام در بدو شروع دکور بندی و قبل از انعقاد قرارداد با مخالفت هیئت نظارت روبرو شد و دلیل آنها هم این بود که می گفتند شوهای دیگر را در مراتب پائینتر و تحت الشعاع قرار می دهد و حالتی از توهین نسبت به آنها را نیز در بر دارد. ولی فریدون و من که برای دفاع از نام انتخابیمان رفته بودیم به این استاد کردیم که چون فریدون بنیانگذار شو در ایران و در تلویزیون ملی



سوپر پرسپولیس

دور نمودن

به مدیریت خانم ناهید رضائی

گفتار نیک پندار نیک کردار نیک

آدرس جدید

Hohestr. 41

44139 Dortmund

با U 46 ایستگاه
Saarlandstr.

Tel. 0231-9504949



دوشنبه تا شنبه: از ۱۰ صبح تا ۱۰ شب یکشنبه ها: از ۴ بعد از ظهر تا ۱۰ شب

پرسپولیس همچنان پیشتاز ارزانی با کیفیت بالاست!

استثنای سینمای ملی ایران تا یکصد و پنجاه هزار تومان هم رسید.

در این دوران ضبط برنامه ها نیز بسیار راحت تر شده بود و مثل میخک نقره ای دو تا سه روز وقت نمی برد و با تجهیزات مدرنی که خریداری شده بود حداکثر پنج ساعته یک برنامه دو ساعته ضبط و آماده پخش می شد و کیفیت تصویر و صدا هم خیلی بهتر شده بود.

خانم نوش آفرین یا همان خانم فاطمه عبدی گلنگشی تقریباً در یکی از هر سه برنامه شرکت داشت که ترانه های ایشان را آقای فریدون خوشنود می ساخت که طرفداران زیادی داشت. گروه رقص اسپانیایی که قرار دادی یک ساله با کاباره کنتینتال واقع در خیابان سپند غربی داشت با موافقت مدیر داخلی آن که فردی یونانی بنام میکالیس سالیس بود هم با توجه به طرفداران زیادی که داشت پای ثابت این سری شوها بودند. در قسمت اول این شو (یادمان هست که در اولین شوی میخک نقره ای خانم ماریا شل ستاره زیبای آلمانی شرکت کرده بود) خانم امل ساین ترک نیم ساعت از برنامه را بخود اختصاص داد که ترانه مرغان غمگین فریدون را دو صدایی اجرا کردند. این ترانه قبلاً دو صدایی با سرکار خانم عهدیه برای فیلم دل های بی آرام اجرا شده بود. ترانه شرقی غمگین فریدون که برای اولین بار پخش می شد هم به همراهی امل ساین که در کنار فریدون می رقصید اجرا شد. در شعر اولیه شرقی غمگین این عبارت به چشم می خورد "سخته توی مرداب گل آزادی کاشتن" که از سوی وزارت فرهنگ و هنر به "سخته توی مرداب گل تنهایی کاشتن" تغییر پیدا کرد.



اجرای این شو ها که طبق معمول در روزهای دوشنبه ضبط می شد فریدون را حسابی خسته می کرد زیرا از ساعت هفت صبح تا حدود یک بعد از ظهر سرپا بود و وقتی هم که پشت صحنه بود دائم باید برای برنامه بعدی و تغییر لباس و تجدید گریم و غیره انرژی صرف می کرد. شو بزرگترین نمایش هفته تا اواسط سال ۱۳۵۵ بدون وقفه ادامه داشت و برای اولین بار در آن دسته از کشورهای حاشیه خلیج فارس که تازه فرستنده تلویزیونی تأسیس نموده بودند هم قابل رؤیت بود که برای اهالی آن مناطق همانند تصویری از دنیای خیالی، عجیب و ماوراء الطبیعه می نمود! این سری شو برای تعویض دکور و تغییر ریتم اجرا و برای دوری از تکراری شدن قطع و جای خود

را پس از پنج ماه وقفه به آخرین شوی فریدون فرخزاد در تلویزیون ملی ایران یعنی "دو ساعت با فریدون فرخزاد" داد.

روزگاری بود که هنرمندان کشور ترکیه آرزوی آمدن به ایران را داشتند و وقتی طهران را می دیدند و یا به رویال طهران هیلتون هتل می رفتند گویی به شهر لاس وگاس ایالت آریزونا ی آمریکا رفته اند. قبل از خانم امل ساین آزدا پکان خواننده و سمیرا رقااص و برخی دیگر از هنرمندان آن کشور به ایران آمده و با درآمد های غیر قابل تصور مراجعت نموده بودند. از هنرپیشگان ترکیه ای هم سوزان فیلیز و کاوه تبا فیلم های مشترکی با هنرپیشگان سینمای ملی ایران بازی کرده بودند، همانطور که سرکار خانم فروزان با فخرالدین و آقای ناصر ملک مطیعی با پری ساواش هم بازی شده بودند. در سال ۱۳۴۹ هم همانطور که شرح آن در قسمت هفتم رفت استودیو یلماز فیلم استانبول عکس خانم امل ساین را برای بازی در فیلم دل های بی آرام برای ما فرستاد ولی در عمل خانم سحر که هیچ سنخیتی به عنوان رل مقابل با فریدون نداشت را به طهران اعزام نمود و ما را در مقابل عمل انجام شده قرار داد. لذا نام خانم امل ساین در اینجا بود که برای اولین بار شنیده شد. قابل توجه اینکه خانم سحر هم خود را در ابتدا امل ساین معرفی نمود ولی ما که به موضوع شک کرده بودیم با دیدن گذرنامه او متوجه حقیقت و کلاه گشادی که سرمان رفته بود شدیم. البته ما هم بی تقصیر بودیم زیرا چنین چیزی تا بحال در عالم سینما اتفاق نیفتاده بود!

ادامه دارد

فروشگاه چی چی نی در شهر کلن

بهترین و تازه ترین مواد غذایی ایرانی با مناسبترین قیمت ها



برای اطلاع از حراجی های هر ماه از فروشگاه چی چی نی دیدن فرمائید آماده پذیرش هرگونه سفارشات بصورت عمده و جزئی می باشیم

انواع برنج های مرغوب باسماقی - حبوبات - سبزیجات خشک، یخ زده و تازه، انواع شیرینیجات تازه ایرانی - انواع کنسروجات و ترشیجات،

انواع پلوپز و سماور برقی، خرمای تازه و میوه جات فصل از ایران



Venloer Str. 404
50825 Köln
www.chichini.de

Tel. 0221 - 50 28 120
Fax 0221 - 28 56 730
E-Mail: info@chichini.de

ساعات کار: دوشنبه تا جمعه از ساعت ۱۰ تا ۲۰ شنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۸



عرضه محصولات غذایی مهیار

BEHZAD بهزاد

www.A-behzad.de

نان اولین قوت انسان در همه جای جهان

گروه ما افتخار دارد که پس از
سالیان طولانی و با کسب تجارب
ارزشمند و یاری گرفتن از بهترین
لابراتوارها توانسته است همه محسنات را
در محصولات خود جمع و به مصرف کنندگان
خود عرضه نماید. البته همه می دانند که محصولی
که با صرف وقت و دقت و سعی فراوان و با کیفیت
برتر تهیه گردد بی تاثیر در قیمت تمام شدن آن نخواهد
بود. گروه تولیدی ما با ابداع و ابتکار منحصر بفرد دیگری
از نظر شبکه توزیع نیز افتخار دارد و با سر بلندی اعلام میکند
که در دنیا اولین شبکه توزیع کننده سریع و همزمان
نان و شیرینی در بیش از ۱۴ کشور اروپای از هامبورگ میباشد.
ضمناً در کلیه این کشورها دارای نمایندگی های فعال هستیم.



آقای احد بهزاد مدیریت نان بهزاد



Telefon: +49 (0) 40 / 42 10 32 27 - 28

Fax: +49 (0) 40 / 42 10 03 80

Address: Wittestr.2, 21109 Hamburg Germany

Hotel Apollo



HOTEL APOLLO
WWW.HOTELAPOLLO-FFM.COM

از هر کجای اروپا به فرانکفورت سفر می کنید
هتل آپولو در خدمت شماست

هتل آپولو

در قلب شهر فرانکفورت (نزدیک ایستگاه قطار)



MUNCHENER STR. 44
60329 FRANKFURT
AM MAIN GERMANY

TEL: +49 (0)69 432228
+49 (0)69 256 263 42
FAX: +49 (0)69 256 249 91

جدی نگیرید واسه خنده س



از اونبائی که همه ایرانی ها با هر قومیت و قبیله ای واسه ما ممتز هستنر ما تا اونبائی که شده بهای استفاده از قومیت ها از کلمه غضنفر یا بهروز فالی بند استفاده می کنیم . آله هم نشده فلامه فیلی شرمندۀ افلاق ورز شکاریتونیم

دادستان میگه: سنگدل تو وقتی داشتی زنت رو میکشتی، ندای وجدانت رو نشنیدی؟
غضنفر میگه: نه والله! بس که این زنیکه جیغ و داد میکرد مگه میداشت ما چیزی بشنوم؟

غضنفر زنگ میزنه به دوست دخترش...دختره میگه: وای که چقدر لهجت بده!
غضنفر میگه: گطع کن دوباره میجیرم

غضنفر سوار آسانسور میشه، میبینه نوشته: ظرفیت ۱۲ نفر. باخودش میگه:
عجب بدبختیه ها! حالا ۱۱ نفر دیگه از کجا بیارم؟

علی دایی میره اردبیل نون بگیره
چادر سرش می کنه اونو نشناسن
تو صف خودشو می چسبونه به یه خانم تپل
خانومه میگه علی ول کن منم رضازاده !!!

غضنفر میره امتحان رانندگی
افسر بهش میگه حرکت کن
غضنفر می زنه دنده عقب !
افسر می پرسه چرا دنده عقب میری ؟!
میگه می خوام خیز بگیرم !!!

از غضنفر می پرسن : می گذاری پسر بره دانشگاه ؟
غضنفر میگه : آره ، به شرطی که به درسش لطمه نزنه !!!

از بچه یارو می پرسن وقتی می ری سر یخچال چی می خوری؟ می گه: کتک!

به غضنفر میگن پسر تر رکورد شکونده
میگه غلط کرده من که پولش رو نیدم

گضنفر به یه دختره میگه با من ازدواج میکنی دختره میگه من لژیونم

گضنفر میگه یعنی چی؟
دختره میگه یعنی دوست دارم با دختر سکس داشته باشم
گضنفر میگه خب منم که لژیونم

غضنفر داشته نماز می خوانده دستاشو برعکس گرفته بوده
میگن چرا؟

میگه می خوام ببینم می توئم از بر بخونم

غضنفر رو داشتن به جرم قتل زنش محاکمه میکردن،

یه روز مامور سرشماری میره آبادان زنگ به خونه رو میزنه، یه پسر بچه هه با عینک ربین میاد درو باز میکنه، مامور میگه :اومدم برای سرشماری بچه هه میگه سرشماری چیه؟ میگه برو به بزرگرت بگو بیاد، میره به مرده میاد با عینک ربین! اونم نمیدونه سرشماری چیه باز میره به زنه میاد با ربین ، خلاصه آخرش یارو میگه بابا بگو همه بیان دم در قال قضیه کنده شه،
طرف میگه ولک نمیشه! میگه چرا نمیشه؟ آبادانیه میگه ولک آخه ما به ربین بیشتر تو خونه نداریم

سه نفر دیر به قطار میرسن ، دنبالش میدون ، دو تاشون سوار میشن ، سومی نمی رسه ، شروع میکنه به خندیدن . میگن چرا میخندی ؟ میگه : آخه اونا واسه بدرقم اومده بودن

از غضنفر میپرسن: میدونی چرا در قدیم شهرها دروازه داشتن؟

میگه: خوب آخه گدیم همه فوتبالیست بودن

دعاهای شبانه روزی ایرانیان

پروردگارا به کدامین ملت اینگونه لطف نمودی که وراثت سنت دانشمندان را بر آنان رهبر قرار دهی .

- خداوند ملت ما گرسنه اند اگر چه نان نفت بر سر سفره ما نیاموردی ولی ما را نعمت کارت هوشمند دادی که اسراف نکنیم و اینگونه از گناهان برحذر داشتی تو را شکر می گویم .

- پروردگارا اگر چه در این سی سال در کارخانه ها را یکسره بستی ولی در هزار مسجد گشودی تو را شکر می گویم که معنویت را به ما هدیه دادی .

- خدایا همه پا برهنه ایم ولی شادمان منتظر نیروگاه اتمی می مانیم تا دردمان دوا نماید تو را شکر می گویم که دروازه های خیال را بر ما گشودی .

- چنان پایه های شوکت ما را بلند نمودی که تمام مملکت فرنگ بر ما شوریدند . خداوندگارا تو را شکر می گویم اما بد نیست کمی تعدیل می داشتی؟

- هر چه بگویم کم است از محبت های هر سال تو اما امسال ما را خواهشیست از درگاهت که بیا و بزرگی کن این همه نعمت را در این مکان متمرکز نکن که شاید از چشم زخم حسودان ما را گزند پیدا رسد .

- بیا لطف کن این آبادگران را مملکتی دیگر محض عمران بنما ، اصلاح طلبان را سرزمین دیگری محض اصلاح از آسمان بفرست . لذت جهاد را بر امثال مردم عربستان بپشان . حماس را قیمی دیگر عطا فرما .

- پول نفت مال تو ، ما را قدری میوه ارزان مرحمت کن . اتم را همه به امرای فرنگ ببخش از برای ما همان کمی آرامش مقدر فرما . شوکت را به هر که می خواهی شوهر بده برای ما به همان اعتبار بسنده کن .

- تمدن ۲۵۰۰ ساله نمی خواهیم مردم ما را کمی فکر هوشمندانه عنایت فرما . چوپان نخواستیم گوسپندی ما را درمان نما .

- خداوند معنویتمان چنان زیاد شده که پاسبانهای سر گذر قطاع الطريق گشته اند دیگر معنویت کافیسست ما را کمی آزادی عنایت فرما .

- پروردگارا می بینی که هر چه تو نعمت می دهی ما به نصف قانع شدیم لطف بنما این نصفه را عنایت کن و لطف از این فرا تر منما .

- خداوند ۱۰۰ ملت متمدن آفریدی و ما را عضو هیچ کدام قرار ندادی تو را شکر می گویم که اینگونه قدر خوشی نداشته را به ما فهماندی .

- خداوندگارا همه ممالک دنیا را به سمت پیشرفت رهنمون شدی ، ما را عقب گرد فرمودی تو را شکر می گویم که لذت زندگی در تاریخ صدر اسلام و حتی جاهلیت قبل از آن را به ما نمودی .

- خداوند اگر چه شکمهایمان گشته است اگر چه حقوقی نمی گیریم اگر چه هزار آرزو در یک جیب و هزار تومان در جیب دیگر داریم تو را شکر می گویم که ما را از نعمت انرژی اتمی برخوردار خواهی کرد و ما را در چشم دشمنان حسود همچون خاری قرار دادی . فقط خداوند کاری نکن که ما را از چشم بیرون بیاورند و در زباله دان بیندازند .

- خداوند اگر چه ما را اجازه آزادی نفرمودی تو را شکر می گویم که طعم تلخ اسارت در کشور خود را چشاندی که در عاشورا یاد بازماندگان خاندان پیامبر را عزیزتر بداریم . خداوند تو را شکر می گویم که پول و ثروت را همه به عربستان دادی ولی در عوض ما را در اسلام ناب غوطه ور ساختی و اینگونه عدالت فرمودی .

- خداوند اگر آزادی نداریم ، اگر هر روز بر سرمان می کوبند لا اقل چندین مجلس داریم و هر سال دعوت چوپانان جامعه را لبییک گفته رای می دهیم پروردگارا تو را شکر می گویم که به ما نعمت انجام واجبات اعطا نمودی .

- خداوندگارا تو را شکر می گویم که به ما نجابتی همانند اسبان ، وفاداری همچون سگان ، اجماعی همچون گوسپندان و هوشی همچون ماهیان آموختی و بدین وسیله اشرف مخلوقات خود کردی .

- گویند اگر کسی در عمر خود جهاد نکند و آرزوی آن نیز نداشته باشد کفر ورزیده خداوند تو را شکر می گویم که ۱۰۰۰ دشمن بر ایمان آفریدی و هر روز به تعدادشان می افزایی طوری که هر روز مرگ خود را در مقابل چشم داریم و جز جهاد در راه تو راهی نداریم .

- خداوندگارا وارثان سنت انیشتین را بر ما مسلط نمودی که دانشمان بسیار افزودند .



درمورد ماساژ چه میدانید؟

ماساژ سوئدی به این شکل انجام می‌شود که ابتدا فرد با لباس و یا لباس زیر روی یک تخت مخصوص دراز می‌کشد. ماساژور عموماً می‌پرسد که آیا فرد دوست ندارد برخی بخش‌های بدنش لمس شود. در صورتی که پاسخ مثبت باشد، این مناطق با یک حوله پوشانیده می‌شود. بدن روغن مالی می‌شود. البته نور ملایم، موزیک و شمع نیز با این مراسم همراه هستند که استفاده از آنها اختیاری است.

در ماساژ سوئدی از پنج تکنیک متفاوت استفاده می‌شود. روش ضربه‌ای که می‌تواند ملایم یا قوی باشد. در روش ورز دادن از انگشتان و شست برای اعمال فشار به صورت دایره‌ای استفاده می‌شود. روش مالشی خشن‌تر است. در این روش درمانگر از کف دست و یا حتی ساعد یا بازو برای وارد کردن نیرو استفاده می‌کند. در روش شلاقی ضربات سیلی مانند به صورت ریتمیک و یا به شکل تلنگر به منظور تحریک بافت‌های عمقی وارد می‌شوند.

ماساژ درمانگرها زمینه‌های آموزشی متعددی دارند. بسیاری مطابق استانداردهای وضع شده به وسیله انجمن ماساژ درمانی آمریکا آموزش دیده‌اند. نهادهایی از قبیل کمیته اعتباربخشی ماساژ درمانی بر این امر نظارت داشته و در بسیاری از ایالت‌ها ماساژ درمانگرها نیاز به دریافت پروانه کار دارند. ماساژ صد درصد سوئدی به‌طور معمول در مراکز خاصی چشمه آب معدنی، کلپ سلامت، ورزشگاه یا کلینیک انجام می‌شود.

درمانگرها همچنین ممکن است تخت‌های قابل حمل را به خانه متقاضیان ببرند. یک جلسه به‌طور معمول به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه طول می‌کشد. ماساژهای کوتاه‌تر و ارزان‌تر در بسیاری از مکان‌ها از فرودگاه‌ها و هتل‌ها گرفته تا مراکز خرید انجام می‌شوند. در این شرایط، مشتریان با لباس‌های معمولی روی صندلی مخصوص ماساژ می‌نشینند. بسیاری از سایر انواع ماساژ هرکدام با اهداف و ادعاهای خاص خود وجود دارند. این انواع شامل ماساژ عصبی-عضلانی، ماساژ ورزشی، ماساژ بافت‌های عمقی، ماساژ عضلات صورت و عضله درمانی هستند. دستکاری‌های بافت نرم همچنین در بسیاری از سایر روش‌ها صورت می‌گیرد.

اهداف

طرفداران ماساژ درمانی عقیده دارند که ماساژ بدن را قوی کرده، بافت‌های صدمه دیده را قادر می‌سازد به حالت طبیعی بازگشته و خود را ترمیم کنند. تئوری‌های زیادی برای توضیح این امر وجود دارند که از آن جمله می‌توان به بهبود گردش خون، خارج شدن سموم از بدن، کاهش تنش، خواب بهتر و فوایدی برای متابولیسم و سیستم ایمنی یاد کرد. پرو پا قرص‌ترین طرفدارها ادعا می‌کنند که ماساژ می‌تواند به بهبود عملکرد تقریباً تمامی بخش‌های بدن کمک کند.

مانی‌دانیم چه کسی برای اولین بار از مشت و مال یا ماساژ استفاده کرد و چرا اما ماساژ هنری قدیمی است که به طلوع تمدن بازمی‌گردد. با سیری در تاریخ متوجه می‌شویم که ماساژ در تمام ملل با فرهنگ‌های متعدد مرسوم بوده و شاید دلیل رواج آن عامه‌پسند بودن آن است، در گذشته مردم بدون اینکه از تاثیرات فیزیولوژیکی و درمانی ماساژ آگاهی داشته باشند و از آن استفاده می‌کردند، برای مثال در ضرب‌دیدگی‌ها اولین اقدام تکان دادن و یا مالش عضو صدمه دیده بوده است.

تاریخچه ماساژ به حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. در متن کتاب امپراتور زرد (کتاب مرجع طب داخلی چین) برای درمان فلج، تب و لرز به ورزش، ماساژ پوست، عضلات و نیز تمرینات روی دست و پا توصیه شده است.

بقراط در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد ضرورت استفاده از مالش را به‌عنوان یک درمان، به‌خصوص در درمان آسیب‌های ورزشی و جنگی به پزشکان گوشزد کرد، اسناد قدیمی دال بر استفاده ژاپنی‌ها و نیز سایر تمدن‌ها مانند مصر، روم و عرب از ماساژ درمانی موجود است.

ماساژ درمانی به صورت نوین و علمی به وسیله هنریک لینگ (۱۸۳۹-۱۷۷۶ بر پایه ماساژ و ورزش بنیان نهاده شد. دو برادر پزشک آمریکایی به نام جورج و چارلز تیلور پس از تحصیل در سوئد، در سال ۱۸۵۰ این رشته را به آمریکا معرفی کردند، در ملل و اقوامی که در گذشته از ماساژ استفاده می‌کردند می‌توان از مصری‌ها، ایرانیان، یونانیان، چینی‌ها، نام برد و همین‌طور از میان دانشمندان و اطباء قدیمی که از تکنیک‌های ماساژ استفاده می‌کردند می‌توان به بقراط و ابوعلی سینا اشاره کرد. بقراط به نتایج سودمند مالش و ماساژ در تأمین و بازگرداندن نیروی عضلانی افراد تا حدی پی برد و برای درمان بعضی از عوارض مفصلی و عضلانی از این روش استفاده کرد. او می‌نویسد: «پزشک باید در خیلی چیزها تجربه داشته باشد که یکی از آنها به‌طور قطع ماساژ دادن است.»

امروزه نیز از ماساژ با اهداف متعدد و به شکل وسیع و گسترده‌ای استفاده می‌کنند و به ویژه در درمان دردهای عضلانی و مفصلی جایگاه ویژه‌ای را نسبت به سایر روش‌های درمانی به خود اختصاص داده است و همچنین در توانبخشی و بازتوانی بیماری‌های متعدد به شکل خاص به کار می‌رود.

روش‌ها

پزشکان ماساژ را دستکاری بافت‌های نرم بدن می‌دانند که سبب کاهش ناراحتی و تنش و ارتقای سلامت و بهبود می‌شود. این تعریف یک تعریف گسترده است و حداقل ۸۰ نوع متفاوت ماساژ را در بر می‌گیرد. ماساژ سوئدی هنوز بر اساس نظامی که لینگ ابداع کرد، انجام می‌شود و گسترده‌ترین روش به کار رفته در آمریکا است.



حتی متضاد است. اولی اصول پیروی از طبیعت را می‌آموزد و دومی جدال علیه طبیعت را. اساس این مکتب که به وسیله بزرگ‌ترین مبین آن لائوتزو معرفی شد، بر تعادل است. علم سلامت دائو، فنگ‌شویی، تایچی، چی‌کونگ و فالون دافا از صرفصل‌های این مکتب است. یکی از فصول این دانش، علم ماساژ است. ماساژ پیش از آنکه جنبه درمانی داشته باشد، خود نوعی طب پیشگیری است. یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید پزشک بیماری را درمان می‌کند و طبیب از بروز بیماری جلوگیری می‌کند، بنابراین ماساژ هم طبابت (پیشگیری) و هم پزشکی (درمان) است. ماساژ درمانی به انسان به عنوان یک کل به هم پیوسته می‌نگرد. دیدگاه کل انگار و یکپارچه این دانش آن‌گونه است که میان بیمار و بیماری تمایز قایل می‌شود. ماساژ هر دو جنبه فیزیکی و روانی را در برمی‌گیرد و در هر جنبه تأثیرات خاص خود را بر جای می‌گذارد.

نتایج

برخلاف کاربرد گسترده ماساژ، تنها عده کمی از بررسی‌های علمی اثربخشی آن را ارزیابی کرده‌اند. رایج‌ترین کاربردهای درمانی شامل کاهش ناراحتی‌های عضلانی و رفع تنش هستند. اگرچه بسیاری از مردم از ماساژ برای درمان دردها و گرفتگی‌های عضلانی پس از ورزش، به منظور انجام بهتر حرکات ورزشی یا بازتوانی آسیب‌ها استفاده می‌کنند، مستندات علمی ناچیزی وجود دارند که برتری این روش را بر روش‌های روان‌شناختی و تقویت اعتماد به نفس نشان می‌دهند.

بر طبق نتایج به دست آمده از یک بررسی، ماساژ ممکن است برای کمردرد مداوم بدون علت مشخص سودمند باشد. مطالعه دیگری اثربخشی آن را بر کاهش تنش‌های روانی تایید کرده است اما این روش برتر از موسیقی آرام‌بخش نبوده است.

بالاخره چند بررسی کوچک نشان داده‌اند که ماساژ می‌تواند در کاهش ناراحتی حاصل از فیبرومیالژی، اضطراب و دلهره شدید همراه با برخی درمان‌های طبی و علائم میگرن موثر باشد. همچنین درباره فواید متعدد آن در طب کودکان و بیماری‌های زنان و زایمان ادعاهایی شده است. برای تحقیق اثربخشی ماساژ در پیشگیری یا درمان بیماری‌ها نیاز به بررسی‌های بسیار بیشتر است. متأسفانه این روش‌ها دشوار، کند و پرهزینه هستند. حتی با علاقه دوباره به طب مکمل، تا درک کامل فواید و محدودیت‌های ماساژ درمانی راه زیادی باقی است. اما برای بهره‌مند شدن از ماساژ نیازی نیست که تا اعلام نظر دانشمندان صبر کنید.

تنش و ناراحتی عضلانی، واکنش فرد به وقایع بیرونی و درونی هستند. ممکن است دانشمندان نتوانند دقیقاً به شما بگویند که آیا ماساژ ساختمان یا کارکرد بدن شما را بهبود می‌بخشد یا نه اما آنچه مسلم است اینکه می‌توان از این روش همراه درمان‌های پزشکی استفاده کرد و از فواید آن بهره‌مند گردید.

• برخی فواید ماساژ

■ رفع خستگی

■ ایجاد آرامش

■ بهبود جریان خون در بدن

■ کاهش استرس و تنش‌های روزانه

■ تقویت عضلات و برنامه‌های توانبخشی

■ ایجاد طراوت و شادابی پوست

■ کمک به رفع مشکلات بدخوابی

■ درمان سیاتیک، کمردرد، آرتروز

■ تمدد اعصاب

■ کاهش خطر ابتلا به واریس در افراد مستعد

■ دادن فرم و زیبایی به ماهیچه‌ها و جلوگیری از به‌وجود آمدن شکل نامناسب ستون فقرات

منافع ماساژ

حتماً تا به حال اتفاق افتاده که دست یا پایتان به صورت اتفاقی به نقطه‌ای اصابت کرده و دردی شدید در آن ناحیه احساس کرده باشید. آیا به یاد می‌آورید که اولین واکنش شما پس از حادثه چه بوده است؟ دست شما به صورت ناخودآگاه شروع به ماساژ ملایم منطقه آسیب‌دیده کرده است. به راستی مکانیزم آرایش عملی که اینگونه ناخواسته انجام می‌شود چیست؟ لمس، مالش و ماساژ یک نقطه ملتهب چگونه به التیام و خوداصلاحی آن موضع کمک می‌کند و فرآیند درمانی چنین عملی چیست؟



پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها از اعصار پیشین مورد توجه دانشمندان شرق دور بوده است و براساس همین سوالات بود که سیستم‌های درمانی بسیار غنی و عمیق از قرن‌ها پیش به یاری بشر آمده که امروزه به عناوین و القاب متعدد در میان بشر جلوه می‌کند. یکی از مکاتبی که پس از گذشت اعصار، فریادرس بشر در مقابل بیماری‌ها و رنج‌های او بوده، مکتب دائو است. عالمان تاریخ پیشینه این مکتب را از پنج تا هشت هزار سال پیش می‌دانند.

امروزه دورویکرد کاملاً متفاوت از این مکتب وجود دارد، یکی بعد فلسفی و عمیق‌تر آن به نام دائوچیا و دومی بعد مکتبی و دینی به نام دائوچیانو. تعالیم این دو با هم متفاوت و

قصد شاه در خروج از ایران، مذاکره با رییس جمهور آمریکا بود!

در نیمه راه «جیمی کارتر» نیرنگ زد و سر شاه را به تاق کوبید و مانع از ورود او به آمریکا شد!



هدیه محیط خویش کرد و مملکت در امر سازندگی ترقی شایانی نمود.

کتاب شهبانو در خصوص این که «چرا شاه رفت؟» رسا نیست و این ناشی است از سمت نایب السلطنه‌ای ایشان و نقش خاص ملکه در امور.

اردشیر زاهدی وزیر خارجه پیشین، آخرین سفیر ایران در آمریکا، داماد پادشاه، شخصیت شناخته شده بین المللی در یک گفتگوی اختصاصی به نویسنده این گزارش گفت: «من عاشق پادشاه بودم و هستم، تمام بدن من، روح من ملکن من است و معتقدم اگر اعلیحضرت ایران را ترک نمی‌فرمودند ارتشی که آن همه برایش زحمت کشیده شده بود برای استقلال مملکت از هم نمی‌پاشید!

او می‌گوید: «من معقد بودم اگر اعلیحضرت در مملکت می‌ماند هیچ به ارتش صدمه‌ای نمی‌خورد، ارتش نسبت به شاه وفادار و علاقمند بود و هم به مملکتش سوگند خورده بود اگر اعلیحضرت ایران را ترک نمی‌فرمودند خمینی جرأت نمی‌کرد به ایران بیاید و در پایان عرض می‌کنم که من آتیه ایران روشن و افتخارآمیز می‌بینم». دکتر کاظم ودیعی استاد دانشگاه و وزیر پیشین که از فعالان آن زمان، عضو شورای مرکزی گروه اندیشمندان بود در هزار و پانصد صفحه خاطرات خود را در کتابی به نام «شاهد زمان» نگاشته است می‌گوید: «مسئله پادشاه ایران و ماندن و رفتن ایشان» ملی و «جهانی» شده بود و بعد نقل می‌کند که در جلسه نیمه شب

قرار گیرد. تا این را گفتم شاهنشاه همین طور که ایستاده گوش می‌دادند، فرمودند: رادیو تلویزیون که در اختیار من نیست!

من تا این را شنیدم خشکم زد. ایشان را چه می‌شود؟ از کی اینطور شده‌اند؟ دیگر ندانستم چه گفتم و چه شنیدم رادیو تلویزیون که در اختیار من نیست!! همین طور این گفته توی مغزم مانند صدایی که به کوه خورده برگردد، می‌پیچید نمی‌دانم بعد از من که از بهاری شرفیاب شد چه گفت و چه نشید در آن زمان رادیو تلویزیون ایران را رضا قطبی پسردایی شهبانو اداره می‌کردم».

زمانی می‌گفتم تاریخ ما را دیگران می‌نویسند، آیا این بار هم باید دیگران بنویسند؟

چه کسی تاریخ ما را خواهد نوشت و چرا ما مثل کشورهای مرفعی (بانک خاطرات) نداریم؟

بزرگترین سؤالی که در ذهن مردم ایران هنوز زنده است و باز هم آن را از همه می‌پرسند و هر جا گرد هم می‌آیند آن را موضوع بحث قرار می‌دهند این است که «چرا شاه رفت»؟

در اینجا نظر صاحب نظران را نقل می‌کنم: «کهن دیوار» کتاب شهبانو، آینه‌ای است تمام نما از کشوری آباد و آزاد ولی «اسرار مگو» در آن کتاب کماکان در پرده ابهام مانده است.

شهبانو آنچه از ترقی خواهی می‌دانست

توصیه‌های کارساز!

دکتر پرویز عدل سفیر ایران در برزیل و کانادا در کتابی - که تحت عنوان «خانه ما در فیشرآباد» منتشر کرده و در تهران نیز توزیع گردیده است - در صفحه ۱۷۲ چنین می‌نویسد:

«از آنجا که فکر کردم این خاطرات ممکن است برای پژوهشگرانی که در جستجوی درک روحیات شاه در آن روزهای بحرانی می‌باشند ارزنده باشد و من حق ندارم این خاطرات را با خودم به زیر خاک ببرم می‌نویسم:

«بعد از ظهری که شرفیات می‌شدم در دفتر انتظار شاه در کاخ نیاوران تیمسار بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی، خوش کیش رئیس بانک مرکزی، از بهاری نخست وزیر، حسین دانشور و ملک شاه ظفر و امیر رستم بختیار حضور داشتند.

آقای دکتر امیراصلان افشار رئیس کل تشریفات هم می‌آمدند و می‌رفتند. از بهاری که روی یک صندلی نشسته بود خیلی برافروخته به نظر می‌آمد در این موقع یکی از آجودان‌ها مرا راهنمایی کرد در اتاق را باز کرد و من وارد شدم.

اعلیحضرت وسط اتاق ایستاده بود جلو رستم دستشان را دراز کردند بوسیدم و گفتم: قربان امر بفرومائید تمام روزنامه‌ها تعطیل شوند. مصباح زاده و مسعودی هم خودشان از این کار استقبال خواهند کرد زیرا کنترل روزنامه‌ها از دستشان خارج شده و عناصر چگ و مخالف روزنامه‌ها را اداره می‌کنند. دولت هر روز خودش یک روزنامه دولتی منتشر کند. رادیو و تلویزیون به تصرارتش درآمد و مارش‌های هیجان‌انگیز بزنند. محکم و با روحیه قوی صحبت کنند حتی تلفن‌ها باید قطع شود. دستگاه‌های دولتی می‌توانند با بی‌سیم و دستگاه‌های مخصوص با هم تماس بگیرند. با تلفن است که مخالف‌ها به یکدیگر خبر می‌دهند فلان جا، فلان ساعت برای تظاهرات یا راهپیمایی جمع بشوند از همه مهمتر رادیو تلویزیون است که به صورت دستگاه تبلیغاتی دشمنان درآمده است و باید فوراً در اختیار ارتش



ناصر امینی
روزنامه‌نگار - دیپلمات

آزردگی خاطر شاه

ساعت ۵ بعد از ظهر بود که من به حضور اعلیحضرت شرفیاب شدم تا من در را باز کردم و تعظیم کردم قبل از این که با من دست بدهند فرمودند:

- شما چطور جرأت کردید به دیدن من بیایید؟

من دستپاچه شدم گفتم: اعلامیه شما را در روزنامه‌ها خواندم امروز دیگر کسی جرأت نمی‌کند چنین حرف‌هایی بزند! فرمودند: دستور داده‌ام متن آن را در رادیو تلویزیون منعکس کنند!

روز بعد ساعت ۸ صبح در اتومبیل بودم که به وزارت علوم می‌رفتم تلفن دستی من زنگ زد اعلیحضرت پای تلفن بودند.

عرض کردم: چون توی اتومبیل هستم و گارد و راننده هست استدعا می‌کنم به زبان فرانسه صحبت کنید!

اعلیحضرت فریاد کشید: رادیو را شنیدید؟ عرض کردم: خودتان امروز فرموده بودید آن اعلامیه از رادیو تلویزیون پخش شود! با ناراحتی گفتند: آن آهنگ انقلابی شعر ملک الشعرای بهار را که پس از خواندن اعلامیه گذاشتند نشنیدید؟

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید، قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید که دم از استبداد سلطنت می‌زد!

آخرین کلام شاه در تلفن این بود: «کاری نکنید» او گوشی تلفن را قطع کردند.

من از اتومبیل فوری به دکتر عاملی زنگ زدم.

پخش این فیلم‌ها شاه را آزرده خاطر می‌کرد ولی گوش شنوایی نبود و رضا قطبی رئیس رادیو تلویزیون حتی به تلفن‌های مکرر دکتر عاملی جواب نداد.

فقط ایران بلکه خاورمیانه به آتش کشیده خواهد شد. و فرمودند این به طور خلاصه برنامه‌ای است که ما در پیش داریم ضمناً اگر لازم باشد یک معاینه پزشکی هم خواهیم کرد این خلاصه ماقوع است.

متأسفانه این مسافرت به علت توقف در آسوان در بین راه عملی نشد و جیمی کارتر زیر قولی که داده بود، زد. در اینجا باید عرض کنم که پیشنهادات شخصیت‌هایی که در ایارن می‌خواستند اعلیحضرت در کشور بمانند به همین دلیل که گفتم که ایشان مصمم بودند از راه مذاکره با مقامات آمریکا راه حلی برای این بحران پیدا کنند، مورد قبول واقع نشد و اعلیحضرت که در برنامه‌شان اقامت خود به مدت سه ماه در خارج از ایران را در نظر گرفته بودند کشور را ترک گفتند.

این بود عین جریانی که من حضور داشتم و شاه بودم حال اگر در فرصت‌های دیگر اعلیحضرت فرمایشات دیگری فرمودند یا آقایان پیشنهادات دیگری کردند، بنده آگاهی ندارم ولی مطمئن هستم اگر جیمی کارتر با یک نیرنگ به عنوان مذاکره درباره کمپ دیوید تقاضا نکرده بود که اعلیحضرت به آسوان برود و با سادات ویا خود رئیس جمهور سابق آمریکا مذاکره کند و بعد مانع ورود اعلیحضرت به آمریکا شوند ممکن بود مذاکرات اعلیحضرت نتیجه مطلوب را داشته باشد.

این مسائل که در بالا ذکر شد هنوز از مهمات تایخ معاصر ایران است من سعی می‌کنم به این مطلب باز آیم از همه علاقمندان دعوت می‌کنم چراغی در این تاریکی روشن کنند.



عقیده دادند و از هاری نخست وزیر شد. در اواخر دوره نخست وزیری از هاری که ضمناً صحبت از بختیار بود و با وخیم‌تر شدن اوضاع برای اولین بار اعلیحضرت به من فرمودند: من با سفیر آمریکا مذاکره کردم و از او خواستم موافقت دولت آمریکا را برای مذاکره برای ما تحصیل نمایند.

چند روز بعد سفیر آمد و گفت: مسافرت اعلیحضرت به آمریکا مانعی ندارد و برای ماه ژانویه پس از تعطیلات ژانویه و نوئل عملی است و اعلیحضرت در فرودگاه نظامی نزدیک واشنگتن وارد و از آنجا به منزل دوستان سفیر سابق آمریکا در انگلستان با هلیکوپتر خواهند رفت. سپس اعلیحضرت اضافه فرمودند: اینک شما ترتیب این مسافرت را بدهید و تنها خودتان با من باشید. می‌خواهم با مقامات کاخ سفید، وزارت خراج، سی.آی.آی، پنتاگون، کنگره مذاکره کنم وضع ایران و خاورمیانه را برای آنان روشن کنم و بگویم آقایان شما همه در اشتباه هستید بیاید در این باره فکر کنید اگر کوتاهی شود نه

کاخ سعدآباد اعلیحضرت گفتند: مردم شعارشان مرگ بر شاه است و متفقین هم ما را رها کرده‌اند. خوب که فکر کنیم می‌بینیم ناگزیر از رفتن بودند.

آرزوی واقع بینان و مصلحان و علاقمندان به ایشان این بود که شاه جایی در خارج از کشور پیدا کند و جان به سلامت برد: افسوس!

تغییر عقیده شاه؟

دکتر امیراصلاح افشار سفیر ایران در آمریکا، آلمان، اتریش، مکزیک، رئیس شورای احکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در وین، نماینده مجلس شورای ملی، رئیس کل تشریفات سلطنتی که به امر اعلیحضرت تنها فردی بود که با شاه حتی هنگام درگذشت در مصر در خدمتشان بود می‌گوید (برای تکمیل این گزارش یک گفتگوی تلفنی با ایشان انجام دادم به شرح زیر):

درباره عزیمت شاه از ایران بسیار گفته می‌شود و هر کس به نحو دیگری سخن می‌گوید. آنچه را که من می‌دانستم به طور مفصل در برنامه مصاحبه‌ها گفته و در نشریه‌ها نوشته‌ام. در اینجا مجدداً تکرار می‌کنم که:

آنچه را که درباره عزیمت شهاب یان کرده‌ام بدون کم و کاست بخش فرمایشاتی است که اعلیحضرت همایونی به من فرموده‌اند و چیزی به آن اضافه نکرده‌ام. گوا این که شغلی را که دارا بودم یک شغل تمام وقت حضور شاهنشاه بود ولی مطمئن هستم شاهنشاه در فرصت‌های دیگر با شخصیت‌های مختلف نیز مذاکراتی فرموده‌اند که از محتوای آن اطلاعات

دقیقی ندارم.

روزی که در حضور آقای کامیز آتابای، سپهد هاشمی نژاد، سرلشگر خسروداد، سرهنگ جهان بینی و سرتیپ معین زاده، زانو زده و پای شاه را گرفتم به طوری که مانع حرکت ایشان شد عرض کردم: اعلیحضرت استدعای ما این است که اعلان موقع آن رسیده که اوامری اتخاذ فرمائید کشور دارد از بین می‌رود تمام شهر می‌سوزد و مردم بیچاره شده‌اند بانک‌ها و مغازه‌ها را به آتش می‌کشند و شهردار تهران شهرستانی هم که سه هفته قبل هنگام مسافرت رسمی رئیس جمهور چین به ایران در میدان شهید کلید شهر تهران را به نامبرده داد.

بالای سردر شهرداری روی پارچه سفید با خط درشت «هم بستگی خود و کلیه کارمندان را با تظاهرکنندگان» اعلام کرد. اعلیحضرت ناراحت شدند و فرمودند: بسار خوب به او سی بگوئید در دفتر باشد! این حرف ما را امیدوار کرد که بعداً به طوری که به تفصیل نوشته و گفته‌ام تغییر

مجله رنگارنگ یکبار مصرف نیست و هر شماره آن سالها در منازل فارسی زبانان نگهداری می شود.
با خرید، آبونمان شدن و دادن آگهی‌های تبلیغاتی خود حضور این نشریه را تداوم بخشید.



INTERNATIONAL PHONE CARDS



Iran From 4.9¢



Africa From 5.9¢

Customer Service: 0221-320-36-939
CHESHMEHTEL.COM



نقش بیگانگان در انقلاب ایران

فرخ فروزین

۱ - آقای رونالد ریگان: «این سیاست غلط ما در ایران که باعث سقوط شاه شد، لکه تاریکی در تاریخ آمریکا است. بر اثر همین سیاست غلط بود که یک دوانه متعصب توانست در ایران بر سر کار آید و با بی‌اعتنائی کامل به حقوق بشر، هزاران نفر از مردم این کشور را به دست جوخه‌های اعدام بسپارد.»

۲ - جرج بوش معاون رئیس جمهور سابق آمریکا: «این رئیس ج مهور آمریکا بود که فرش را از زیر پای شاه کشید، اظهارات ضد و نقیص او و شل کن سفت کن هایش خروج شاه را الزامی کرد، زیرا سیاست نوسان پرشکوه دولت آمریکا و تغییر جهت‌های منظم آن رابطه ایالت متحده را با متحدانش قطع کرد.»

۳ - ریچارد نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا: «در مورد خاص ایران عقیده دارم که ایالات متحده آمریکا اشتباهات سنگین دیگری را نیز مرتکب شده است، درجه اول با اتخاذ یک سیاست کاملاً متغیر و متزلزل، یعنی این سیاست که صبح ادعای پشتیبانی قاطع از رئیس این کشور را بکند و عصر او را با مشکلات تازه‌ای که برایش بوجود آورده است تنها بگذارد و شب ژنرال هایزر را به کشورش بفرستد تا ارتش را فلج کند و صریحاً به فرماندهان ارشد آن بگوید که اگر پس از عزیمت شاه از ایران قصد تلاشی برای روی کار آوردن یک رژیم تازه هوادار غرب در این کشور داشته باشند، نباید منتظر هیچ نظر موافقی از جانب آمریکا باشید!!!!»

۴ - جیمی کارتی رئیس جمهور سابق ایران: «در جریان حوادث ایران، من غالباً بر سر این دو راهی قرار می‌گرفتم که آیا در بحرانی که شاه با آن روبرو بود از او به طور کامل حمایت کنم یا طبق سیاست مزورانه که سالیوان سفیر ما در تهران، به من توصیه می‌کرد، به پشتیبانی لفظی از او اکتفا ورزم.»

۵ - برژینسکی رئیس شورای امنیت سابق آمریکا: «هنگامی که بحران ایران در دستگاه حکومتی آمریکا به صورت یک کشمکش قدرت میان کاخ سفید و وزارت امور خارجه درآمد، اختیار به دست کسانی افتاد که مصمم بودند یک انقلاب کامل و تمام عیار در ایران صورت می‌گیرد. مثلاً پاسخ‌های وزارت خارجه به درخواست‌های سالیوان سفیر ما در تهران، بیش از هر چیز بر این تکیه داشت که ما باید شاه را برای تشکیل یک دولت ائتلافی در فشار بگذاریم و حتی به او فشار بیاوریم که در مورد آینده سلطنت یک فرمانروا ترتیب دهد و همچنین تاکید کرده بود که یک رهبر مخالف نخست‌وزیری را عهده‌دار شود. از نظر من همه این خواسته‌ها صدور جواز برای به راه انداختن یک قیام سیاسی همه جانبه علیه شاه بود که تحت حمایت آمریکا انجام گرفت.»

۶ - هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا: «چه بخواهیم و چه نخواهیم باید دانسته باشیم که شاه در مدت ۳۷ سال سلطنتش متحد خوب ما در منطقه خاورمیانه بود و با این وصف، فشارهای روزافزون ما بود که او را از تاج

در شرایط تبلیغات کنونی امروز انقلاب اسلامی پس از سی و دو سال توسط خودفروختگان جمهوری اسلامی، باید زمینه‌هایی فراهم آوریم و حاصل بررسی‌ها و مطالعات خود را در معرض دید و قضاوت همگان بگذاریم تا گروه‌هایی قانع شوند و در باره حوادث ایران اندیشه کنند و باورهای غیرحقیقی نسبت به رویدادهای ایران را در اذهان هموطنان اغفال شده خود بکشیم به ویژه آن دسته که انقلاب ۱۳۵۷ در ایران را انقلاب مردمی نام نهادند و روشن سازم که آیا بیگانگان در سقوط ایران ناظر بیطرف بوده‌اند و یا خود پایه‌گذار و مسبب آن.

بی‌جا خواهد بود که به جای بیگانه از واژه استعمار نام برده شود، آن هم به دلایل بسیار از گذشته تا امروز که شاهد و ناظر آن در منطقه‌ای وسیع از خاورمیانه می‌باشیم که تمامی طرح‌ها زیر پوشش مذهبی انجام می‌گیرد که بدون تردید استعمار برای کسب چنین تسلطی نیازمند شرکای داخلی می‌باشد و از طریق آنهاست که پایه‌های حکومت و حاکمیت خود را از جهات روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر جامعه مورد نظر تحکیم می‌بخشد.

آن زمان که هم دستی سیاست‌های شرق و غرب برای تغییر رژیم پادشاهی در ایران به توافق انجامید تمامی قشرهای جامعه به ویژه روشنفکران و آزادیخواهان این انقلاب دگرگونی حکومت را به نام خود خواندند و به ثبت رسانیدند و زمانی کمتر از چند ماه از استقرار جمهوری ننگین اسلامی نگذشته بود که تمام چاکران و سینه چاک دهندگان جامعه دریافتند چه اشتباه و خیانت بزرگی را با وابستگی به استعمار نمودند، نافگته نماند که در طول این ۳۲ سال با علم و دانائی به این خودفروختگی جرأت اقرار و گفتن این حقیقت بزرگ را برای ملت نجیب ایران حتی برای جبران و روشن شدن در تاریخ را هم ندادند.

اما تعدادی از فریب خوردگان که ادعای شعور و روشنفکری داشتند در همان اوایل شورش ملایان عرب پاداش خوش رقصی و سرسپردگی خود را از دست امام کذاب دریافت کردند و تعدادی از این دست با تغییر چهره از قبیل بزرگ کردن و چادر به سر کردن ... از کشور انقلابیانشان فرار را بر قرار ترجیح دادند و امروز در خارج از ایران ادعای رهبری ملت را دارند.

اما نقش استعمارگران با همکاری و هم سوئی عوامل داخلی و نظرات بیگانگان در پس این سالیان با استناد به اظهاراتشان فهرست وار از نظر خوانندگان عزیز رنگارنگ می‌گذرد، شاید هنوز کسانی باشند که سهم بیگانگان با استعمار را در این ماجرا انکار می‌کنند باشد تا اینان بر پندار و باور خود باقی بمانند. آنچه در زیر فهرست وار می‌خوانید نمونه‌ای از این شواهد تاریخی و سیاسی انقلاب ۵۷ هستند که امضاء کنندگان و نویسندگان کتابهای خاطرات سیاسی خود می‌باشند از این تعداد سه رئیس جمهوری، یک معاون رئیس جمهور، دو وزیر خارجه، یک رئیس شورای امنیت، دو سفیرکبیر و چندین استاد دانشگاه و روسای سازمانهای بین‌المللی.

و تختش برکنار کرد. جای تعجب نیست اگر رهبران دیگر این منطقه از اینکه روزی آمریکا با آنان نیز همین معامله را بکند، نگران شوند و به سراغ متحد قابل اعتمادتری بروند.»

۷ - ژنرال الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا و فرمانده نیروهای پیمان آتلانتیک در اروپا: «ما با سیاست غلط خود، یا به عبارت بهتر با فقدان هرگونه سیاستی براساس سر باز زدن از رویارویی با واقعیت‌ها توانستیم نیروهای چپ را برای مخالفت با حکومت ایران متحد کنیم و نیروی راست را نیز به سردرگمی و بی‌تکلیفی بکشانیم. این ما بودیم که باعث سقوط شاه شدیم و ایران را به گورستان تاریخ فرستادیم.»

۸ - جعفر نمیری رئیس جمهوری پیشین سودان: «آمریکا خودش به طور مستقیم در سازمان دهی و آموزش افراد سازمان امنیت ایران در سالهای اولیه شرکت داشت و در طول سالها رویایهای وطنپرستانه شاه را برای تبدیل کشور به یکی از قدرت‌های درجه اول جهان تشویق کرد، ولی به محض آنکه وضع در ایران رو به وخامت گذاشت، شاه را رها کردند و به شتاب درصدد ایجاد یک سیستم جانشین برای رژیم سلطنتی برآمدند.»

۹ - ولادیمیر بوکوفسکی نویسنده نامدار روس: «لیبرالها کارتر را قانع کردند که باید شاه از ایران برود و به او اطمینان دادند که با رفتن او انقلابی هم رخ خواهد داد، اما در عمل میلیونها نفر کشته شده و یا مجبور به ترک وطن شدند، فقط به خاطر آنکه موعظه‌های اخلاقی لیبرالها و داوری‌های احمقانه آنها چنین اقتضا می‌کرد.»

۱۰ - جیمی کارتر: «در حالی که من با نظر شاه موافق بودم که مسافرت او از ایران باید پس از تشکیل یک دولت ثابت و طبق برنامه و همراه با حفظ شئون او انجام گیرد، سالیوان توصیه می‌کرد که با نظر شاه مخالفت کنیم و مصرأ از او بخواهیم به فوریت ایران را ترک گوید و به موازات آن سعی کنیم با آیت‌الله خمینی دوستی و هم پیمانی برقرار نمایم.»

آری، تمامی این اعترافات و اشتباهات دانسته و عمدی در مورد ایران به لحاظ دست یابی به ثروت زیرزمینی ایران یعنی نفت بود، همانطور که امروز شاهد و ناظر این قدرتهای نفتی استعمارگر در خاورمیانه می‌باشیم که حضوری شفاف و چشمگیر در منطقه دارند.

دنباله این حقایق مستند تاریخی را در شماره آینده به نقش و گفتار روشنفکران و رهبران سیاسی جامعه ایران، در به ثمر رساندن شورش ننگین و خونبار اسلامی ادامه خواهیم داد

دلتان می‌خواهد بچه‌های مردم را بازهم سلاخی کنند؟

گور فرزندان‌شان را پیدا کنند و با درآغوش کشیدن سنگ گوری به یاد سروهای آزادشان گریه کنند؟
از آمریکایی‌ها چه می‌خواهید؟ کشتار دوباره‌ی جوانان را؟
چه دل بزرگید خانم‌ها و آقایانی که می‌خواهید این بچه‌ها دوباره سلاخی شوند. چگونه راضی می‌شوید که مادران خسته و چشم در راه دوباره به سوگ فرزندان‌شان بنشینند؟
چه سودی حاصل شما می‌شود؟ این بیرحمی شما در ازای چه بهایی‌ست؟ چه می‌پردازید و چه می‌پردازند؟
شما که چشم مادران را در یاری رساندن به تروریست‌های واقعی، خونباران می‌کنید، شما که قلب مادران را با نام‌تان و نامه‌ی‌تان می‌لرزانید، شما که مدعی عرصه‌ی علم و سیاست هستید به چه کسی پیام می‌دهید؟ برای بهبود اوضاع مردم جهان؟ ایران؟ آیا برای نان بیشتر، نام بیشتر به دیورگی تروریست‌های واقعی می‌روید؟
شما خودتان خواهر دارید؟ مادر دارید؟ پدر هستید؟ مادر هستید؟ چگونه به چشم فرزندان‌تان نگاه می‌کنید؟ چگونه به مادرهایتان سلام می‌گویید؟ چگونه در کنار همسران می‌خواهید؟ از عاطفه و عشق چه می‌دانید؟
از شما ناامیدم، به «سعدی» پناه می‌برم که شما را جز «چارپایی بر او کتابی چند» ندید و چه خوش گفت. خانم‌ها، آقایان! شما که خودتان پشت درید. مردم را می‌خواهید به کجا ببرید؟

و به آن اعتراض کردید در حالی که به خوبی می‌دانستید گلوله‌هایی که سینه‌ی جوانان میهن ما را می‌درد از لوله‌ی تفنگ همین پاسداران شلیک می‌شود.
چرا وقتی وکیلی راد قاتل بختیار و کاظم دارابی جلاد می‌کنونوس را که در دادگاه‌های اروپایی محاکمه و محکوم شده بودند به ایران فرستادند و آن‌ها را با افتخار مورد استقبال رسمی قرار دادند شما خردمندان میهن‌پرست خفقان مرگ گرفته بودید؟
چرا وقتی قاتل عبدالرحمن قاسملو دستگیر شد، چرا وقتی قاتلان کاظم رجوی به دام افتادند و دولت‌های اروپایی آن‌ها را فراری دادند کک‌تان هم نگزید؟ فرستادگان رژیم ایران که سر می‌بریند تروریست نبودند؟
چه شد حالا، -همین حالا- احساس مسئولیت کردید؟ چه شد یک‌باره رقیق‌القلب شدید و دلتان به حال ملت ایران سوخت؟ چه شد که این‌بار قلم‌هایتان را برای این بچه‌ها تیز کرده‌اید که نه سلاخی دارند و نه پشتیبانی.
خانم‌ها، آقایان! ماه مرداد است ها، روز و شب و نیمه شب قتل‌عام جوانان مردم است. حالا شما -همین حالا-، در روزهای سوگواری مردم خونین دل، وقت گیر آورده‌اید؟ همین حالا که سالروز مرگ جوانان مبارز و گورستان‌های گمنام است شما وجدانتان را به حراج گذاشته‌اید؟ نمی‌توانستید کمی صبر کنید تا مادران دربر و سرگردان،



مینا اسدی

در گزارش‌ها آمده است که ۳۷ «روشنفکر ایرانی» و آمریکایی از دولت آمریکا خواسته‌اند که مجاهدین را در بسته‌بندی‌های پوشیده در زورق کینه، تنگ‌نظری، خودفروشی و مصالحه نگه دارند.
<http://30mail.net/news/2011/aug/10/wed/11291>
نامه را که خواندم از خود پرسیدم این همه «دانشمند» و «خردمند» و «پروفسور» و «مدرس دانشگاه» چرا هرگز خواستار تعقیب تروریست‌های واقعی نشده‌اند و نمی‌شوند؟ مگر خامنه‌ای تروریست نیست؟ مگر رفسنجانی تروریست نیست؟ پس نام این‌ها کجاست؟
خانم‌ها و آقایان! چرا وقتی آمریکا، سپاه پاسداران را در لیست تروریستی جای داد شما به رگ غیرت‌تان برخورد

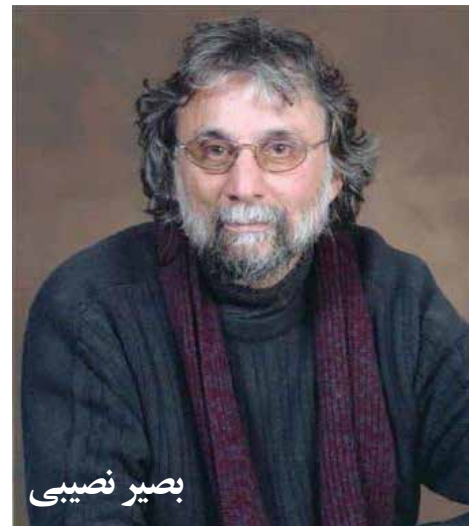
دیوانه.... آموزگار و پادشاه

سرزمین مردمان به گریه می‌افتاد
و صدا چون به بانگ بلند سر می‌داد
پُشت کوه می‌لرزید
به فرمانی از کوه
دره می‌ساخت
و از کُشته پُشته
و از چشمانش
جرقه‌هایی می‌جهید
که شعله‌ی آن
خرمن هستی انسان را به آتش می‌کشید
و آن چنان شکوهمند بود
که مردمان
با ترس عشق آمیزی ستایشش می‌کردند
- دیوانه:
آه بیش از این مگو
اینک می‌دانم
که پادشاه امروز
وارث ترس عشق آمیزی ست
که مردمان نخستین به نخستین پادشاه داشته‌اند!
مینا اسدی - سوم آپریل سال نود - استکهلم
از دفتر شعر " دریا پُشت تردیدهای توست "

- دیوانه:
این بیکاره کیست که پادشاهش می‌نامند؟
به کدام دانش آراسته است
و به کدام هنر پیراسته
- آموزگار:
پادشاه، مردی ست والامقام و صاحب نام
- دیوانه:
این مقام را که به او داده است؟
مقامی که نیازمند هیچ دانش و هنری نیست.
- آموزگار:
پدرش
- دیوانه:
و چه کسی پدر او را به والامقامی برگزیده است؟
- آموزگار:
پدر بزرگش
- دیوانه:
بدین گونه که شمشیر چون از نیام می‌کشید

- دیوانه:
چه کسی پدر بزرگش را؟
- آموزگار:
پدر پدر بزرگش
- دیوانه:
و چه کسی پدر پدر بزرگش را؟
- آموزگار:
اجدادش
نیاکانش
گذشتگان
- دیوانه:
و نخستین پادشاه برگزیده‌ی کیست؟
- آموزگار:
برگزیده‌ی مردم
- دیوانه:
و چگونه مردم او را برگزیدند؟
- آموزگار:

جعفر پناهی ، زندان خوش عاقبت ، شال سبز سیدی وجنبش مردمی



بصیر نصیبی

سینمایی منع کرده است»

اما در اجرا ی حکم فاصله ای بعید است بین این نوع محکومین ومحكومین بیدادگاه های ج. اسلامی وزندانانی که نظام وهمه باند ها ودستجاتش رااز یک قماش می دانند ؛نظام را فاسد واصلاح ناپذیراززیایی میکردند.

آقای پناهی در همین زمان که با حکم دادگاه به ظاهر ممنوع الشغل بوده دو فیلم ساخته است (آکاردئون، واین فیلم نیست)کلی جایزه هم نصیبش شده، موفقیت هایی بین المللی اش در مطبوعات حکومتی بازتاب داشته، زندانی بوده اما در محافل هنری حضور یافته (در نظام مقدس حتا پای زندانیان بیماری که در بیرون از زندان بستری می شوند را با زنجیر به تخت قفل می کنند)- جشن خانه سینما، برنامه تجلیل از فرهادی،جشن ۷۰ سالگی آیدین آغداشلو -...عجیب اینکه مطبوعات حکومتی خبر های موفقیت یک زندانی محکوم به اقدام علیه امنیت کشور، حامی سران فتنه، را با آب و تاب منتشر کرده اند.بی آنکه از این بابت عارضه ای ببینند. اگر رفتار با همه زندانیان اینگونه باشد که دیگر ج. اسلامی هم نظامی است مثل همین حکومت ها ی موجود غربی ، بله نظام هم میخواهد همین را بگوید که ما هم مثل شما هستیم خب زندان داریم ،چون همه دنیا زندان دارد. اما آنچه از اعمال رفتار غیر انسانی در زندان های ج. اسلامی گفته و نوشته می شود دروغ هائیتست که صیہونیست ها وجهاغواران برای لطمه زدن به نظام مقدس پراکنده اند واگر بگوئید خب چه سندی برای این اثبات این ادعای خودشان یعنی رفتار انسانی با زندانیان دارند؟ فوری خواهند گفت :

بفرمایید خود ببینید نظام مقدس به یک زندانی فتنه گر که ۱۸۰ هزار سینماگر!! در سراسر دنیا نگران احوالش بودند به چه عظوفت ومهربانی رفتار کرده؟ حالا هم دارد بررسی میکند بلکه برای یک زندانی محکوم به ۲۰ سال محرومیت از فعالیت های هنری مجوز ساخت فیلم صادر کند!!!جا دارد بخش پایانی یادداشت هوشنگ گلمکانی را در پایان گزار ش هم تکرار می کنم که خود از هر مطلب ومقاله ای گویا تراست:

...ختم به خیر- تکلیف پرونده قضایی پناهی، پرونده سینمایی او بازگشایی و پروانه ساخت فیلم تازه اش صادر شود. باور کنید این جوری به نفع همه است. این جوری تغییر عادت می دهیم که خبرهای خوب هم بخوانیم و بشنوم و برای همدیگر نقل کنیم که بی تابانه با هم تماس بگیریم یا پیامک بفرستیم: «راستی شنیدی خبر را؟ مجوز ساخت فیلم پناهی صادر شد»

بله تمام مشکلات مملکت دچار ویروس خطرناک آخوندیسم با این مجوز حل وفصل خواهد شد. وما هم دلمان را خوش میکنیم که طومار هایی که امضاء کردیم آخوند ها را وحشت زده کرد وجعفر خان را بار دیگر به دامان پر مهر ژیل ژاکوب- مدیر کن -،کسلیک-،مدیر برلیناله- وسایر مدیران جشنواره های غربی بازگردانند . پس در انتظار برگذاری جشن شب جعفر پناهی با حضور مقامات محترم وزارت محترم ارشاد ودربرج میلاد میمانیم! .

در فکر یافتن راهی برای ادامه فیلمسازی برای همین نظام نا انسان هستند؟

قبل از جنبش مردمی وسرکوب شده سال ۸۸ اگر کسی گستاخی میکرد با محترمانه ترین واژه از هنرمندانی که سالها از مواهب نظام مذهبی واسلام ناب محمدی بهره می بردند می پرسید :خب شما مثلا هنرمند اجتماعی هستید چرا کوچکتترین واکنشی به رفتار های این نظام آدمخوار بروز نمی دهید؟ فوری نهیب میزدند که ما هنرمندیم وهنرمند را با سیاست پیوندی نیست -البته پشتوانه اینان برای جا بازکردن برای اینگونه توجیه های آخوند پسند برای جماعت خارج نشین که بخش عمده از میانشان ادعای سرنوشت طلبی هم دارند خود ما بودیم وهستیم اما اینان خود یکباره وناگهانی ودرد یک چشم بهم زدن وفردای روزی که رهبر فرزانه ی قاتل ،موسوی کروی وکلا باند موسوم به دوم خردادی هارا پس زد تبدیل شدند به هنرمندان مسئول، متعهد ومردمی ی دو آتشه انگار نه انگار یکی دو ماه قبل از این اتفاقات سر وسرشان با وزارت ارشاد و دیگر ادارات وکانون ها ومراکز دولتی (بنیاد فارابی ،معاونت سینمایی،دفاتر شبه جشنواره ها ،کانون کارگردانان وفیلمبرداران و...)در دولت به قول سرانشان پادگانی، امنیتی ، احمدی نژاد بود. نظام هم همزمان باگسترش قتل وکشتارواعمال شکنجه و تجاوز در زندان ها ی مخوف نوعی زندان از نوع خوش عاقبت را هم برای چند تایی ار وابستگان هنرمند دار ودسته های خودی



نظام (دوم خردادی ها) دوباره باب کرد ،البته پروژه زندان خوش عاقبت در دوران خانی هم یک بار با موفقیت تجربه شده بود ،(ابراهیم نبوی،مسعود بهنود، شیرین عبادی، - مدت بازداشت یک هفته -هاله اسفندیاری - بعد از خروج در امریکا از زندان های جمهوری اسلامی تعریف وتمجید هم کرد، تهمینه میلانی- مدت بازداشت ۵ روز وخروج از زندان با تضمین خود سران نظام- ونظایرشان ...) البته مقامات دادستانی نسبت به اینگونه به تعبیر خودشان مجرمین به ظاهر خیلی هم سختگیر هستند در حکم دادگاه ودادستانی عواقب سختی برای محکومین باند مغلوب در نظر گرفته می شود برای نمونه در باره حکم صادره علیه پناهی این متن در مطبوعات حکومتی منتشر شد:

«جعفر پناهی پس از تحمل ۸۸ روز بازداشت وتشکیل دادگاه با وثیقه ای ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد شد، در روزهای گذشته اعلام شد که دادگاه در حکمی بی سابقه، وی را به تحمل شش سال زندان محکوم کرده وعلاوه برآن آقای پناهی را به مدت ۲۰ سال ممنوعالخروج ودراین مدت از تمام فعالیت های

«اخیرا شنیدم جعفر پناهی فیلمنامه ای برای دریافت پروانه ساخت به وزارت ارشاد ارایه داده است. حالا دیگر این اقدام هم در ادامه آن یکی، نشانه ای دیگر و بارزتر از همان نیاز هنرمند به آفرینش هنری است. تقاضای پروانه ساخت، اعلام صریح تبعیت از قانون هم هست. جلوه دیگر بروز این نیاز، حضور پناهی در همه مراسم وبرنامه ها وگردهمایی های سینمایی است که قطعا احساسی از یک سینماگر فعال بودن را در او زنده می کند؛ نیاز هنرمند به احساس بودن.

شاید اگر کس دیگری به جای او بود با انتخاب انزوا، دست به مظلوم نمایی هم می زد اما حضور مداومش در این گردهمایی ها می تواند از دیدگاه رسمی حاوی معنای مثبتی هم باشد. امیدواریم به زودی ضمن روشن شدن- ختم به خیر- تکلیف پرونده قضایی پناهی، پرونده سینمایی او بازگشایی و پروانه ساخت فیلم تازه اش صادر شود. باور کنید این جوری به نفع همه است. این جوری تغییر عادت می دهیم که خبرهای خوب هم بخوانیم و بشنوم و برای همدیگر نقل کنیم که بی تابانه با هم تماس بگیریم یا پیامک بفرستیم: «راستی شنیدی خبر را؟ مجوز ساخت فیلم پناهی صادر شد»

بله درست خواندید این بخشی از نامه هوشنگ گلمکانی سردبیر ماهنامه ی فیلم است که جعفر پناهی خود در صفحه ی فیس بوکش به اشتراک گذاشته ، به زبان ساده تر بگویم با محتوای آن تفاهم دارد. نمیخواهم با تفسیر وتوضیح بیشتر این سند سرتان را درد بیاورم ،این مسایل بماند برای نامه ی سرگشاده ای که فرصت شکافتن همه مسایل هست به خصوص که قرار است نامه را به زبان انگلیسی هم ترجمه وبرای بخش وسیع انگلیسی ی متن هم چاره ای ببندیشیم. اما اگر بطور خلاصه بخوام بگویم به گمان من این ندامتنامه ایست که با موافقت خود آقای پناهی تنظیم شده نشانه تسلیم پذیری او و همفکرانشان، در برابر دولتی است که خودشان، وابستگان دوم خردادیشان هم آنرا کودتایی،پادگانی،رای دزد،غیر منتخب وغیر قانونی ارزیابی کرده بودند منتها حالا دیگر امیدی ندارند باند مغلوب بتواند امتیاز عمده ای بگیرد وسهمی هم به هنرمندان همراه سبزالهی ها برساند تبعیت از آن تبدیل شده است به تبعیت از قانون! کدام قانون؟ همان قانونی که نظام با استناد به دان وحشیانه ترین رفتار ها را با زندانیان آشتی ناپذیر اعمال می کند، تجاوز، به زنان و مردان وشکنجه های قرون وسطایی در زندان های ج. اسلامی به امری عادی تبدیل شده، آیا زندانیان وابسته به باند دوم خرداد چنین خاطره هایی از بیدادگاه های جمهوری اسلامی بیاد دارند؟ اگر جواب مثبت است ، چرا به زبان نمی آورند که هیچ

نوری زاده و زنده یاد شاپور بختیار



ایرج مصداقی

مقاله‌ای که در مارس ۲۰۰۸ نوشتم کفایت می‌کرد.

نوری زاده در مورد ارتباط خود با زنده یاد دکتر بختیار پس از پیروزی انقلاب ضدسلطنتی و مخفی شدن او می‌نویسد:

«چنان از دیدن دست خط دکتر به وجد آمدم که همه روزم به شادمانی گذشت. همان شب فکر کردم حالا که می‌شود به نوعی با دکتر در تماس بود، برایش مطلب جداگانه ای ترتیب دهم. فردا به همان رابط حزب «ایران» ی زنگ زدم و جایی قرار گذاشتیم.

آنجا فهمیدم که او دکتر را ندیده و نامه را از ویوین، دختر دکتر، گرفته است. قرار گذاشتم که من مطلب را شروع کنم و بعد او از طریق ویوین سوال‌های مرا به دکتر و پاسخ‌های او را به من برساند.

محاكمه دکتر بختیار در مجله امید ایران این گونه آغاز شد. من، هم رئیس دادگاه بودم، هم دادستان و هم وکیل مدافع بختیار»

نوری زاده به همین بسنده نمی‌کند او مدعی می‌شود که عاقبت در مخفی گاه به دیدار دکتر بختیار می‌رود:

«چهار هفته بعد از شروع دادگاه فرضی، همان یار دکتر به سراغم آمد. غروب گرم بود و بی صدا به همراهش روان شدم. تاکید کرد با تاکسی برویم. تا میدان ونک رفتیم و بعد پیاده تا محلی که با رابط اصلی قرار گذاشته شده بود. ساعتی بعد، در اتاقی نیمه تاریک در آپارتمان ساده در برابر دکتر نشسته بودم. یک دریا سخن و سوال داشتم و او از اینکه مردم حالا کم کمک دریافته اند او راست می‌گفت و «دیکتاتوری نعلین از دیکتاتوری چکمه» هزار بار بدتر است، شادمان بود.»

نوری زاده یادش رفته است که در تاریخ یکشنبه ۲ اسفند ۸۸ در «یک هفته با خبر» آدرس دقیق محل ملاقات و رابط اصلی را هم داده بود:

«در لحظاتی نزدیک به نیمه شب به ساختمان آ.اس.پ رفته بودیم و ویوین ضرباهنگی آشنا را بر در نواخته بود و لحظاتی بعد دکتر را روبرویم دیده بودم دلم می‌خواست خانم کلاتری هم بود تا مطمئن شود دکتر سرحال و سالم است و قصد دارد مبارزه را تا رهائی کامل وطن دنبال کند. آن شب دکتر که از تشکیل

ولی این اختفا به تمام معنا مثل سایر ایرانیان نبود. برای عید نوروز به وسیله کاست یک پیامی فرستادم و بعد از دو ماه یک پیام دیگری فرستادم. «

بختیار در این گفتگو هیچ صحبتی از این که هر هفته چند صفحه از نوشته‌هایش را بیرون می‌داده نمی‌کند. در طول ۱۲ سالی که هم که بعد از این گفتگو زنده بود چنین ادعایی نکرد. نوری زاده هم تا دکتر بختیار زنده بود حرفی از موضوع و روابط ویژه‌اش با ایشان نزد.

از تاریخ دیدارها که بگذریم اسناد و شواهد متقن نشان می‌دهند که علیرضا نوری زاده در مورد رابطه‌اش با «ویوین» دختر زنده یاد بختیار نیز دروغ می‌گوید. چرا که «ویوین» دختر بزرگ بختیار در آن موقع ایران نبود تا سوال‌های نوری زاده را به پدرش برساند و پاسخ‌های او را به نوری زاده! و ترتیب ملاقات این دو را بدهد.

نوری زاده در یک روایت همراه رابط اصلی به دیدار بختیار می‌رود و در روایت دیگر همراه با «ویوین». در یک روایت نوری زاده مدعی می‌شود که در «غروب گرم» به دیدار بختیار رفته و در دیگری در «لحظاتی نزدیک به نیمه شب».

حتی اگر سندی هم در دست نبود به سادگی می‌شد بطلان ادعاهای نوری زاده را دریافت. بختیار در حالی که در شرایط مخفی به سر می‌برد و هر آن احتمال دستگیری‌اش می‌رفت از مخفیگاه با روزنامه‌نگاری که در دفاع از خمینی و سیستم موجود از هیچ مدح و ثنایی فروگذار نمی‌کرد تماس نمی‌گرفت و او را به حضور نمی‌پذیرفت.

قطعاً وی در بحبوحه‌ای که تلاش می‌کرد از ایران خارج شود حاضر نمی‌شد چنین ریسکی کند. بختیار در تیرماه ۱۳۵۸ با یک پاسپورت فرانسوی در حالی که خود را به هیئت یک بازرگان خارجی درآورده بود از طریق فرودگاه مهرآباد به خارج از کشور پرواز کرد.

نوری زاده پیش‌تر در یک هفته با خبر ۳۱ ژوئیه تا ۳ آگوست ۲۰۰۷ مدعی شده بود بختیار در خانه‌ی دخترش مخفی بوده و در روز خروج بختیار از کشور او به خاطر دلهره‌ای که داشته تب کرده بود:

«به روزهای نخست وزیری فکر می‌کنم، گفتگوهایمان، روز آخر، دوران اختفا در

دادگاه نمادین در مجله «امید ایران» برای محاکمه‌اش بسیار شادمان بود مرا تحسین می‌کرد که با این کار حرفهای ناگفته را درباره او و گذشته و افکار و مبارزاتش مطرح کرده‌ام. در محاکمه هم قاضی بودم و هم دادستان، هم وکیل مدافع دکتر بختیار و هم شاهدی که گاه گاه ظاهر می‌شد تا مدعیات مخالفان دکتر را پاسخ گوید. معمولاً ویوین هر هفته چند صفحه‌ای نوشته‌های دکتر را به من می‌داد که محور مطلب آن هفته در محاکمه مطبوعاتی باشد.»

نوری زاده مدعی است که «چهار هفته بعد از شروع دادگاه فرضی در مجله امید ایران» به مخفی‌گاه بختیار رفته و با او دیدار کرده است! دادگاه فرضی در ۲۱ خرداد ۱۳۵۸ در شماره‌ی ۱۹ دوره جدید مجله امید ایران آغاز شد. چهار هفته بعد از آن می‌شود ۱۸ تیرماه ۱۳۵۸.

دکتر شاپور بختیار در گفتگویی که پس از خروج از کشور داشته و لینک آن در رادیو فردا آمده است به صراحت می‌گوید که در حدود ۵ ماه در ایران در اختفا بسر برده و سپس از کشور خارج شده است. یعنی او حوالی ۲۲ تیرماه ۱۳۵۸ از کشور خارج شده است. چگونه پس از ۱۸ تیرماه ۱۳۵۸ دختر بختیار «هر هفته چند صفحه‌ای نوشته‌های دکتر» را از مخفیگاه به نوری زاده می‌داد. قاعدتاً بختیار آن موقع در ایران نبود که چنین ارتباطی شکل بگیرد.

مصاحبه‌ی بختیار در اوایل مردادماه ۵۸ و پیش از برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ انجام شده است. بختیار پیش از این مصاحبه یک کنفرانس مطبوعاتی نیز برگزار کرده بود.

بختیار در این مصاحبه در مورد مدت اختفایش در کشور می‌گوید:

«در حدود ۵ ماه به دلایلی که بسیار روشن است برای عموم، یعنی عدم [وجود] قانون و عدالت و دادگاه‌هایی که امکان دارد انسان انتظار محاکمه احیاناً داشته باشد در ایران وجود نداشت. و بی نظمی و بی امنیتی بی سابقه‌ای در آن‌جا حکم فرما بود. من هم در اختفا بودم.

اولین بار نیست که نوری زاده در ارتباط با چهره‌های سیاسی و حوادث تاریخی کشورمان داستان‌سرای می‌کند یا خود را با آن‌هایی که در قید حیات نیستند دارای روابط ویژه معرفی می‌کند. هرچند این شیوه از کار بارها موجب شرمندگی‌اش شده است اما او همچنان به اصرار آن را ادامه می‌دهد. آخرین بار عنایت فانی در برنامه‌ی پربیننده‌ی «به عبارت دیگر» تلویزیون فارسی بی بی سی او را با پرسش‌هایش در تنگنا قرار داد. (۱)

ویژه‌نامه بیستمین سالگرد ترور زنده یاد دکتر شاپور بختیار که سایت بی‌بی‌سی فارسی مبادرت به تهیه آن کرد فرصتی شد تا نوری زاده یک بار دیگر با استفاده از نبوغش در داستان‌سرای و با توسل به شگردهایش دست به کار تحریف تاریخ معاصر کشورمان شود.

وی در مقاله‌ی «روایت 'محاکمه' شاپور بختیار در مجله امید ایران» تلاش کرد خود را رفیق گرمابه و گلستان زنده یاد بختیار که این روزها سخت مورد توجه چهره‌های سیاسی است جا بزند و پس از گذشت بیش از سه دهه مدعی شود که نه تنها در دوران ۳۷ روزه‌ی صدارت بختیار، هر روز به ملاقات او می‌رفته بلکه در دوران اختفای بختیار نیز به دیدار او شتافته و با وی به گفتگو پرداخته و هر هفته از طریق دخترش «ویوین» با او مکاتبه داشته است!

از آنجایی که نوری زاده در این مقاله به خاطره‌ی دکتر شاپور بختیار و دکتر کریم سنجایی دو تن از چهره‌های سیاسی کشورمان دست‌درازی کرده، به منظور تنویر افکار عمومی، خود را موظف به روشنگری در این رابطه می‌بینم و گر نه برای بر ملا کردن شیوه‌ی کار نوری زاده



می رویم ."

هیچ ملاقاتی بین دکتر کریم سنجابی و شاپور بختیار در منزل دکتر سنجابی انجام نشده است. بلکه جلسه‌ای در منزل **مهندس حق‌شناس** با سایر اعضای حزب ایران تشکیل می‌شود. دکتر کریم سنجابی در کتاب خاطراتش «امیدها و ناامیدی‌ها» می‌نویسد:

«بختیار در حضور آن آقایان به من گفت دیروز به همان کیفیت که شما را دعوت کرده بودند به من خبر دادند که خدمت اعلیحضرت برسم. ... فقط گفت آمدند و مرا خدمت اعلیحضرت بردند و ایشان از من پرسیدند به چه کیفیت ممکن است که حکومت جبهه ملی تشکیل بشود؟ دکتر بختیار در این جلسه حتی یک کلام راجع به حکومت شخص خودش نگفت. او گفت من به ایشان گفتم شرایطی که بنده خدمتان عرض می‌کنم همان هاست که در چندی پیش آقای دکتر سنجابی خدمتان گفته است. اعلیحضرت گفتند مشکل عمده ایشان در آن موقع بودن من در ایران و مسافرت من به خارج بود و من با فکری که کرده‌ام، هم برای معالجاتی که احتیاج دارم و هم برای استراحت حاضر هستم که به خارج بروم و این محظور رفع شده است. ما همه خشنود شدیم. من به ایشان گفتم و رفقا همه تایید کردند که پس مشکل ما ازطرف شاه رفع شده است. باید مشکل ازطرف آقای خمینی را رفع بکنیم. به نظر من، برای این کار لازم هست که بلافاصله همین امروز یا فردا من، یک نفر یا دو نفر از رفقای ما مثلاً داریوش فروهر یا وجود اینکه او در آن جلسه نبود، برویم پاریس و با آقای خمینی صحبت کنیم و موافقت ایشان را هم جلب کنیم که مواجه با اعتراض و مخالفت روحانیون و تحریکات آنها نشویم و یک حکومت مورد قبول همه بر سر کار بیاید. علاوه بر این، به ایشان گفتم شما بوسیله همان واسطه بخواهید که شاه مرا امشب احضار بکند و شخصاً با من صحبت کند. ایشان هم قبول کردند.» (ص ۳۱۰)

این تنها دیدار بختیار و سنجابی قبل از پذیرش نخست‌وزیری بختیار در منزل مهندس حق‌شناس بوده است. بختیار در این دیدار حتی یک کلمه از نخست‌وزیری‌اش به سنجابی و ... خبر نداده اما نوری‌زاده نه تنها آن را از پیش می‌داند بلکه قرار است به خواست بختیار فردا خبر اختصاصی‌اش نیز بکند.

بقیه در شماره آینده

صدارت و اختفای بختیار در ایران زندگی می‌کرد تا به این ترتیب پاسخی به ادعاهای کذب نوری‌زاده هم داده باشد.

نوری‌زاده خود به مرگ ویوین واقف است و می‌نویسد: «در روزهای اختفای دکتر بختیار، ویوین دختر بزرگ او شرح احوال پدر و زندگی وی که زندانهای مکرر **سروش از درد و رنجش کرده بود بسیار می‌گفت**. ویوین کوتاه مدتی پس از ذبح اسلامی پدرش خاموش شد و می‌دانم که فرزندش امروز بیش از هر کس، تجلی جوان پدر بزرگ است»

نوری‌زاده به گونه‌ای می‌نویسد که گویا همنشین و همدم «ویوین» در روزهای اختفای پدر در تهران بوده است!

نوری‌زاده همچنین در مقاله‌ی مزبور مدعی می‌شود که در ۳۷ روز حکومت دکتر بختیار هر روز او را می‌دیده است! این دو تا پیش از نخست‌وزیری بختیار هیچ آشنایی با هم نداشتند. و نوری‌زاده در طول دوازده‌ساله که زنده‌یاد بختیار در پاریس زندگی می‌کرد تنها یک بار به ملاقات او در سال ۵۸ رفت.

ادعای نوری‌زاده در حالی صورت می‌گیرد که فرانس بختیار تنها فرزند بختیار در ایران در طول این ۳۷ روز تنها دو سه بار می‌تواند پدرش را ببیند.

نوری‌زاده پیش‌تر دروغ دیگری را نیز تولید کرده بود. وی مدعی شده بود که انیس نقاش در سال ۱۹۸۰ در منزل یکی از دخترهای بختیار در ساختمان شماره‌ی ۱۷ بلوار راسپای پاریس تلاش کرده بود بختیار را ترور کند. نوری‌زاده حتی مدعی شد که بعدها خودش جای گلوله را روی دیوار خانه‌ی بلوار راسپای دیده بود!

این ادعا در حالی است که وقتی «نهضت مقاومت ملی» در سال ۵۸ تاسیس شد، دکتر بختیار در دفتر نهضت در ساختمان شماره‌ی ۱۷ خیابان راسپای زندگی می‌کرد و بعد به منزلی که زنده‌یاد عبدالرحمان برومند در حومه پاریس داشت نقل مکان کرد که همانجا انیس نقاش برای ترور او اقدام کرد و یک پلیس و یک پیرزن فرانسوی را که همسایه دکتر بختیار بود کشت. این محل در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری خیابان راسپای پاریس بود. چگونه گلوله‌ی انیس نقاش می‌توانست به دیوار خانه‌ی خیابان راسپای خورده باشد؟ نوری‌زاده حتی اطلاعی از محل ترور دکتر بختیار در سال ۱۹۸۰ هم نداشت.

نوری‌زاده در ادامه‌ی همین مقاله از دیدار دکتر کریم سنجابی و شاپور بختیار در منزل سنجابی خبر می‌دهد: «به خانه دکتر که رسیدم توی شاه نشینی که بر بلندای دیوارهایش اشعار خواجه شیراز نقش بسته بود، با تی از یاران یکدله اش خلوت کرده بود. گفتم: دکتر صدیقی می‌گوید شما نخست‌وزیری را پذیرفته اید! خبرش را بنویسم؟»

دکتر گفت: "می‌روم خانه سنجابی، دوستان جمعند. بعد که خبر شدند، می‌توانی خبر اختصاصی‌اش کنی در شماره فدای اطلاعات."

بعد درنگی کوتاه کرد و گفت: "اگر ماشین داری، با هم



آپارتمان دخترش، دادگاهی که در «امید ایران» برپا کردم و بعد خروجش از ایران در آن روز که **من و دو تن از یارانش** که یکی خاکستر شد و آن یکی در ایران است **تب کرده بودیم**»

چنانچه ملاحظه می‌کنید نوری‌زاده اساساً نمی‌دانسته که بختیار کجا مخفی بوده است و به اشتباه خانه‌ی دختر بختیار را محل اختفای او معرفی می‌کند.

به مصاحبه‌ی رادیو فردا با «فرانس بختیار» **تنها فرزند زنده‌یاد بختیار** که در دوران نخست‌وزیری‌اش در ایران بود توجه کنید:

«دوران نخست‌وزیری ایشان را چطور به خاطر دارید؟ در زمان نخست‌وزیری ایشان **من تنها فرزند ایشان** بودم که در ایران بودم. دو برادرم و خواهرم در فرانسه ساکن بودند و من تصمیم گرفته بودم که به همراه همسر و فرزندانم در ایران بمانم تا زمانی که پدرم از ایران خارج شود. **من ایشان را یواشکی و بدون اینکه کسی مطلع شود و بفهمد می‌دیدم**. ماشینم را جایی پارک می‌کردم و پیاده به جایی که ایشان بودند، می‌رفتم. خوشبختانه آن زمان هیچ اتفاقی نیفتاد.»

«فرانس بختیار» همچنین در گفتگو با صدای آمریکا در نوزدهمین سالگرد قتل پدرش می‌گوید، در دورانی که بختیار مخفی بوده تنها قادر شده «چند بار ایشان را یواشکی ببیند». او حتی در جریان خروج پدرش از کشور نبوده و تنها پس از آن‌که وی پرواز می‌کند از دوستی می‌شنود که «مرغ از قفس پرید»

گفته‌های فرانس بختیار تنها فرزند بختیار را که در آن زمان ایران بود مقایسه کنید با ادعاهای نوری‌زاده.

از آن‌جایی که «ویوین» دختر بزرگ زنده یاد بختیار دو هفته پس از قتل بختیار فوت کرد، نوری‌زاده داستان را روی او سوار می‌کند که امکان تکذیب نداشته باشد. این شیوه‌ای است که نوری‌زاده در جعل تاریخ در آن تبحر دارد. ظاهراً «فرانس بختیار» که نمی‌خواسته مستقیماً در رد ادعاهای نوری‌زاده مطلبی بنویسد در گفتگوهایش تأکید می‌کند که او تنها فرزند بختیار بود که در دوران

نقدی دیگر بر خیانت تیمسار قره‌باغی (۲)



و مقاصد خائنانه و ایران برپاده آنان پی برده بودند، این چه سکوت خیانت آمیزی بود که اختیار کردند؟ این چه باج سیلی بود که معلوم نیست به چه کسی باید میدادند؟

و بعد هم هر کس را که فرمانداری نظامی با ذکر اسناد و ارائه دلایل بازداشت میکرد و هر قدر هم جنایت و خیانتش معلوم میشد آزاد میکرد؟ مانند حاج سید جوادی، که به اتهام مثله کردن سرهنگ علی وجدانی بازداشت شد و گزارشات کارهای خلاف او از جمله تشکیل اجتماعی مجرمانه از مخالفین حکومت ورژیم را به فرمانداری نظامی داده بودند و پس از بازرسی منزلش شبنامه، اعلامیه و مبالغ هنگفتی پول نقد برای توزیع به آشوب طلبان نیز پیدا شده بود معهذا به دنبال همان تر دولت او را آزاد کردند!!

تیمسار ارتشده قره باغی صفحه ۱۲۴ کتاب خود (حقایق درباره بحران ایران) نوشته است:

((پزشکان و بیمارستانها نیز از پذیرفتن پرسنل نیروهای مسلح و خانواده‌هایشان خودداری میکردند و داروخانه‌ها هم از فروش دارو به آنها امتناع داشتند. بطوریکه بداز مدتها وقتی که آقای خمینی دستور پذیرفتن پرسنل ارتش را به پزشکان صادر کرد...))
اینطور که تیمسار نوشته اند یعنی پزشکان و بومرستنها و داروخانه‌ها روی غرض ورزی و انتقام گیری و هر چیز دیگر شخصاً خودشان تصمیم گرفته اند که پرسنل نیروهای مسلح و خانواده‌هایشان را مثلاً عاق کنند و تا بعدها آقای خمینی دلشان سوخت و دستور پذیرفتن صادر کردند.

خیر چنین نیست، چطور و به چه علت سبب پذیرفتن پرسنل نیروهای مسلح و خانواده‌هایشان را وسیله پزشکان که برابر فتوای خمینی (به شرح زیر) آورده بود، نه به یاد داشت و نه اطلاع!! زهی..

مسئولیت، درد عدم احساس وظیفه. درد بی لیاقتی، درد سستی مجریان قانون و درد نامردی و نامردمی و هزاران درد دیگر که همه به آن گرفتاریم.

مساله ۱۷ شهریور چنین بود نه آنکه تیمسار قره باغی در کتابشان نه از این و نه از آن (سینما رکس آبادان) یاد کرد به اصطلاح خود، تاریخ نوشتند که افکار نسل آینده را تدویر نمایند؟، خیر تیمسار خود در اجرای سیاست اتحاد ملی و آشتی دولت شریف امامی سازش کرد، توافق کرد که ایران را به باد دهد، با دشمنان ایران آشتی کرد یعنی با ایران که ژنرالش بود و وزیرش بود قهر کرد.

تیمسار قره باغی که در رأس بود و اخبار و اطلاعات را روزانه و در صورت نیاز نویهای در اختیارش قرار می‌گرفت و دست اندر کار بود چرا مامشات کرد؟! چرا آخوندگردن کلفتی را که با مقدار زیادی پول با ارتباط با فلسطینیها و افغانیها در میدان ژاله دستگیر کرده بودند به پای میز محاکمه نکشاند و حقایق را به مردم نگفتند.

دولت و تیمسار که می‌توانستند به راحتی پرده از روی حقایق بردارند چرا سکوت کرده بودند؟ چرا گذاشتند که مردم شایعه‌هایی را که با سرعت ساخته میشد بشنوند و خودشان هم آنها را منتشر نمایند و یک کلاغ و صد کلاغ نمایند؟ این بود درک تیمسار، این بود فعالیت یک مرد سیاسی - نظامی در شرایط بحرانی کشور؟

تیمسار قره باغی که از طریق اطلاعات دقیق سازمان اطلاعات و امنیت کشور از بیوگرافی، نوع زیست، محل زندگی، نوع فعالیت کلیه رهبران شورشی و گردانندگان صحنه‌های تظاهرات و راهپیمایی‌ها و اداره کنندگان کمونیست و جبهه ملی آنها اطلاعات دست اول را داشتند و از طریق همان سازمان به اهداف

حرف‌نازه

فرخ فروزین

خود آفرینی حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و تدارک و موجبات آن و کوشش در جهت شهید سازی آنچنان روشن است که از دید محققین خبری خارجی نیز به دور نماند، بطوریکه در سمپوزیوم ایران که در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۸۰ در (هاریس کالج) تشکیل شد (راس ارلی) در سخنرانی خود با اشارات کوتاهی ناگفتنی بسیار از شورش مذهبی ایران و سایر یاعی‌های ملی بازگو می‌کند که قسمتی از آن مربوط به حادثه ۱۷ شهریور است به خوبی روشن کرده است ایشان گفته‌اند:

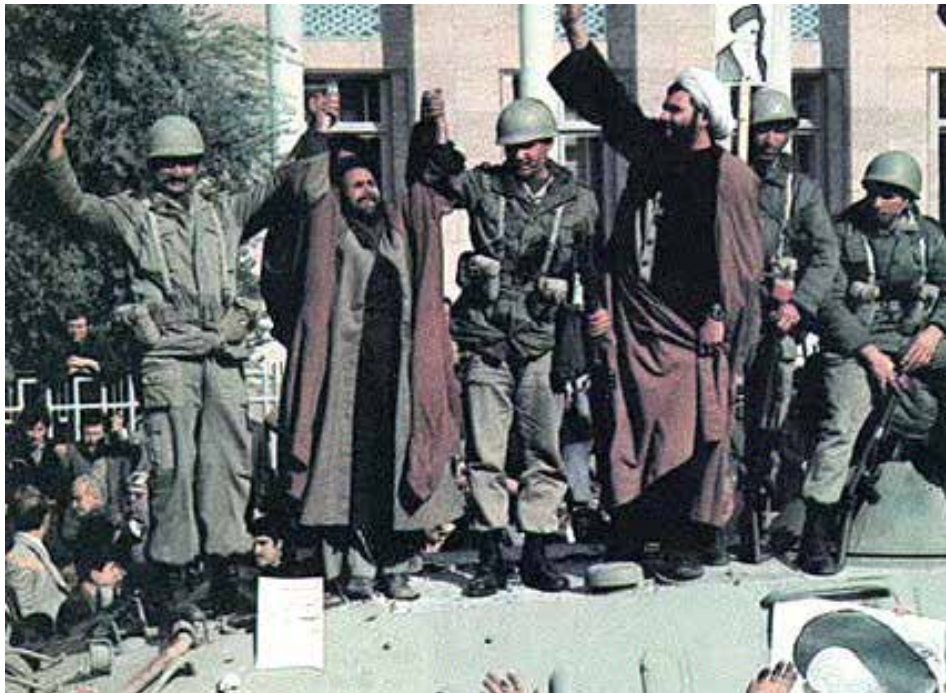
((آنچه در مساله ۱۷ شهریور قابل طرح نیست همان تعداد کشته شدگان است. حداقل به جرات می‌توان گفت برای قشرهای حاکم و تبعیت کنندگان جمهوری اسلامی و آنها که به هر دلیل موجبات توفیق آنان را فراهم ساختند هرگز نمی‌تواند مطرح باشد، چرا که خشونت که ظرف فقط سه ماهه اول اشغال ایران صدها سیاستمدار و دانشمند و میهن‌پرست و افسران ارتش شاهنشاهی و نیروهای انتظامی ایران را با آن محاکمات مفتضح اسلامی اعدام کرده است دیگر حیا و شرمی باقی نمیگذرد که جرات نمایند به مساله شهریور از این زاویه نگاه کنند.))



۱۷ شهریور جزئی از کل توطئه ایران برافکن است و نشان میدهد که دردهای معلوم بسیاری وجود دارد که بدون آنکه یک مشکل اجتماعی از آن متوحش باشیم برتار و بود اجتماع ما پیچیده است. درد سازشکاری مسئولین مملکتی، درد فرار از

را از حدقه بیرون آوردند و بدنش را قطعه قطعه کرده و به شاخه های درختان مشهد آویزان کردند و بعدها آنچنان کردند که در دایره فهم و درک انسان ها نمی گنجید.

توطئه گران برای ورود خمینی به ایران نگران عکس العمل نیروهای مسلح ایران و مخالفت عمومی مردم بودند و به همین دلیل برای ارزیابی اوضاع شایع کردند که در روز ۶ بهمن خمینی به ایران بیاید. آنها می خواستند ببینند قره باغی چه می کند، دولت چه می کند، نتیجه اقدام آخوندها در شهرستان برای اعزام عوام ساده و مسخ شده به عنوان استقبال کنندگان به تهران تا به کجا می رسد، اثرات اقدامات انجام شده و طرح های مبادله شده و نتیجه روانی جنایت خشن و قتل های فجیع برای ایجاد جو رعب و وحشت تا چه اندازه موثر بوده، تخریبات و انفجارات و آتش سوزی ها و دروغ سازی ها و تظاهرات و شایعات و شعارها و نقش گردانیها چقدر در تضعیف روحیه و رخنه کردن در مردم اثر داشته است.



تا اینکه یقین کردند که قره باغی خادم به خیانت و مسحور به قول و قرارها است. طراحان توطئه برای شکستن آخرین مقاومت صلاح در آن دیدند که با ایجاد صحنه های خشونت آمیز و ناآرامی بیشتر در عین حال چند ملاقات با بختیار محیط را کاملاً آماده نمایند، به همین ترتیب نیز عمل شد و شرایط برای ایفای رل های سناریو مناسب گردید.

ببینید قره باغی برای ورود خبیث و تامین جان منحوس وی چگونه ایرانی آباد و سربلند را به ویرانی و رذالت کشانید تیمسار قره باغی یکی از عوامل توطئه برای سقوط ایران، یک خائن به وطن و یک خائن به ملت بود.

تیمسار قره باغی چرا اینقدر حقارت و تحقیف ها را می پذیرفت؟ شاید برای اینکه برای شورشیان یقین گردد که او در پوست شیر جای دارد، و یا اطلاع از این سفاکت ها و یا خیانت ها کار را به جایی برساند که بگویند:

ارتش به این بی غیرتی



متن فتوای خمینی که به تصویب مراجع تقلید مشهور رسیده بود و توسط آخوند سید علی خامنه ای در حضور علمای مشهد قرائت شد و مثلاً تیمسار از آن بی اطلاع بود از نظر خوانندگان گرامی میگذرد

((امام راستین شیعیان جهان، ابراهیم زمان رهبر عالیقدر ملت مبارز و انقلابی ایران روح الله خمینی و مراجع تقلید کشور دام اله ظلهم الوارف فتوا و دستور میدهند:

۱- بر کلیه مدرسین دانشگاهها و معلمین مدارس متوسطه و راهنمایی و ابتدایی واجب و فرض است که از امروز فرزندان نیروهای مسلح شاهنشاهی اعم از ارتشی، پلیس و شهربانی، ژاندارمری و ساواک تدریس و آموزش ندهند

۲- دفترچه بیمه نیروهای مسلح کلاً باطل اعلام میشود و داروخانه ها باید به وظیفه خود آشنا باشند.

۳- از امروز دستور دادیم تا پزشکان متعهد و با ایمان از مداوا و معالجه نیروهای مسلح شاهنشاهی جدا خودداری کنند و بگذارند تا در مرض خود و اگر زخمی یا مجروح هستند هلاک گردند.

۴- در آینده اقدامات قاطع تر و مفیدتری اتخاذ خواهد شد

۵- نیروهای مسلح شاهنشاهی کلاً از ارتش و پلیس و شهربانی و ژاندارمری و ساواک و طرفداران دولت، از شما نیستند بلکه دشمن شما و محارب با خدا و رسولند. خوششان حرمت ندارد، ناموشان محترم نیست، مالکیت این افراد بر اموالشان صدق نمیکند. در نهایت کوشش و اهمیت سعی کنید عمال خبیث دولت را به چنگ آورید و در همانجا جهان را از لوس وجودشان پاک کنید. بکشید این کافران را امانشان ندهید این منافقین را، خانه هایشان را بر سرشان خراب کنید و اجرکم علی اله. روح الله موسوی خمینی))

و چگونه تیمسار این دستور را به یاد نداشته بود و حتی در کتاب خود عنوان ننمود چرا؟ حقیقتاً چرا؟

بعد از این فتوا بود که چشمهای سرگرد شهید، افشین

عشق کاذب خریدنی و عشق واقعی زندگیست

و ادامه دهی در این مرداب کم کم غرق خواهی شد .
با امید به اینکه بتوانیم ما در زندگی همان عشق و محبت واقعی را پیش بگیریم که لذتبخش تر و شیرینتر خواهد بود و این فقط در قالب شعار نباشد با عشق حقیقی انسان با شریک زندگیش در هنگام صحبت ؛ سفر ، همراه بودن و انتقال دادن عقاید و سلیقه ها و... لذت میرد و چه خوب هست دانسته های خودمان را بیشتر کنیم و نیز بیاموزانیم .

در پایان یک داستان تخیلی که به حقیقت زندگی ما آمدها نزدیک هست تقدیم شما عزیزان میشود امی که از آن استفاده مثبت شود

عشق کور

آنها ازبیکاری خسته و کسل شده بودند روزی همه فضائل و تباهی ها دور هم جمع شدند خسته تر و کسل تر از همیشه ؛ ناگهان ذکاوت ایستاد و گفت : بیایید یک بازی بکنیم مثلاً قایم باشک همه از این پیشنهاد شاد شدند **دیوانگی** فوراً فریاد زد من چشم میگذازم و از آنجائی که هیچ کس نمیخواست به دنبال **دیوانگی** رود همه قبول کردند ؛ **دیوانگی** جلوی درختی رفت و چشمهایش را بست و شروع به شمردن اعداد کرد همه رفتند تا جائی پنهان شوند **لطافت** خود را به شاخ ماه آویزان کرد **خیانت** داخل انبوهی از زباله پنهان شد **اصالت** در میان ابرها مخفی شد **هوس** به مرکز زمین رفت **دروغ** گفت زیر سنگمیروم اما ته دریا رفت **طمع** داخل کیسه ای که دوخته بود مخفی شد و **دیوانگی** مشغول شمردن بود ؛ همه پنهان شده بودند جز **عشق** که همواره مردد بود و نمیتوانست تصمیم بگیرد همانطور که میدانید پنهان کردن **عشق** مشکل است ، در همین حال **دیوانگی** به پایان شمارش رسید و هنگامیکه **دیوانگی** به صد رسید **عشق** پدید و در بوته گل رز پنهان شد **دیوانگی** فریاد زد دارم میام اولین کسی را که پیدا کرد **تنبلی** بود چون **تنبلی** ؛ **تنبلی** اش میامد جائی پنهان شود و **لطافت** را یافت که به شاخ ماه آویزان است ، **دروغ** ته چاه ؛ **هوس** در مرکز زمین ؛ یکی یکی همه را پیدا کرد جز **عشق**؛ او از یافتن **عشق** نا امید شد **حسادت** در گوشهایش زمزمه کرد تو فقط باید **عشق** را پیدا کنی و او پشت بوته گل رز است ، **دیوانگی** شاخه چنگک ماندنی را از درخت کند و با شدت و هیجان زیاد آن را در بوته گل رز فرو کرد و دوباره ، تا با صدای ناله **عشق** متوقف شد **عشق** از پشت بوته بیرون آمد صورت خود را با دستانش پوشانده بود و از میان انگشتانش خون میچکید شاخه ها به چشمان **عشق** فرو رفته بودند و او کور شده بود **دیوانگی** با ناراحتی گفت من چیکار میتوانم برای انجام دهم؟ **عشق** گفت تو نمیتوانی مرا درمان کنی ولی میتوانی راهنمای من باشی و به این صورت این ضرب المثل رایج شد که **عشق کور هست و دیوانگی همراه اوست**

زیباترین لحظه زندگی زمانی هست که عاشق باشی و عاشقت باشند یعنی جاده عشق دو طرفه باشد چون هر گاه جاده عشق یک طرفه باشد به مقصد نخواهد رسید . مثلی هست که میگویند عشق چشم را کور میکند ولی به نظر من عشق کاذب چشمان را کور میکند اما عشق واقعی و منطقی چشمها را بینا تر و عمیقتر میکند .
پس باید بتوانیم در زندگی هم از قلبمان و هم از مغزمان کمک بگیریم چون اگر یکی از آنها را در زندگی مشترک و یا زندگی اجتماعی بکار نبریم خیلی زود میشکنیم .

وقتی که دیدگاه یک زوج به زندگی به صورت منطقی و عاطفی باشد کاملاً عشق واقعی را حس میکنند و به این نتیجه میرسند که با عشق واقعی میتوان آرامش ، صمیمیت ؛ علاقه ؛ یکرنگی و همه چیزهای مثبت را در زندگی جای دهند و پی میبرند که در زندگی کمیت مطرح نیست کیفیت مهم هست ، در زندگی پول به تنهایی خوشبختی نمیآورد و نیز در زندگی هنگامی که پول داشته باشی ولی سلامتی نباشد هیچ چیز ارزش نخواهد داشت پولی که باشد ولی نتوانیم استفاده صحیحی از آن بکنیم چه ارزشی دارد ؛ این خودخواهی محض است که چیزی که خودمان دوست نداریم به دیگران تحمیل کنیم و یا خوراکی که تاریخ مصرفش گذشته باشد را به دیگری دهیم که خدای نا کرده ما مریض نشویم ولی اگر آن فرد خورد و بلائی سرش آمد اشکالی ندارد و این کار را هم اسمش را میگذاریم عشق و محبت و کمک به دیگران .
همه اینها عشقهای کاذب هستند که به اصطلاح با محبتهای الکی افراد را بخواهیم خریداری کنیم ، انسان با اندیشه اش سرنوشتش را خود میبافد و با احساسش اجازه میدهد دیگران برایش این کار را بکنند

وقتی که در زندگی مشترک عشق واقعی و منطقی باشد یک زوج برای حل و فصل کردن مسائل میتوانند صحبت کنند انتقاد کنند و می توانند انتقاد پذیر باشند و همدیگر را با نظرات مخالف و موافق خود تکمیل کنند . عشق واقعی این است که یک زوج از ناراحتی و گرفتاری هم ناراحت شوند نه اینکه باعث آزار و اذیت یکدیگر باشند و زندگی نامطلوب را به همدیگر تحمیل کنند و همانطور که در ابتدا اشاره کردم یک زوج خوشبخت با عشق حقیقی خود حس تملک را از خود دور میکنند ولی در کنار هم و با منطق قدم برمیدارند . با داشتن عشق حقیقی یک زوج احتیاج ندارد هر ساعت همسر خود را کنترل کند از طریق موبایل ؛ اینترنت و دوستان شخصی و یا قدیمی و.... زمانی که رابطه یک زوج به این مرحله رسید یعنی اطمینان و اعتماد رنگی در آن زندگی ندارد و ادامه آن جز گول زدن خویش هیچ ارمغان دیگری در بر نخواهد داشت و اینجاست که میگویند هر گاه جلوی ضرر را بگیری منفعت کردی و اگر همچنان خود را به نادانی بزنی



همکارمان سارا عباسی از پاریس

• برآستی چرا این روزها افراد با نام عشق خرید و فروش میشوند و از این کلمه مقدس سوء استفاده های فراوانی میشود .
• البته این سوء استفاده ها موقتی هستند و خریداران که خود را برنده جلوه میدهند خیلی زود رسوا میشوند .

قدیمها افراد بیسواد بعلت چهل و نادانی و فقر دختران خود را به افراد ثروتمند می فروختند و به اصطلاح چون فرزند خود را دوست داشتند می خواستند خوشبخت شود و به این ترتیب عشق کاذب نمایان میشد ولی در این زمانه علم و دانش و روشنگری ، خرید و فروش افراد به زن و مرد و بی سواد و تحصیلکرده ربطی ندارد و هر کس عاطفی تر باشد ولی منطق را نشناسد خیلی زود به دام این خریداران می افتد و فقط در نگاه او همان خریدار جلوه میکند و بس و چه بسا از خانواده و پدر و مادر و فرزند و عزیزترین عزیزانشان دست میکشند و بقول معروف که میگویند سیاست پدر و مادر نمیشناسد این افراد هم در این مرحله از زندگی پدر و مادر و فرزند و هیچکس را نمیشناسند

(البته یقین دارم این صریح نوشتن من عده ای را آزرده کند ولی بدون تعارف میگم افرادی که از این مقاله من دل چرکین میشوند یا همان خریدارانند و یا افرادی هستند که خریداری شدند و همچون برده و بره به اربابان خود خدمت میکنند)

عشق واقعی چگونه بدست می آید و شناخته میشود ؟

راز عشق واقعی در این هست که حس تملک را از خود دور کنیم در حقیقت هیچ کس نمیتواند مال کسی شود شریک زندگی را با طناب نیاز نبندیم گل و گیاه هنگامی رشد میکند که از نور آفتاب و هوا استفاده کند.
خوبی و زیبائی عشق در نهاد بشر شعله ای هست که میتواند پنهان نگاه داشته شود اما خاموش نمیشود و

دانش شهريگري را از كهن ما براي ديگران بگذاشتيم " آثار سياوش اوستا " را بخوانيد و به ديگران هديه بدهيد

كارنامه سربلندانه استاد سياوش اوستا كه طی سی سال گذشته راهگشای روشنگري و خردگرایی و فرهیختگی برای مردم سرفراز سرزمین ما بوده است .

برای نشان دادن سربلندی و افتخار و ميراث فرهنگي ایرانی به دوستان و همكاران و همكلاسه‌های ایرانی و غيرایرانی در سراسر جهان بهترين هديه در هر هگامه آثار سياوش اوستا ست به زبانهای پارسی فرانسوی و انگلیسی

در پائين نمونه های کوچکی را از يك جهان تلاش ميپيښد

برای سفارش به سایت فریاد دات نت بروید **www.Faryad.Net**

مهربان یاران! آیا میدانید كه خطبه عقد به زبان تازی! توهين به شخصیت زن میباشد؟ برای جاودان نمودن جشنهای عروسی و شادمانی خود و فرزندانان از دفترچه های زیبای پیمان پیوند زناشویی بسبك آریایی به زبانهای پارسی، انگلیسی، آلمانی و یا فرانسوی استفاده نمایید



بجای دین تازی آئین اوستا



www.Zartosht.Fr

بجای خطبه عقد و ازدواج تازی
پیوند خویشاوندی بسبك ایرانی



www.Faryad.Net

بجای سالشمار گریز یک تازی
از دهی به دهی دیگر سالنامه
هفت هزار ساله



www.7000sal.Com

قرآن سروده ای بسبك پارسی

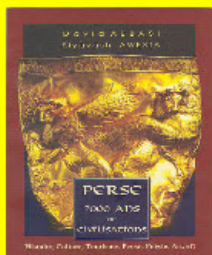
این کتاب که سی سال پیش نوشته شد این تازی را با آلهیای ایرانی منسجم و از دهها اسم فارسی منجم چون حمادای محمد و آیت شیدائی و مساندائی شریعی و منجی آیه و... پرده برداشت که هر بخش این کتاب آواز گدازهایی شد که توسط فرخندگان در سدهای پند منتشر شد



کتاب از میترا تا محمد



کتاب ایران با بیش از هفت هزار سال پیشینه تمدن
زبانهای پارسی فرانسوی و انگلیسی



www.Azadi.fr

بجای تفکر خشک و خشن تازی فرهنگ
و تمدن هفت هزار ساله آریایی



www.Aria7000.Com

بجای ندیه و دعا و خرافات تازی
نیایشهای اوستائی



www.Awesta.Net

خیام و این جهان فرسوده

کتاب به هزار سه صد سی دی سرگشتگیان
نیشابوری مشهور به عمر خیام و فریدون
صیاح و خواجه نظام الملک میباشد که سراج
مختلف زندگی عمر خیام و تلاشهای خرمفغانه وی
را در فرمای سلاطین تا بازگشتش و گشته شعلش
در نیشابور را باز میگرداند



آئین اوستا

این کتاب که در عهد سال پیش نگارش یافت از
چگونگی پیدایش فرهنگ و تمدن هفت هزار ساله
سازمان آریا و گدازهایی زشت و نامهای پارسی آن
برای نامهای تازی و نیایشهای اوستائی و سخنان
بزرگان جهان درباره زرتشت سخن میگویی و ثابت
میکند که آئینشندان هرگز مسلمان نبودند و کینه
بیک آتشگاه ایرانی و درهها از ریشه و کار آریائی



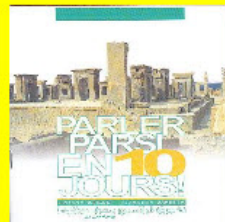
فریب بزرگ دکتر شریعتی افسانه پرداز و
افسونگر شیرینی سخن

یژوهشی نوین از کسیکه با سخنان فریبده خود
سیاهی های تفکر تازی را با رنگ فرهنگ و تمدنی
انسانگرا اما سرشار از دروغ و فریب برای ما به
ارمغان آورد و این شب سیاه را آفرید



ده روزه پارسی و یا فرانسوی یاد بگیرید

یک سی دی به همراه دفترچه ای که سخن گفتن
ابتدائی پارسی و یا فرانسوی را بشما ده روزه
یاد میدهد



حافظ رند شیراز سی دی

چرا و چگونه شمس الدین که حافظ
قرآن بود به آئین میترا و مهر گزید؟
سرگشت حافظ و افسانه عاشق شدن و
قال و غزلیات اوستائی او



کتاب خدا را در خواب دیدم
زبان آریایی میگردد

این کتاب که بیست سال پیش نوشته
شد خدا را از آسمان زمین آورد که هم
مروارید و هم گزیده میگردد. همین
کتاب راهگشای نیتهای بی پایان
بیشمارانی شد در راستای روشنگری
قرین مبین و گشایی را به میدان
نویسنده آورد که تا 60 سالگی خود
حالی یک مانده نوشته بود



دینداری و خردگرایی

این کتاب که بیست و پنج سال پیش
نوشته شد از چگونگی و چرانی
پیدایش باورها و آدیان سخن گفته و
ریشه لباس آخوندی و واژه آله و
پایه گذاری حوزه های علمیه توسط
استعمار و انواع اسلام و مذهب پرده
برداشت



آدرس پستی سیاوش اوستا :

Shahré Farang Paris

66 CHAMPS ELYSEES

Sous sol Bat D

75008 Paris France

Tel: +33 (0)1 42 89 59 95

+33 (0)1 45 63 02 63

Fax: +33 (0)1 45 61 21 12



یادگاری از کتاب و موزیک ایرانی
در قلب پاریس - خیابان شانزه لیزه

تلویزیون جهانی مهر
از پاریس

از طریق ماهواره و اینترنت

با یک کلیک صدها برنامه جالب و
دیدنی ما در هر کجای جهان که هستید ببینید

www.mehrTV.com



ترانه‌های عاطفی

داستان دنباله دار (قسمت آخر)

نوشته م. س



باشم و احساسم را به تو بگویم ولی فقط کمی به من فرصت بده.

قول میدم عشق فرهاد را تبدیل به عشق واقعی به تو کنم. عشق من به فرهاد شاید در دورانی بود که مثل گمشده‌ای دنبال یک ایده‌آل می‌گشتم و فرهاد در نگاه من، همون مرد ایده‌آل بود. عاشقش بودم ولی او هرگز کوچکترین تصویری در ذهنش نبود. شاید عشق هم نبود، یک احساس خاص بود ولی الان که با تو حرف می‌زنم، خیلی در من تغییری پیش آمده، هوتن به خدا راست می‌گم. باورم کن.

می‌ترسیدم نگاهش کنم. چشمان زیبا و مملو از اشکش دلم را به درد می‌آورد. فقط به آرامی گفتم: - نسیم دیگه حرفش را نزنیم و از فردا همه چیز را از نو شروع می‌کنیم. دلم نمی‌خواد اصلاً رابطه، احساسم با فرهاد هم عوض بشه. فقط می‌خوام مطمئن باشم تو هم این عشق خیالی را فراموش کنی.

- هوتن فقط دلم می‌خواد باورم کنی.

- نسیم تو برای من همه چیز شدی. حاضرم به خاطر تو از زندگی خودم هم بگذرم و دلم می‌خواد تو هم با تمام وجود و احساسات مال من باشی.

- قول میدم هوتن.

به طرف خانه نسیم به راه افتادیم و ترانه‌ای که در ماشین مثل پرونده پرواز می‌کرد شاید زمزمه‌های دردناک خود من بود که عارف می‌خواند:

وقتی قلبم بی تو گریونه

ابرای غم پره بارونه

دنیای من دیگه ویرونه
ای دل ای دل

تنها موندم با دل دل دیوونه
دنیا دنیا دنیام مته زندونه

وقتی قلبم بی تو گریونه
ابرای غم پره بارونه
دنیای من دیگه ویرونه
ای دل ای دل

تنها موندم با دل دل دیوونه
دنیا دنیا دنیام مته زندونه

سر راهم نه یک میخونه مونده
نه ساقی مونده نه پیمونه مونده
از اون مرد تو و اون قلب مغرور
یه عاشق با دلی دیوونه مونده

عاشق رسوا دیوونه ترینم من
کاشکی بی تو دنیا رو ندیدم من

تنها موندم با دل دل دیوونه
دنیا دنیا دنیام مته زندونه

وقتی قلبم بی تو گریونه
ابرای غم پره بارونه
دنیای من دیگه ویرونه
ای دل ای دل

در شماره قبل خواندید که:

هوتن یکی از فوتبالیستهای سرشناس در مراغه به مطب دوستش دکتر فرهاد به منشی او دل می‌بندد و تلاش میکند به وسیله دکتر فرهاد در جلسه‌ای خصوصی نسیم منشی دکتر فرهاد را ملاقات کند و بلاخره این اتفاق می‌افتد و دکتر فرهاد پس از جلسه‌ای که در باشگاه هوتن دارد هر دو به به طرف خانه دکتر فرهاد می‌روند و دکتر به او مژده می‌دهد نسیم هم مهمان خانه آنان است. بعد از اولین دیدارمان در خانه دکتر فرهاد عشق و علاقه من به نسیم دوصد چندان بیشتر شد و برای دیدن او لحظه شماری می‌کردم.

چند باری با نسیم دوتایی ملاقات کردیم و هر بار صد چندان عاشق و دلخسته او می‌شدم تا اینکه شبی نسیم به من گفت که عاشق کس دیگری است و از من قول گرفت از این راز او به هیچکس حرفی نزنم او گفت که عاشق فرهاد است و این یک عشق ممنوع و یکطرفه است.

لحظاتی مات و مبهوت به خیابان خیره شده بودم. نسیم عاشق فرهاد شده؟! فرهاد که زن و بچه داره و نسیم برای شیرین زن فرهاد مثل یک فرشته میمونه؟! مغزم داشت منفجر می‌شد و احساس بدی به من دست داده بود.

نسیم به آرامی گفت:

- هوتن، دلم می‌خواست از اول با تو روراست

تنها موندم با دل دل دیوونه
دنیا دنیا دنیام مته زندونه

چقدر دلگیرم از دست زمونه
عجب ظلمی تو کار آسمونه
شبابی شهر عاشق بی ستارن
ستاره مال شهر دیگرونه

عاشق رسوا دیوونه ترینم من
کاشکی بی تو دنیا رو ندیدم من

ای دل ای دل دل دیوونه
دنیا دنیا دنیام مته زندونه
ای دل ای دل دل دیوونه
دنیا دنیا دنیام مته زندونه

نسیم را رسوادم و راهی خانه شدم. وقتی به رختخواب رفتم سرم انگاری کوهی سنگین بر تنم بود و افکار گوناگونی در حال آزارم بودند. به جای نسیم بیشتر به فرهاد فکر می‌کردم که چرا باید نسیم عاشق اون بشه؟! فرهاد، فرهاد، فرهاد این اسم مثل بختک افتاده بود روی همه افکارم. فرهادی که مثل برادر و رفیق خوبم بود، ولی فرهاد که گناهی نداشت این نسیم بود که او را دوست می‌داشت و بعد یاد شیرین می‌افتم که خونه عشقش را به مهمانی نسیم دعوت می‌کرد بدون اینکه بدونه مهمان عزیزش در دل عاشق شوهرشه! فرهاد. او نکه این همه نگران نسیم بود و حتی مرا تهدید می‌کرد که مبادا باعث آزار نسیم بشم، نمی‌دونم چطوری خوابم برد. ساعت ۱۰ صبح مادرم بیدارم کرد و گفت: - پاشو قهرمان، مگه تمرین نداری؟ - سلام مادر جون. چرا.

صبحانه مختصری خوردم و به طرف باشگاه راه افتادم و ضبط را روشن کردم و صدای زیبا و غمگین فرزین بود که می‌خواند. به باشگاه رسیدم و لباس عوض کردم و رفتم داخل زمین برای تمرین ولی انگاری بدنم مال

خودم نبود و بیحوصله و خسته بدم و کار به جایی رسید که مربی تیم چند بار سرم فریاد کشید که امروز چرا اینقدر بیحال هستی. بالاخره تمرین تمام شد و پس از دوش گرفتن سوار ماشین شدم. ولی دلم نمی‌خواست به مطب فرهاد برم. انگاری حس تازه‌ای داشتم که چرا باید نسیم در مطب فرهاد کار کند؟ شاید حضور نسیم در مطب فرهاد منو بیشتر آزار می‌داد که فکر کنم نسیم هر روز باید فرهاد را نبینه! فکر کردم بهتر به نسیم بگویم دیگه مطب نره! تا بعد از ظهر که تمرین داشتم بی برنامه در خیابانها پرسه زدم و بعد رفتم تمرین و بعد از تمرین هم رفتم که شب برم دنبال نسیم که قرار بود شام را با هم بخوریم. رفتم خانه لباس عوض کردم و ساعت ۸ شب به طرف خانه نسیم به راه افتادم.

زنگ خانه را زدم و چند دقیقه بعد نسیم مثل یک فرشته رویایی در برابرم ظاهر شد. خدای من در اون لباس قرمز با آرایشی ملایم، انگاری ساعتها طراحان او را آماده کرده بودند. وقتی داخل ماشین نشست، بوی عطر دل انگیزش فضای ماشین را انباشت. نگاهی مملو از عشق، تحسین و دلدادگی به او کردم. لبخندی زد و گفت: - چی شده؟ اولین بار که منو می‌بینی؟! - نسیم تو برای من همیشه اولین بار هستی. هر وقت می‌بینمت گویی تازه بهت رسیدم. از دیدنت سیر نمیشم. باور کن از دیشب تا الان را نمی‌دونم چطوری گذروندم؟! - میدونم. واسه من هم خیلی راحت نبود. ولی احساس آرامش خاصی دارم. انگاری باری بر دوشم بود که برداشتم و حقیقت را به تو گفتم. باور کن از دیروز تا حالا احساسم به فرهاد هم عوض شده. وقتی با تو مقایسه می‌کنم می‌بینم خیلی فرق است بین احساسی که بتو دارم و به فرهاد دارم. حس می‌کنم فرهاد را شاید مثل یک عزیز خانوادگی دوست داشتم و تصورم این بود که عاشقش هستم ولی ترا دوست دارم به عنوان مرد زندگیم. به عنوان کسی که دلم می‌خواهد آینده‌مون بهم گره بزنیم.

بی‌اختیار به طرفش خم شدم و بوسه‌ای بر دستش زدم و گفتم:

- خیلی خوشحالم که امشب همه چیز را برام با این احساسات قشنگ گفتی و تو هم بدون تا آخر زندگیم با تو خواهم بود و عاشقانه دوستت خواهم داشت.

آن شب زیباترین و خاطره‌انگیزترین شب زندگی من بود واسه اولین بار با نسیم عاشقانه حرف زدیم، نگاه کردیم و دستهایمان را به هم گره زدیم.

فردا با مادرم درباره نسیم حرف زدم و قرار شد برای خواستگاری با خانواده نسیم تماس بگیریم و قرار ملاقات بگذاریم. فرهاد را هم در باشگاه دیدم و بهش گفتم من و نسیم تصمیم به ازدواج گرفته‌ایم.

فرهاد از خوشحالی منو بغل کرد و بوسید و گفت: - واقعا تبریک می‌گم. عجب خبر خوبی بهم دادی. هوتن خیلی خوشالم چون هر دو طرف شماها عزیزان من هستید و اینکه از رابطه معمولی به پیوند ازدواج رسید. من هم چون هر دوی شما احساس خوشبختی می‌کنم. چقدر از شنیدن این خبر، شیرین خوشحال خواهد شد.

باورکردنی نبود در کمتر از سه ماه نسیم و من پای سفره عقد نشستیم و به خانه عشق و امیدمان نقل مکان کردیم.

و امروز هشت سال از ازدواج من و نسیم می‌گذره و ثمره این عشق دختر زیبا و دوست داشتنی‌مان حنا است که باعث شده زندگی را هر روز با عشق و محبت به او دنبال کنیم.

من شرکتی ورزشی تاسیس کردم و نسیم به میل خودش بیشتر می‌خواهد با حنا باشد و کار نمی‌کند و گهگاه در کارهای شرکت کمک حال من است. فرهاد و شیرین هم اکثر اوقات با ما هستند و روابطی بسیار صمیمانه داریم.

حالا که به روزهای اول آشنایی‌مان فکر می‌کنم می‌بینم سرنوشت عجب طراح و بازیگردان قهاری است.

**مجله رنگارنگ یکبار مصرف نیست و هر شماره آن سالها
در منازل فارسی زبانان نگهداری می شود.
با خرید، آبونمان شدن و دادن آگهی‌های تبلیغاتی خود
حضور این نشریه را تداوم بخشید.**

جدول و سرگرمی



افقی:

- ۱- پی بردن و دریافتن- کنایه از دو به هم زنی و فتنه انگیزی
- ۲- پرنده رنگین پوش - رشته کوهی در اروپا - شهری
- ۳- ریسمان، طناب - پیشوا - پسر
- ۴- گوشت آذری - لباس خانها -
- ۵- خدای هندو - گل همیشه
- ۶- پرند ه ای خوش آواز - مخالف
- ۷- سپاسگزار - مخفف از این - شاهزاده ۸- مخفف
- ۹- صدمه، آسیب
- ۱۰- به کفش بعضیها دیده میشود - خوراک
- ۱۱- زرد انگلیسی - کشور فلاسفه
- ۱۲- خدمت کننده به وطن ۱۱- صنعتی در شعر فارسی - هر
- ۱۳- حرف بیزاری - لایه محافظ دندان
- ۱۴- کالبد - تاقچه بالایی ۱۳- شیپور بزرگ جنگی

۱۵- اندوه - فلز مرتجع ۱۴- نوعی اسباب بازی - سو و جانب - شهری در استان چهارمحال و بختیاری ۱۵ طرفدار دموکراسی - نویسنده کتاب کیمیای سعادت

عمودی:

- ۱- کتابی کوتاه به زبان فارسی در «علوم خفیه» ترجمه و تألیف ملاحسین واعظ سبزواری - نژاد ایرانی ۲- دوره ابتدایی - تباه کردن، تلف کردن - صدای زنبور ۳- شهری در استان همدان - از جبوب - نیرو، توانایی، خوراک - مرزبان ۴- سفید آذری - نام دیگر گریپ فروت - گلابی ۵- مار خطرناک - مقیاس اندازه گیری - ایمان قلبی، اعتماد
- ۶- شغال - ذخیره، پس انداز - باطل کننده ۷- موز - در این مکان - درخت انگور ۸- ساز اصیل ایرانی - تاجر - از انجیل ها ۹- کسی که دستش معیوب و از کار افتاده است - آقای فرانسوی - شهری در ایتالیا ۱۰- نمایش با ساز و آواز - ناشناس تر - مرد شمشیر زن ۱۱- تا کنون - گل نومی - پرنده خبرچین ۱۲- قالب شعر خیام - از نقاط دیدنی و از جاذبه های استان خوزستان - گل خوشبو ۱۳- بدهی - پول کشور ایتالیا - پشم شتر - شهری در استان فارس ۱۴- همسر مرد - بندر بلغارستان - غده فوق کلیوی
- ۱۵- پیروان دین موسی - جنون جوانی

اتحاد و همیاری ملی با همت عالی

۲۵ سال در جهت منافع ملی و میهنی شما هموطن عزیز قلم زده ایم و مجله رنگارنگ را به عنوان شناسنامه هویت ایرانیان خارج از کشور نشین منتشر کرده ایم. ۲۵ سال پیش همین گونه نوشته ایم که امروز می بینید.

بر سر منافع ملی کشورمان با هیجکس و هیچ گروهی زد و بند و معامله نکرده ایم و طی ۲۵ سال گذشته دیناری کمک مالی دریافت نکرده ایم زیرا اعتقاد داریم استقلال و ثبات مجله رنگارنگ در آزادی قلم و بیان آن نهفته است

امروز برای اولین بار به خاطر تداوم زندگی مجله رنگارنگ سفره دل پیش شما صاحبان اصلی این نشریه گشاده ایم و انتظار داریم با حمایت و پشتیبانی شما عزیزان کماکان مجله رنگارنگ را در خانه هایمان حفظ کنید. شاید در زندگی روزمره هر کدام از شما مبلغ ۵، ۱۰، ۲۰ یا ... پوند و یورو مبلغ زیادی نباشد ولی چنانچه از سوی شما و تعدادی دیگر از دوستان برای ما ارسال شود گره گشای مشکلات مالی ما خواهد شد و کمک خواهد کرد همچنان استمرار یابیم.

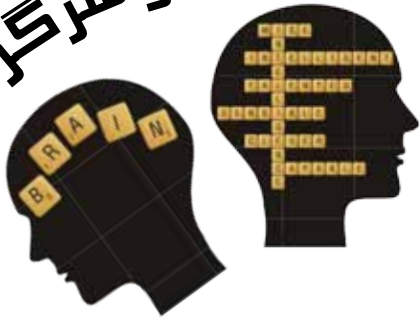
در بازار آلوده و آشفته امروز مطبوعات ایرانی در خارج از کشور که صدها نشریه ریز و درشت با حمایت پنهانی حکومت آخوندی سرازیر بازار شده است و



همه چیزشان مجانی است، چون شرافت نداشته شان! رقابتی نابرابر و ناعادلانه را به وجود آورده اند که ادامه زندگی مطبوعاتی رنگارنگ را سخت و سخت تر کرده اند

ولی ما به همت عالی و افکار انسانی و احساسات ملی و میهنی شما ایمان داریم و می دانیم مجله ای را که متعلق به خودتان می باشد را تنها خواهید گذاشت. چنانچه چند دقیقه ای از وقتتان را به گذاشتن مبلغی در حد امکاناتتان در پاکتی به آدرس ما اختصاص دهید، با این حرکت زیبا و ملی و میهنی باعث دلگرمی و امیدواری بیشتر ما در این راه سخت خواهید شد.

جدول و سرگرمی



۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

افقی:

- ۱- کشوری در قاره اروپا با مرکز تیرانا- شرکت فرنگی
- ۲- تالاب و آبگیر- دلتگی و افسردگی ۳- عید ویتنامی ها- زن گندمگون- ایالت جدایی طلب اسپانیا- مرغابی ۴- نیروها- نتیجه ارزیابی- میوه تلفنی ۵- بزرگتر- از اجرام آسمانی- همان دارایی است ۶- ملاقات- پول خارجی- حکمرانی و ریاست ۷- تیغه آزمایشگاهی- زمین لغزنده- گربه عرب- نگارش مطلبی در کتاب یا روزنامه ۸- آزرده- نام قدیم مشکین شهر ۹- بخشندگی- عضوی بر صورت- رنگ موی فوری- فریب و حيله ۱۰- مطابق روز- چین و شکن پوست- طمانینه و آرامش ۱۱- شهری

در کردستان- سبب و دستاویز- از فرشتگان شب اول قبر ۱۲- محور سنگ آسیاب- بنیاد و پی عمارت- بانگ و آواز ۱۳- قلب- بهشت و فردوس- گرمابه- قلب قرآن ۱۴- از درجات نظامی- یار سلامان ۱۵- شهری در استان همدان- شیطان.

عمودی:

- ۱- خرده گیری سازنده- از بنادر مهم در استان خوزستان ۲- نمایندگی دادن- زنجیرها ۳- شهر مرکبات- قهوه خانه اداره!- پسوند شباهت ۴- رود مرزی شمالی- کتابی از مهاتما گاندی- شهری در خراسان قدیم ۵- جمع ندیم- فغان و فریاد ۶- مددکار- آسان- انبوه و فراوان ۷- کشاورز- استوانه ای در سیلندر که موجب حرکت میل لنگ می شود ۸- دوست و رفیق- سنگریزه ۹- جنگ و پیکار- تنگه ای که اندونزی و سنگاپور را از هم جدا می کند ۱۰- سردرگم- اسب رستم- کاستی ۱۱- از مشتقات شیر- اره درودگری ۱۲- پوشش چشم- قوی و پر زور- همنشین گل ۱۳- اسب آذری- کتابی از هربرت جرج ولز- قدم یکپا ۱۴- لک لک- منسوب به دنیا ۱۵- کنایه از مهارت و زبردستی- در حال ترس و بیم.

به آنان که دوستشان دارید و می خواهید همیشه با یاد شما باشند مجله رنگارنگ را هدیه کنید

فرم اشتراک

نام و نام فامیل

آدرس کامل

میزان حق اشتراک: در انگلستان یک ساله ۴۰ پوند در اروپا یک ساله ۶۰ یورو در آمریکا یک ساله ۱۰۰ دلار

لطفا چک خود را به نام M.Sarabi صادر فرمائید

M.sarabi

RANGARANG International , PoBox 2821 London NW2 1DS United Kingdom

Email: rangarang_london@hotmail.com

فصل ماه شما



فروردین :

پیشرفت های خوبی در زمینه مالی دارید و دیدگاه بهتری پیدا می کنید. شرایطی را که فکر می کردید رو به رو شدن با آن ها مشکل است به خوبی درک می کنید و به راحتی به اهدافتان دست می یابید. در حال حاضر شخصی مایل است که از شما مراقبت کند و از شما حمایت کند. حتی ممکن است آنها به دنبال شغل بهتری برای شما باشند و یا به طریقی بخواهند که اعتماد به نفس شما را بالاتر ببرند



اردیبهشت :

شما بر سر دوراهی قرار گرفته اید. شاید دلتان بخواهد که با عجله از این دوراهی بگذرید، اما وقتی که شروع میکنید، میبینید که راههای بسیار زیادی از آنها منشعب میشود و آن راهی که شما در زندگی تان برمیگزینید تأثیرات طولانی مدتی خواهد داشت. بنابراین چیزی که ابتدا بر اساس حس و غریزه آغاز میکنید تا مدتها میتواند تأثیرات خود را داشته باشد. مهم نیست که چقدر از کارتان لذت میبرید؛ فقط نباید عجله کنید. همه چیز را به حال خود بگذارید، زمان آن را حل میکند



خرداد :

متوجه شده اید که یکی از نزدیکانتان نگران یا مضطرب است اما تاکنون این موضوع را به خاطر سرگرم بودن به کارهای خود نادیده گرفته اید. اکنون اشتباه خود را می پذیرید . اگر مدتی است روابط اجتماعی تان کم شده است سعی کنید دوباره به اجتماع برگردید. دیگران جذب عقل سلیم و روحیه با نشاط و هم چنین طبیعت مهربان شما می شوند.



تیر :

سعی کنید به کارهایی که می توانید انجام دهید فکر کنید نه کارهایی که نمی توانید. می توانید از کارهای خلاق و هم چنین رابطه ها بهره مند شوید. بودن با افرادی که در گذشته با آن ها معاشرت داشته اید خاطرات زیادی را زنده می کند اگر می خواهید مهمانی بگیرید یا دوستی را به صرف غذا دعوت کنید اکنون بهترین زمان است. معاشرت با آنها روحیه تان را بالا می برد و ایده های آنها قوه تخیل شما را فعال می کند. زمان خوبی برای گرفتن تصمیمات مهم با خویشتن دانستن است.



مرداد :

در رابطه با آرزوهایتان تغییرات کوچکی صورت می گیرد. شاید یک مسئله را کاملاً ساده گرفته اید و اکنون متوجه اهمیت آن شده اید. سعی کنید در رابطه با یک فرصت خیلی مردد نباشید زیرا ممکن است آن را از دست بدهید. دوستان پیشنهادت خوبی دارند و از این که در کنارشان هستند خوشحال می شوید. اگر به حمایت روحی احتیاج دارید در حال حاضر همه حامی شما هستند. سعی کنید سرگرمی مورد علاقه تان را انجام دهید تا آرامش پیدا کنید.



شهریور :

شما اشتیاق دارید که دوباره به دوستانتان پیوندید، چرا که کاملاً برای چیزهای جدید که در زندگیتان هستند شور و هیجان دارید. خوشبختانه هم اکنون متعادل کردن آرزوهایتان به منظور فعالیتهای اجتماعی با احساس نیاز برای استقامت داشتن برای شما به اندازه کافی اهمیت دارد. اگر از تعطیلاتتان خوب استفاده نکرده اید، اعتماد کردن به غریزه تان اهمیت بیشتری دارد. بعد از گذشت مدت زمان زیادی شاید به یاد نیاورید که یک مهمانی را از دست داده اید، برای اینکه در عوض وظایفتان را انجام داده اید



مهر :



با همسران بحث های جدی می کنید و آنها آماده اند تا عقاید و نظراتشان را برای تان بیان کنند شاید کمی نگران شوید اما هیچ کدام از آنها نگران کننده نیست. امروز شما مورد توجه و مراقبت شخصی قرار خواهید گرفت. مسلم است که آنها عمیقاً به شما توجه دارند، حتی اگر از گفتن این مطلب خجالت بکشند. مسائل عشقی و احساسی دقیقاً مطلبی است که سازنده روحیه امروز شماست، چه با عشق حقیقی خود خلوت کرده باشید و چه روی صندلی راحت لم داده و یکی از فیلم های سینمایی را نگاه کنید.

آبان :



شما اولین کسی هستید که باید کار را رها کنید و به بازی و تفریح بپردازید. به همین دلیل دیگران نمی فهمند چرا اینقدر کار خود را خوب و با وجدان انجام می دهید. ستاره ها به شما گوشزد می کنند که چند دقیقه وقت خود را صرف جزئیات کار کردن چقدر بعدها شما را از دردسرهای نجات می بخشد. بگذارید دیگران بدانند که شما قصد دارید تا مدت کوتاهی دیگر جشن گرفتن را شروع کنید.

آذر :



شما قادرید که بسیار جدی و عمیق فکر کنید، گرچه که ممکن است درگیر نگرانی هایی شوید. از این که ذهنتان را معطوف به گذشته ها کنید، مطالب بسیاری می آموزید، خصوصاً مواردی که به تازگی اتفاق افتاده است. این کار به شما نشان می دهد که در حال حاضر چگونه باید رفتار کنید. ممکن است تشخیص دهید که تاریخ در خطر تکرار دوباره است، مگر این که شما دست به اقدام کاری برای جلوگیری از آن کنید.

دی :



ذهن تان فعال است. فرصت خوبی است تا برای آینده برنامه ریزی کنید زیرا اکنون منطقی و عقلانی هستید و دوست دارید به اهدافتان برسید به ویژه آن هایی که دست نیافتنی تر هستند. واقعاً ناراحت کننده است شما دیدی مثبت دارید و یکی از همکاران آن را خراب میکند. این مشکل آنهاست. اگر دوست دارند که از شما ایراد بگیرند و روی شما زوم کرده اند، ارزش ندارد وقت تان را با آنها تلف کنید.

بهمن :



معمولاً شما استعداد خوبی در این دارید که به دیگران بفهمانید که حد و مرزتان با شما کجاست و چه زمانی از آنها تجاوز می کنند. ممکن است امروز کسی بیش از حد مدعی باشد ولی خیلی طول می کشد تا شما بفهمید که چه اتفاقی افتاده است و دیگر دیر شده تا از آن جلوگیری کنید. فهمیدن اینکه نقش شما در اینکه اجازه داده اید چیزی فراتر از حد خود برود کمکی به بهتر شدن اوضاع نمی کند. اگر کنترل خود را در این موقعیت از دست بدهید نشان می دهد که نمی توانید مسائل را در جایی که خودتان قبول دارید قرار دهید.

اسفند :



این ماه برای رسیدگی به اوراق کاری و مالی و هر چیز دیگری که دارای مهر رسمی است، عالی می باشد. ذهن شما بسیار عالی عمل می کند، همه چیز را بسیار واضح و کامل مدنظر دارید و واقعاً وضعیت ذهنی خوبی برای رسیدگی به این امور دارید. این امر از دید شخصی که مافوق شماست مخفی نمی ماند و بسیار تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

اتحاد و همیاری ملی با همت عالی

۲۵ سال در جهت منافع ملی و میهنی شما هموطن عزیز قلم زده ایم و مجله رنگارنگ را به عنوان شناسنامه هویت ایرانیان خارج از کشور نشین منتشر کرده ایم. ۲۵ سال پیش همین گونه نوشته ایم که امروز می بینید.

بر سر منافع ملی کشورمان با هیچکس و هیچ گروهی زد و بند و معامله نکرده ایم و طی ۲۵ سال گذشته دیناری کمک مالی دریافت نکرده ایم زیرا اعتقاد داریم استقلال و ثبات مجله رنگارنگ در آزادی قلم و بیان آن نهفته است

امروز برای اولین بار به خاطر تداوم زندگی مجله رنگارنگ سفره دل پیش شما صاحبان اصلی این نشریه گشاده ایم و انتظار داریم با حمایت و پشتیبانی شما عزیزان کماکان مجله رنگارنگ را در خانه هایتان حفظ کنید. شاید در زندگی روزمره هر کدام از شما مبلغ ۵، ۱۰، ۲۰ یا ... پوند و یورو مبلغ زیادی نباشد ولی چنانچه از سوی شما و تعدادی دیگر از دوستان برای ما ارسال شود گره گشای مشکلات مالی ما خواهد شد و کمک خواهد کرد همچنان استمرار یابیم.

در بازار آلوده و آشفته امروز مطبوعات ایرانی در خارج از کشور که صدها نشریه ریز و درشت با حمایت پنهانی حکومت آخوندی سرازیر بازار شده است و



همه چیزشان مجانی است، چون شرافت نداشته شان! رقابتی نابرابر و ناعادلانه را به وجود آورده اند که ادامه زندگی مطبوعاتی رنگارنگ را سخت و سخت تر کرده اند

ولی ما به همت عالی و افکار انسانی و احساسات ملی و میهنی شما ایمان داریم و می دانیم مجله ای را که متعلق به خودتان می باشد را تنها خواهید گذاشت. چنانچه چند دقیقه ای از وقتتان را به گذاشتن مبلغی در حد امکاناتتان در پاکتی به آدرس ما اختصاص دهید، با این حرکت زیبا و ملی و میهنی باعث دلگرمی و امیدواری بیشتر ما در این راه سخت خواهید شد.



CLADDAGH ESTATES

Property and Financial service

نگران سفرهای خود به جنوب اسپانیا نباشید و مبالغ زیادی به هتلها نپردازید.

**ما جهت سفرهای کوتاه شما ویلا و آپارتمانهای مختلفی را با
اجاره‌های مناسب در اختیارتان قرار خواهیم داد**

خرید ویلا، آپارتمان و مکانهای تجاری با شرایط ایده آل



خرید، فروش و اجاره املاک



مشاور در سرمایه گذاری

Telephone: 0034 - 650 273 384 or 650 148 945

Email: hanieh@claddagh-estates.com or james@claddagh-estates.com

مشاور فارسی زبان: 0034 - 637 987 009

Welcome to SPAIN

Our vision is to become the real estate adviser of choice in our selected markets. We do not wish to be the biggest, just the best (as judged by our clients).

Our values capture our commitment not only to ethical, professional and responsible conduct but to the essence of real estate success, an entrepreneurial value-embracing approach.

We take pride in everything we do

- We take great pride in delivering services of the highest quality
- We always go 'the extra mile' to meet our clients' objectives
- We seek to employ and retain only the best people

We always act with integrity

- We behave responsibly
- We act with honesty and respect for other people
- We adhere to the highest standards of professional ethics

We take an entrepreneurial approach to business

- We seek out new markets and opportunities for clients, and take a forward thinking approach to delivering value
- We are forward thinking, and always aim to build long-term client relationships
- We aim to be a leader in every market we enter, and commit ourselves with passion, energy and expertise
- We approach problems with a proactive, practical attitude, delivering robust solutions

PROPERTY MANAGEMENT:

When you let with us, you may choose our property management service. You will be allocated a dedicated Property Manager who will proactively manage on your behalf. You get professional but human service, not a call centre. Your Property Manager will guide you through all of the legal and practical issues.

How we can help you:

Peace of mind is a valuable asset for landlords. Our people deliver property management services expertly, consistently and always with the aim of giving our clients peace of mind – and maximising the value of their property.

Our Expertise:

Our team can manage your property throughout the lettings process; from organising inventories and arranging for properties to be cleaned pre-tenancy,



CLADDAGH ESTATES

Property and Financial service

right through to handling deposit negotiations once the tenancy has come to an end.

During the tenancy period we can liaise with utility suppliers and arrange repairs, maintenance works and safety reports on your behalf, as well as organise payment of outgoings such as ground rent and service charges. Alongside our handling of day-to-day maintenance issues and visits to check the property, these services mean you can relax, knowing that your property is being looked after and your interests taken care of.

Fees for our Property Management service are set out in more detail in our Terms of Business.

Renewals and Terminations:

We have dedicated people who specialise in negotiating the renewal of your tenancy. They are on hand to provide advice on the current market trends and rent levels, provide comparable evidence and arrange for a re-appraisal of your property where appropriate and to negotiate with the tenant on your behalf. When your tenancy is due to end our team will guide you through the termination process.

BUILDING & CONSTRUCTION SERVICES:

We have a team of fully qualified Carpenters, Builders, Plumbers, Painters and electricians who can provide you with any works that you may require from:

Minor repairs

Complete renovations on all scales

Complete building and constructional projects

All our qualified specialist are reliable, fast working and efficient and can manage any scale of job.

They will guarantee a deadline which they will endeavour to keep to as well as a guarantee that the job will be started and completed with the highest of standards.

With the added benefit of a very reasonable price for both parts and labour.

Should you be interested please do not hesitate to contact us and we will arrange a time convenient for yourself whereby our team can attend the property and give a free no obligation quote.



Aquarius: You have been very disciplined. You deserve a little treat. This, more or less, is the argument you keep putting forward. You know, of course, the counter-argument only too well. And that's the trouble with being good, isn't it? Once that initial glow of righteousness wears off, restlessness sets in. But there are some adventures that you really don't want to go on - or return to. Acknowledge and satisfy your craving for excitement. But try to get up to the right kind of mischief and to take on the sort of challenge that will please you deep down within, regardless of whether or not it brings you worldly gain. Soon, many dramas will unfold around us as Saturn and Uranus renew their intense opposition.



Pisces: It's not what you do; it's the way that you do it. You can get away with a lot if you adopt the right attitude. Equally, if you become morose or manic, you can suddenly find that your options have become severely restricted. Nothing feels right when you don't feel right. Everything has potential when you are willing to make room for a little magic in your life. How much control do you have over your own emotions now? More than you might imagine. Draw a deep breath, shake away the shadow that is looming over you, and let some light shine in. September is due to be much more enjoyable than you expect.



Aries: Lately, you have been systematically ruling out a lot of things. You've been going through your list of options and interests as if it were a junk room in urgent need of a clear up. Under the influence of Mars in your fourth house, you've been removing obstacles to comfort and security, slinging out this, getting rid of that. Now, you should stop before you get carried away and ruthlessly chuck away something that you might actually require one day. An encouraging link from Mars to Saturn is your promise of a struggle, followed by a breakthrough. You don't have to force anything or even decide anything. You just have to trust. Your latest week ahead audio prediction tells you what you need to know more than anything else right now



Taurus: It doesn't matter what you do. It doesn't matter where you go. It doesn't matter what you accomplish. It doesn't matter how many (or how few) friends you have. It doesn't even matter how much money you've got. Nor, for that matter, does it matter what you know. Or what you understand. Or what you think you understand. What matters is how much you are enjoying yourself. Are you glad to be alive? Is the day bringing you pleasure or pain? September brings a chance for you to enhance the activity that brings you the most experience of satisfaction. What else matters more than that? Your latest week-ahead prediction will help you sort out your problems and feel far better.



Gemini: Remember how Superman used to freeze time? He would race to the Moon and back as fast as it took everyone around him to move a fraction of an inch. As a Gemini, you have an ability like this. You lead your life at a much faster pace than your contemporaries. You are, in September, on course to cram more progress and experience into each moment than some folk can pack into a year. Inwardly, you are travelling quickly. You are growing out of ideas before others have even grown into them. If, though, you end up feeling lonely because you are so far ahead of the game, slow down a little! While I was recording your latest weekly prediction, I saw something important about you and your future.



Cancer: You have been swinging between wild extremes lately. Now, you are finding a level. Levels are good things. They can be built upon. They provide stability. They are not, though, very attractive to people who like the excitement of uncertainty. You are slightly concerned about winding up somewhere dull; playing your part in a compromise that you find tedious to keep up. Yet with Mars in your sign all through September, that's not going to happen. You can only benefit from the determination you feel, the effort you are making and the commitment you are giving, even if it does all seem a bit 'too much' at times. While recording your latest weekly prediction, an exciting new possibility came to light. Let me tell you more.



Leo: To your left, there's a ferocious dragon. To your right, an enemy army. An earthquake is about to tear the ground below you asunder. You have to do something... but what? Under such dire circumstances, I suggest your best bet is to stand still and reconsider. Is that a dragon, or just a tiny lizard behind a magnifying glass? Is that an army... or just a marching band? Is the earth really moving or are you just getting a bit over-excited? The planets suggest that your imagination is working very well at the moment. Perhaps a little too well. If you're going to use it, make it work for you. Imagine something wonderful... then make it real. You haven't got a 'problem'. You have an incredible opportunity. In your new audio forecast I explain more.



Virgo: Some people have a lot to say for themselves. But it doesn't necessarily follow that they know very much. Others have a tendency to keep quiet, but we can't assume this is because they have nothing to contribute. Where normally you might be inclined to make a big fuss about an unacceptable situation, you are currently feeling uncharacteristically reticent. This is neither timidity nor stupidity. It is intuitive wisdom at work. Somehow you know that circumstances will soon change. You ought to trust this feeling - and then wait until they do change during September - before making your next move. While recording your latest weekly prediction, an exciting new possibility came to light.



Libra: Passion is always attractive. Even if it's expressed in a negative way or it is attached to some dubious, dangerous idea, it has a kind of hypnotic fascination. Passionate people somehow seem more alive. They radiate an intensity and carry a particular kind of power. You could easily become very passionate about something in September. If, though, you want a result more than you want a passing sense of drama, you won't give way to that powerful temptation. You'll resist that initial urge and take a long hard look at what's really, truly wise. And then, you'll apply your passion to patience! Soon, many dramas will unfold around us as Saturn and Uranus renew their intense opposition. But the healing 'triple conjunction' of Jupiter, Neptune and Chiron remains powerful too. Find out when it is due to affect your personal birth chart and when you should be ready to rise above old problems, forever



Scorpio: A famous golfer once remarked, 'It's a strange thing, but the more I practise, the luckier I seem to get.' Hard work, to some extent at least, creates good fortune. Effort invariably leads to reward. It is, though, true that a small amount of effort can sometimes bring a very big reward, and a large amount won't necessarily bring results in the same ratio. That, of course, is because there's more than one ingredient in the cake of success. So make an effort in September. Be clever and think positive thoughts. And then use your discrimination. Aim for the right target and everything you need, you'll get.



Sagittarius: You may now be tempted to water down your words. Although you don't normally have difficulty expressing yourself, there is something you want to say - yet you dare not say it. You fear that there will be great controversy if you speak out. Perhaps so. But you believe yourself to be right about a matter and you also feel that it urgently needs to be discussed. SO, have faith in your own belief! Err on the side of diplomacy wherever possible in September, but don't become too mealy-mouthed. Sometimes, the only way to make something constructive occur is to take a risk and tell the whole truth. Soon, many dramas will unfold around us as Saturn and Uranus renew their intense opposition. But the healing 'triple conjunction' of Jupiter, Neptune and Chiron remains powerful too. Find out when it is due to affect your personal birth chart and when you should be ready to rise above old problems, forever.



Capricorn: The world is changing, right before your eyes. Little is as it once was. Each day brings something new to digest and consider. That's why you feel so keen to protect and preserve a part of the past. It somehow suggests a sense of safety. Be careful, History is a false refuge. Only the future affords true protection! And the only truly safe way to get there is by allowing yourself to adjust and adapt. Be fluid, be flexible and be ready to start moving in a new direction. You may feel daunted by what's now being asked of you, but you'll soon feel proud that you managed to rise to the challenge so well.



Models IN FASHION WORLD

The attractive and glamour fashion world is attracting millions of young people in the world of fashion.

Every year the most famous stars of cinema and music world, politics and business wear the last designs of the designers. The fashion world has its own place in the world. Hundreds of thousands of modelling agencies in the world are trying to introduce the newest face and talent to the fashion world. The astronomical income and fame and success is waiting for those young people who want to be a famous model but the important point is that these youth find the right path and find the fame through the right and known canals to continue their profession.

Hanna Modelling is one of the known modelling agencies in Europe, is standing side by side to Rangarang Magazine, and has been successful to discover and introduce many new faces to the fashion world.

In today Fashion World, many talented and interested Iranian young people have been able to propound themselves in the international world which you can see some of them in this issue.

If you are interested to try your chance in the fashion world, you can contact with Hana modelling agency and hope you would be able to be successful.

Hanna modelling agency makes
you a professional and rich

Hanna modelling agency with 15 years history and experience of introducing professional and famous models to the fashion world is inviting you to leave your talent and ability in their hands and be sure that they will make you a professional and rich model.

Hanna modelling agency has branches in England, France, Germany and Spain and can be your flight platform to your golden wishes.

Tel: +44 (0) 2087319333

+44 (0) 2082080010

Email: fas2008@live.co.uk





Madonna Takes "W.E." to Venice

Stepping out for a promotional appearance, Madonna was spotted at a photo call for her new flick "W.E." at the Venice Film Festival . The "Material Girl" songstress, who co-wrote and directed the film, was joined by Abbie Cornish at the Palazzo Del Cinema .

With their friends on the east coast wanting a chance to celebrate and congratulate the newlyweds, Kim Kardashian and Kris Humphries were bestowed a lavish post-wedding soiree in New York City.

Kardashian & Kris Humphries' NYC Wedding Party



Charlize Theron Goes Shopping in London



Looking to boost the English economy, Charlize Theron was spotted shopping on Kings Road in Southwest London. The "Monster" actress hid behind a pair of oversized sunglasses as she headed into a Calvin Klein lingerie store where she picked up a few new items.



Matthew Fox: Facing Assault Charges

He had a rough weekend in Cleveland, Ohio, and now Matthew Fox is facing assault charges for allegedly punching a party bus driver.

Heather Borman filed the paperwork yesterday against the "Lost" star, and told press that Fox was inebriated when he attempted to board her party bus.



Celebrity Gossip



Rihanna: Night Swim Sexy in Barbados

Still living it up in her native land, Rihanna joined her family and friends for a day on off the shore of Barbados .

Wearing a colorful one-piece swimsuit, the "What's My Name" singer cruised the crystal clear waters before setting anchor and hopping off ship to do a little wave running in the island locale.

Lady Gaga Slams 'Extreme Critic Fundamentalism'



She's got her own column in V magazine, and this time around Lady Gaga took shots at harsh and elitist fashion critics.

Cher Defends Chaz Against "DWTS" Disses



Coming to the defense of her son, Cher has spoken out against critics of Chaz Bono's casting as the first transgender contestant on "Dancing With the Stars."

**M.Sarabi**

Introduce Yourself

There are hundreds of thousands of people in Europe that most likely haven't had the chance to hear of you or your business. So this is your chance to introduce yourself

by sending your advertisement in Rangarang magazine.

With 22 years of publication in its pocket, Rangarang magazine, is dubbed a favourite magazine for Farsi speakers all throughout Europe and has reached the hands of its fans through more than 500 distributors.

In every edition in the last 22 years, Rangarang magazine has been trying to attract more and more readers and find new distributors to extend the magazine to them.

The customer has the Golden role, making them the most significant person in today's World Trade Business with every director and owner of businesses and trades trying to attract more cus-

tomers, Rangarang magazine is the golden key to open this door to the hundreds of thousands of the Farsi speaking population and opens the doors for you to all the readers who have yet to hear of you and your business because you need a representative to introduce your ideas to this huge bustling market of potential customers. For many years, Rangarang magazine has received outstanding reviews from previous business owners who have used us to send their message and are very pleased with the results.

My advice to you

Present your business and your company so that others can familiarise themselves with your job, business and service that you are offering. Don't wait any longer! Contact us via phone or email in any Country you are situated in. Contact our representatives and have your advertisements reach Offices, Shops and Homes of thousands of new thriving, potential Customers.

Tel: 020 8731 9333 - 020 820 800 10

Web: www.rangarang.co.uk

Email: rangarang_London@hotmail.com



Cheapest flights to the Middle East

Turkish
Airlines
Tehran
fr £357
Return

including all tax
& charges

bmi
Direct
Tehran
fr £442
Return

including all tax
& charges

Qatar
Airways
Tehran
fr £436
Return

including all tax
& charges

Alnaser
Airlines
Baghdad
fr £440
Return

including all tax
& charges

Iran
Air
Direct
Tehran
fr £332
Return

including all tax
& charges

Gulf
Air
Dubai
fr £330
Return

including all tax
& charges

Call us now or book online
www.YouShouldTravel.com
0207 724 8455
Open Monday to Saturday 9.30am till 6.00pm

Iran
Air
Shiraz
fr £322
Return

including all tax
& charges

Qatar
Airways
Mashad
fr £436
Return

including all tax
& charges

Turkish
Airlines
Tabriz
fr £320
Return

including all tax
& charges

Business
Class
Tehran
fr £1321
Return

including all tax
& charges



RANGARANG

Est:1988

Issue No: 1058 €2 / £ 1.5

MONTHLY MAGAZINE



Celebrity Gossip

